صبح صادق

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
۵ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۸
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

مصلحت، امنیت و عدالت

صفحه ۳

آینده سیاسی منطقه در انتظار مقاومت

صفحه ۵

بهبود فضای کسب‌وکار پیش‌شرط حمایت از کالای ایرانی

صفحه ۶

جدال دو سند پای تخته سیاه

صفحه ۷

رمزگشایی صبح صادق از ابتکار عمل فلسطین در برابر خیانت غربی - عربی

آتش «انتفاضه بازگشت» خاموش نمی‌شود

صفحه ۴

گزارش خبری- تحلیلی از فرآیند همراهی اروپا با ایران در موضوع برجام

تکرار یک تجربه تلخ!

پس از ماه‌ها کشمکش و جنجال بر سر برجام بالاخره دونالد ترامپ در یک سخنرانی اعلام کرد، از برجام خارج می‌شود. هر چند برجام قراردادی بود که بین هفت کشور منعقد شده بود و یک توافق دوطرفه نبود که با خروج یکی از کشـــورها از این قرارداد به کلی از بین برود؛ اما خروج آمریکا از برجام در واقع ادامه آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داد

صفحه ۲

هادی محمدیان، کارگردان «فیلشاه» در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

اوج‌گیری انیمیشن ایران با بال تکنیک و هنر

صفحه ۱۲

گزارشی از افتتاح اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی کشور

سپاه نهادی انسان‌محور و الگوساز است

صفحه ۱۱

بررسی جایگاه عدالت در حکومت اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی با حجت‌الاسلام حامد کاشانی

ولایت در مقابل تندروی‌ها می ایستد

تیغ مطالبه‌گری مـــا باید چند برابر مطالبه‌گری رهبری باشـــد؛ چرا که ایشـــان در مقام ولایت ممکن است مصلحت‌مدار باشند. ایشان بسیاری از اوقات،ترمز یک‌سری تندروی‌ها را می‌گیرد؛ اما عده‌ای خیلی مواقع ارثی و ســـطحی‌گرایانه عدالت‌خواه هستند؛ از این رو مطالبه‌گری از جانب ما باید به طور واقعی و نه براساس مسائل سیاسی و انتقام‌جویی صورت بگیرد

صفحه ۱۰

سرمقاله

برجام و چرایی ورود و خروج آمریکا

□ دکتر یدالله جوانی/ برجام یا «برنامه جامع اقدام مشـــترک» به عنوان یک توافق بین‌المللی بین ایران و کشورهای گروه ۱+۵، موضوعی است که در چند سال اخیر، علاوه بر تأثیرگذاری بر مسائل مختلف، به شـــدت ذهن ایرانی‌ها را به خود مشغول کرده است. با خروج آمریکا از برجام، بار دیگر این موضوع در اولویت تحلیلی رسانه‌ها و موضع‌گیری مسئولان کشور، جریان‌های سیاسی و اصحاب رسانه واقع شد. چرایی خروج آمریکا از برجام و اهـــداف مورد نظر دولت ایالات متحده از این اقدام، پرسشی است که از منظرهای مختلف و عمدتاً با نگاه سیاسی و با رویکردهای جناحی در رسانه‌های داخلی به آن پاسخ داده شده است. برای پاسخ دقیق به چرایی خروج آمریکا از برجام، باید چرایی ورود آمریکا بـــه برجام را مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر، بدون توجه به دلایل، انگیزه‌ها و اهـــداف راهبردی آمریکا از ورود به عرصه مذاکره با ایران و در نهایت شکل‌گیری برجام، نمی‌توان دلایل و چرایی خروج را تحلیل کرد. ورود آمریکایی‌ها به مذاکره با ایران به دلیل تغییر راهبرد آنها در مواجهه با ایران پس از شکســـت راهبردهای براندازی و مهار جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه است. آمریکایی‌ها پس از سه دهه تلاش برای براندازی در گام اول و مهار قدرت جمهوری اسلامی در گام دوم، بر راهبرد تغییر رفتار ایران از طریق سیاست «فشار- مذاکره» متمرکز شدند. به عبارت دیگر، تصور آمریکایی‌ها این بود که با تبدیل سیاست و رویکرد تقابلی با ایران به یک رویکرد تعاملی با آغاز مذاکراه هسته‌ای، می‌توانند در نهایت جمهوری اسلامی ایران را وادار به تغییر رفتار در مسیر دلخواه خود کنند. در این رویکرد، وارد کردن فشـــارها و تحریم‌های اقتصادی، عامل اصلی وادار کردن ایران به پذیرش مذاکره برای کاهش فشارها از طریق امتیازدهی و تغییر رفتار ارزیابی می‌شد.

فشارهای اقتصادی آمریکا در نهایت، موجب شد تا در داخل کشور عده‌ای با کدخداپنداری آمریکا در جهان، حل مشکلات اقتصادی را به مذاکره با این کشور گره بزنند. مبتنی بر چنین نگاهی مذاکرات مستقیم با آمریکا شکل گرفت و برجام هسته‌ای حاصل این مذاکرات شد.

در حالی که تصور عده‌ای این بود که با برجام هسته‌ای تحریم‌ها از سوی آمریکا برداشته می‌شود، باراک اوباما با صراحت اعلام کرد، ایران در صورتی می‌تواند از منافع اقتصادی برجام برخوردار شود که به «روح برجام» عمل کند. از نظر دولت اوباما، روح برجام تغییر رفتار ایران در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای، نظامی و موشکی، تروریسم و حقوق بشر تفسیر شد. در واقع آمریکایی‌ها با برجام هسته‌ای و محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به دنبال شکل‌دهی به برجام‌های دیگری بودند که همگی، با منافع ملی، اســـتقلال و عزت ملی ایرانی‌ها در تعارض بود. اینجا بود که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی با هدف حفظ منافع ملی و عزت ایرانی‌ها، باب هرگونه مذاکره در دیگر موضوعات را با آمریکایی‌ها مسدود کردند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها، از یک سو خود را موفق به محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران می‌دیدند، لکن از سوی دیگر راهبرد تغییر رفتار ایران را در تمامی حوزه‌های مورد نظر ناکارآمد ارزیابی کردند. البته آمریکایی‌ها از این نظر در دستیابی به اهداف کامل از طریق مذاکره با جمهوری اسلامی مطمئن بودند که در داخل ایران کسانی برای مذاکره در موضوعات مختلف با آمریکا اعلام آمادگی می‌کردند. به هر حال ناکام شدن آمریکایی‌ها از پیشبرد راهبرد تغییر رفتار ایران از طریق سلسله مذاکرات و برجام‌های زنجیره‌ای، آنان را به خروج از برجام برای افزایش فشارها با هدف براندازی جمهوری اسلامی سوق داد. البته آمریکا موقعی تصمیم به خروج نهایی گرفت که مطمئن شد ایران در برجام خواهد ماند و محدودیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی پا برجا خواهد بود.

ادامه در صفحه ۲

سرلشکر صفوی در نشست واکاوی عملیات الی‌بیت‌المقدس

برتری فکری عامل پیروزی ما در دفاع مقدس بود

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا گفـــت هدف ما در ســـال‌های اولیه جنگ این بود که حملات پی‌درپـــی انجام دهیم و فرصتی به صدام برای بازســـازی ارتش ندهیم. رسیدن به مرزهای بین‌المللی دیگر هدف‌مان بود؛ با این حال بعضی‌ها تصور می‌کنند عملیات‌هایـــی که انجـــام دادیم بی‌حســـاب و کتاب بوده است. در حالی کـــه عملیات‌ها با روش‌های عقلانی طراحی و اجرا می‌شد؛ چون برتری فکری داشتیم.

بـــه گزارش صبح صادق ســـردار سرلشکر سیدیحیی صفوی در نشست واکاوی عملیـــات الی‌بیت‌المقدس در مرکز اســـناد و تحقیقات دفاع مقدس اظهار داشـــت: «هدف اساســـی و غیر قابل تغییر هـــر حکومتی حفظ بقای ملی، استقلال، ســـرزمین، ارزش‌ها و منافع ملی و امنیت ملی است؛ لذا ارتش صدام این هدف‌ها را مورد تهاجم قرار داد و در پی از بین بردن نظام سیاسی کشورمان بود.»

وی با اشاره به اینکه صدام فردی بود کـــه برای امضای قـــرارداد ۱۹۷۵ پیش‌قدم شد، گفت: «بزرگ‌ترین اشتباه عراق این بود که قدرت امام(ره)، ملت ایران و ارتش را دســـت کم گرفته بود، هر چند ارتش اوضاع خاصی داشت، اما هنـــوز روی پا بود، به نحوی که در روز دوم جنـــگ نیروی هوایی ارتش چنان عراق را بمباران کرد که هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود.»

دستیار و مشـــاور عالی فرمانده معظم کل قـــوا تأکید کرد: «تهدیدات امروز علیه ایران فرامنطقه‌ای است؛ چون هیچ کشـــوری که در همسایگی ایران قرار دارد را به تنهایی تهدید نمی‌دانیم؛ بنابراین قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و صهیونیست‌ها تهدید هستند. همچنین تهدیدات آینده دریاپایه و هواپایه است.»

ســـردار صفـــوی ادامـــه داد: «آمریکایی‌ها بعد از شکســـت در عراق و افغانستان در استراتژی نظامی خود نوشـــتند که آمریکا دیگر جنگی مانند عراق و افغانستان شروع نمی‌کند، پس جنگ آینده دورایســـتا، کوتاه‌مدت و پرشدت بوده و فناوری در آن پیچیده خواهد بود.»

وی با تأکید بر اینکه عوامل اقتدار ملی کشورمان ملت و نیروهای مسلح ایران هســـتند، گفت: «اکنون قدرت کشـــورمان به حدی رسیده که اقتدار آن عامل بازدارندگی اســـت؛ کشوری قدرتمند بـــا ۸۱ میلیون نفر جمعیت هستیم و نفوذ سیاسی و قدرت نظامی ما نسبت به ۳۶ سال گذشته حتی در مقابل آمریکا و صهیونیست‌ها افزایش یافته است.»

سردار صفوی با بیان اینکه برای پیشرفت و آبادانی باید مردم را در امور مختلف مانند اقتصاد مشارکت دهیم، یادآور شد: «نظام سیاسی و انقلاب ما با حضور و مشارکت دادن مردم در امور مختلف به پیشـــرفت و اقتدار می‌رسد. مردم خواستار امنیت پایدار هستند و برای همین هوشیارند.»

وی درباره عملیات الی‌بیت‌المقدس که در ســـال ۶۱ انجام شـــد نیز خاطر نشـــان کـــرد: «هدف مـــا در عملیات الی‌بیت‌المقدس آزادسازی خرمشهر و رســـیدن به مرزهای بین‌المللی بود و تصـــرف بصره جزو اهداف این عملیات نبود، چون هنوز امام اجازه عبور از مرز را نداده بودند.»

سرلشـــکر صفـــوی با اشـــاره به وضعیت عملیات در مرحله سوم اظهار داشت: «در این مرحله با مقاومت شدید عراقی‌ها مواجه شدیم و تلفات زیادی دادیم؛ لذا برای ادامه عملیات در مرحله چهارم به لحاظ نیروی انسانی با کمبود نیرو مواجه شدیم، اما عملیات به خوبی به نتیجه رسید.»

یادداشت

فرزندان رمضان

□ علی حیدری/ رمضان موســـم بیداری، فصل نو شـــدن و زمان به بار نشستن اســـت. رمضان موعد رویش، هنگامه تغییر و وقت رهایی است. رمضان فرصت خودیابی، مقطع تصمیم و ماه آشـــتی اســـت، مـــاه برکت و رحمت، ماه خیـــر و نیکی و ماه امید به نگاه رحمانی خالق یکتا، پروردگار سراســـر مهربانی و بخشش.

در شمارگان روزهای خوب خدا در طول سال، یک ماه، ماه میهمانی پروردگار است. این به معنای آن نیست که در روزهای دیگر سال بندگان میهمان خداوند نیستند؛ چرا که باور به مقدرات الهی در همه شئون زندگی و در لحظه به لحظه آن ما را به یقین می‌رســـاند که حتی لقمه‌ای بدون اذن حضرت خالق نمی‌توان برداشت، همانطور که بی اذن پروردگار برگی از درخت نمی‌افتد. از این رو باید به این میهمانی از دریچه فرصت نگاه کرد و در مفاهیم بلند آن اندیشید.

رمضان ماه تعالی معنوی اســـت و این مهم از خواص روزه‌داری است. چشم بستن بر لذایذ و شیرینی‌های مادی و جذابیت‌های دنیوی، تقویت صفای باطن را در پی دارد و این مقدمه‌ای است برای برداشتن گام‌های بزرگ در تقرب به ذات احدیت و پیمودن پله‌های ترقی روح و جان برای رسیدن به حضرت معبود. در حقیقت، این چشم بستن و ندیدن مقدمه‌ای است برای دیدن آنچه با چشم دل باید دید.

کلاس رمضان درس‌های بسیاری دارد که در این مقال و مجال فرصت اشاره به آنها وجود ندارد و این قلم از نگارش آنها عاجز است؛ اما شاید ذکر چند نکته خالی از لطف نباشد.

ما در این میهمانی بزرگ و میعاد ســـترگ الهی وظایفی بر دوش داریم که باید به انجام آنها همت کنیم. نخســـتین وظیفه ما نسبت به ماه مبارک رمضان، به دســـت آوردن نگاه صحیح از آن است. نگاهی که از صحیفه الهی، کتاب خدا و تعالیم پیشـــوایان و راهنمایان راه دریافته‌ایم. به این ترتیب، در گام اول باید به دنبال شـــناخت و معرفت لازم درباره چیســـتی این ماه و قدر و منزلت و جایگاه والای معنوی آن باشیم؛ چرا که در ورای این شناخت می‌توان برای بهره‌مندی از نعمات و برکات این موسم پر فضیلت تلاش کرد.

امـــا نباید در پرتـــو واژه‌ها و الفاظ بلند و پرمعنا که البته از بیان جایگاه این میهمانـــی عظیم عاجزند، از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی این ماه غفلت کرد. روزهای پرفضیلت ماه خدا افراد جامعه را به هم نزدیک‌تر کرده، همبســـتگی و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. در پرتو این فرصت بی‌بدیل روابط خانوادگی تحکیم و صله رحم، دوســـتی و مودت که ســـبک و سیره سنتی بوده و در پیچ و خم‌های عصر مدرن کم‌رنگ شده یا به فراموشی سپرده شده، احیا می‌شود. تقویت همدلی و گذشـــت و اهتمام به صداقت و راستگویی از ویژگی‌های روزه‌داران در این ماه خوب خداســـت؛ نکاتی که اگر همه آحاد جامعه با درک این واقعیت که همه روزهای سال در محضر خداوند و میهمانی او هستند، به آنها اهتمام کنند، جلوه‌های زیبایی از اخلاق و معنویت در جامعه پدیدار می‌شود و آثار آن در همه ابعاد زندگی ظهور و بروز خواهد یافت.

درس دیگر مکتب رمضان، حفظ عزت و اتکا به داشته‌های مادی و معنوی خود است؛ هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی و حتی سیاسی. در پرتو این باور اســـت که در مسیر پر سنگلاخ، می‌توان استوار بود و با ایمان و باور قلبی به خود، راه رسیدن به قله‌های کمال را پیمود و در هنگامه‌ای که تنها راه مقاومت اســـت، آنقدر باید مقاومت و ایســـتادگی کرد تا دشمن مجبور به شکست شود؛ همان‌طور که بارها و بارها در اثر همین مقاومت به شکست خود اعتراف کرده است.

رمضان تابلوی پرشـــکوه ایمان، عزت و باور است. باور به آنچه داریم و آنچه می‌خواهیم داشته باشیم و برای تحقق این خواسته باید با اراده و انگیزه قلبی و وحدت و انسجام پیش برویم و به نصرت الهی ایمان داشته باشیم؛ چرا که پیر و مرادمـــان حضرت روح‌الله به زیبایی فرمودند: «اگر ما را محاصره اقتصادی کنند، ما فرزندان رمضانیم و مقتدای‌مان امام علی(ع) است و اگر ما را محاصره نظامی کنند، ما فرزندان محرمیم و مقتدای‌مان امام حسین(ع) است.»

کارنامه را ببینید
چهل سالگی
بخش ویژه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی
هر شماره در صفحه ۹

با صبح صادق «زندگی» کنید
بخش ویژه خانواده
مشاوره و سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی
صفحه ۱۰

سؤال تریبون ٤
چرا جامعه اسلامی به انس با قرآن نیاز دارد؟
همراه با ۳ جایزه نقدی
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
آخرین فرصت پاسخ به تریبون ٤ ۹ خرداد ۹۷
صفحه ۱۱

وظیفه امروز نخبگان و حکومت‌های اسلامی

امام خامنه‌ای می‌فرمایند: ما در دنیای اسلام بایستی در همه علومِ تمدّن‌ساز-از علوم عقلی تا مجموعه علوم انسانی و اجتماعی، تا علوم طبیعی- حرکت جدّی‌ای را برای پیشرفت آغاز کنیم و می‌توانیم. یک روزی دنیای اسلام در قلّه تمدّن بشری قرار داشته است؛ چرا آن نباید تکرار بشود، باید حرکت کنیم. این کارِ حکومت‌ها و کار نخبگان است؛ در دنیای اسلام باید یک حرکت عظیم فکری و یک خواست عمومی به وجود بیاورند برای پیشرفت علمی و رسیدن به قلّه علم و دانش، و این کار، امروز ممکن است.

یادداشت

نگرانی‌های روزافزون اصلاح‌طلبان

□ **مهدی سعیدی/** خروج آمریکایی‌ها از برجام بیش از هر کس اصلاح‌طلبان را نگران کرده است. این نگرانی را می‌توان به وضوح در گفتار و نوشتار فعالان سیاسی این اردوگاه مشاهده کرد؛ نگرانی‌ای که می‌توان برای آن دو دلیل برشمرد:

۱ـ این جریان تمام اعتبار و حیثیت سیاسی خود را بر حل مشکلات اقتصادی کشور از طریق مذاکره و دیپلماسی گذاشته و با همه توان برای حمایت از روحانی به میدان آمده است و اینک به یکباره همه چیز را بر باد رفته می‌بیند! ادعای آنکه «یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است» هر چند در مواجهه با رفتار زیاده‌خواهانه ترامپ اقدام تبلیغاتی مثبتی به شمار می‌آید، اما این تعابیر نمی‌تواند برای هواداران اقناع‌کننده باشد؛ چرا که گوینده این سخن پیش از آن از ضرورت گفت‌وگو با کدخدا سخن گفته بود! لذا نگرانی‌ها از ریزش آرای روحانی و روی برگرداندن ملت از وی دوچندان شده است، به طوری که صادق زیباکلام نگرانی خود را چنین اعلام می‌دارد: «از شش ماه دیگر تحریم‌ها به طور جدی خواهند آمد؛ بنابراین عملاً اصولگرایان دست بالا را در انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم خواهند داشت و آنها پیروز میدان می‌شوند. از همین الآن احساس پشیمانی گسترده‌ای در بین آن ۲۴ میلیونی که به روحانی رأی دادند، به وجود آمده است.»

سعید حجاریان نمی‌تواند کاهش محبوبیت دولت اعتدال را منکر شود، اما تلاش دارد با زیرکی اذهان عمومی را از حقیقت گمراه کرده و عوامل دیگری را به جز ناکامی در برجام به منزله علت کاهش محبوبیت معرفی کند. وی به تازگی اعلام داشته است: «شاید مردم به نبود روحانی رضایت دهند! چرا که جایگاه رئیس‌جمهور نزد حامیان خود به دلیل تحقق نیافتن وعده‌های اقتصادی و همچنین ناتوانی در رفع حصر و برخی دیگر از مسائل افول کرده است. از این گذشته روحانی در مقابل مسائل جاری چون فیلترینگ تلگرام و افزایش نرخ دلار نیز واکنش مناسبی نداشته است.»

۲ـ با انسداد ایجاد شده در مسیر برجام، راه خروجی برای این نگرش وجود ندارد! این جریان واداده آنچنان از تشدید تحریم‌ها نگران است که از همین حالا خود را تسلیم آثار تحریم‌ها کرده است! بی‌اعتمادی به توانایی داخلی و عدم خودباوری برای استقامت در برابر فشارها سایه سنگین وحشت را بر این اردوگاه غالب کرده است! این نگرانی را حتی در کلام نظریه‌پردازانِ اصلاحات هم می‌توان مشاهده کرد! حجاریان پیش‌بینی می‌کند: «من قبلاً گفته‌ام «و ما ادراک ما تحریم»؛ در تحریم‌های جدیدی که ترامپ و دار و دسته‌اش به‌خصوص خزانه‌داری آمریکا در نظر دارند، در بحث زنجیره مالی به تحریم ثانویه اکتفا نمی‌شود... فشار خارجی به حدی شدت خواهد گرفت که دولت را کاملاً دست و پا بسته خواهد کرد، به حدی که نتواند پاسخگوی مایحتاج روزمره مردم باشد و هر روز در هر گوشه کشور شاهد غائله‌ای باشد.»

در این شرایط دو راهکار پیش روی اصلاح‌طلبان باقی مانده است. راهکار اول ماندن تا پایان کار با اعتدالیون و تلاش برای حمایت از سیاست‌های دولت و امیدواری به نجات برجام از طریق اروپایی‌هاست! راهکار دوم واگرایی و روی آوردن به سناریوی «عبور از روحانی»، با هدف کاستن از هزینه‌هایی است که می‌تواند آینده سیاسی اصلاح‌طلبان را در انتخابات آتی با تهدید مواجه کند! نشانه‌هایی از این رویکرد در اظهارات حجاریان نمایان است، آنجا که وی اشاره کرد: «در میان احزاب و چهره‌ها نیز عبور از روحانی محتمل است؛ چرا که هر یک از متحدان امروزین وی تئوری بقای خاص خود را دارند و ممکن است در یک نقطه عطف به موضع عدم دفاع برسند. بنابراین بعید نیست در بزنگاه، روحانی بماند و یکی دو حزب اصلاح‌طلب!»

البته هر دو راهکار پرهزینه است و آینده سیاسی اصلاح‌طلبان را با ابهام مواجه ساخته و تصمیم‌گیری را برای این جریان دشوار کرده است. وجود چالش‌های جدی دیگری در این اردوگاه، از جمله ناکامی عملکرد فراکسیون امید در مجلس و وجود تشتت و واگرایی‌های درون اردوگاهی موجب شده آینده اصلاح‌طلبی با ابهامات جدی مواجه شود؛ امری که به نظر می‌رسد مدت‌ها دامنگیر این جریان خواهد بود!

سرمقاله

برجام و چرایی ورود و خروج آمریکا

ادامه از صفحه اول

اگر آمریکا خروج خود را مرگ قطعی برجام ارزیابی می‌کرد، شاید خروجش به این شکل انجام نمی‌گرفت.

اکنون به نظر می‌رسد بین آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها یک تقسیم‌کار صورت گرفته، آمریکا با خروج از برجام به دنبال تشدید تحریم‌ها و اروپا با ماندن در برجام، به دنبال نگه داشتن ایران در برجام و وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تغییر رفتار تحت فشارهای سنگین آمریکا است. به عبارت دیگر، آمریکا با ورود به برجام، برنامه هسته‌ای کشورمان را محدود و با خروج از برجام بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، خود را در شرایط پیش از برجام قرار داد تا بتواند هرگونه فشار اقتصادی را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند. بدیهی است که در چنین شرایطی، منافع جمهوری اسلامی و ملت ایران تنها در دو حالت زیر تأمین خواهد شد:

۱ـ اروپای باقی‌مانده در برجام، تمام‌قد جلوی تمامی تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ایستاده، تأمین منافع اقتصادی ایران در چارچوب برجام را تضمین کند.

۲ـ در صورت ناتوانی اروپا در دادن چنین تضمینی، ایران هم به شرایط پیش از برجام از حیث فعالیت‌های هسته‌ای بازگردد؛ زیرا منطقی و معقول نیست که ایران از یک سو، در برجام باشد و تن به محدودیت‌های هسته‌ای بدهد و از سوی دیگر آمریکایی‌ها با خروج از برجام فشارهای اقتصادی بدتر از دوران پیش از برجام را علیه ملت ایران اعمال کنند.

نکته‌ونظر

مال بابام که نیست!

نکته: هواپیما داشت سقوط می‌کرد همه داد و فریاد می‌کردند به جز یک نفر؛ از او پرسیدند تو چرا داد نمی‌زنی؟! گفت: مال بابام که نیست، بگذار سقوط کنه!

نظر: در روزهای اخیر یکی از موضوعاتی که افکار عمومی را درگیر کرده است، فیلترینگ تلگرام است و اتفاقاً برخی از مسئولان دولتی هم به جای آنکه در جهت خیرخواهی مردم و اصلاح روند نادرست وابستگی جامعه به یک پیام‌رسان خارجی، قدم بردارند و به مردم کمک کنند، از یک فرد ضد ایرانی حمایت می‌کنند؛ آنها اگر چه در جلسات شورای‌عالی فضای مجازی و در جلسات مختلف به فیلتر این پیام‌رسان ضد امنیتی رأی داده‌اند، اما برای ایجاد جاذبه و محبوبیت برای خود و تخریب نهادهای حاکمیتی نظام، تقصیر را به گردن دیگر نهادهای نظام می‌اندازند و به عبارتی خود را از نظام جدا می‌دانند. الان زندگی بسیاری از مردم از طریق این شبکه اجتماعی در زمینه ترویج مواد مخدر، افزایش طلاق، خودکشی دختران و... دچار مشکل شده است؛ لذا ضروری است مسئولان با مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به زندگی مردم حساس باشند.

گزارش خبری- تحلیلی صبح صادق از فرآیند همراهی اروپا با ایران در موضوع برجام

تکرار یک تجربه تلخ!

□ **امین پناهی/** پس از ماه‌ها کشمکش و جنجال بر سر برجام بالاخره دونالد ترامپ در یک سخنرانی اعلام کرد، از برجام خارج می‌شود. هر چند برجام قراردادی بود که بین هفت کشور منعقد شده بود و یک توافق دوطرفه نبود که با خروج یکی از کشورها از این قرارداد به کلی از بین برود؛ اما خروج آمریکا از برجام در واقع ادامه آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داد.

ژست همراهی اروپا با برجام

پس از خروج ترامپ از برجام سردمداران اروپایی تلاش کردند مخالفت خود را با این تصمیم و همراهی با برجام اعلام کنند. نخست‌وزیر انگلیس اعلام کرد: «سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان به توافق هسته‌ای متعهد خواهند بود.» ترزا می افزود: «به همه کشورهای جهان یادآور می‌شوم که برجام، پشتوانه‌ای حقوقی به نام قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل دارد و مفاد آن کماکان برای جهانیان لازم‌الاجرا است.» وزارت خارجه آلمان هم طی بیانیه‌ای اعلام کرد، با برجام، جهان امن‌تر از قبل شده و اروپا به همین دلیل، برای حفظ آن «سخت تلاش خواهد کرد.» رئیس‌جمهور فرانسه نیز از تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از توافق هسته‌ای ابراز تأسف کرد و در نهایت فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به خروج ترامپ از برجام گفت: «اروپا از تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا نگران است؛ به برجام پایبندیم.» موگرینی در واکنش به سخنان ترامپ گفت: «اجازه ندهید هیچ کسی برجام را از بین ببرد. ما در کنار ایران هستیم.»

هر چند واکنش سردمداران اروپایی به خروج ترامپ از برجام یک واکنش انتقادی بود؛ اما در واقع نباید انتظار داشت این واکنش‌ها به جایی ختم بشود که اروپایی‌ها بزرگ‌ترین شریک و هم‌پیمان خود، یعنی آمریکا را رها کرده و به ایران بپیوندند. از سویی، توجه به این نکته ضروری است که دونالد ترامپ در سخنرانی خود برای اعلام خروج از برجام گفت: «من اعلام می‌کنم ایالات متحده آمریکا از برجام خارج می‌شود و طی چند روز آینده با صدور یک فرمان اجرایی، شدیدترین تحریم‌های هسته‌ای و اقتصادی را علیه ایران باز می‌گردانم. هر کشوری که به ایران کمک کند نیز می‌تواند تحت تحریم‌های ایران قرار گیرد.»

مهلت چند هفته‌ای دولت

آقای روحانی، رئیس‌جمهور هم بلافاصله پس از سخنرانی ترامپ در نطق تلویزیونی خاطر نشان کرد، حالا که آمریکا از برجام خارج شده، دولت او به دنبال حفظ برجام به کمک دولت‌های اروپایی، روسیه و چین است. آقای روحانی در همین سخنرانی به فرصت چند هفته‌ای اشاره کرد که قرار است طی آن در صورت همکاری طرف‌های اروپایی، ایران همچنان در برجام بماند.

تأکید رهبری بر تضمین اروپایی‌ها

صبح روز بعد، رهبر معظم انقلاب در دانشگاه فرهنگیان با اشاره به بدعهدی آمریکا در عمل به تعهداتش فرمودند: «حالا گفته می‌شود که برجام را می‌خواهیم با این سه کشور اروپایی ادامه بدهیم؛ من به این سه کشور هم اعتماد ندارم. من می‌گویم به اینها هم اعتماد نکنید؛ [اگر] می‌خواهید قرارداد بگذارید، تضمین به دست بیاورید- تضمین واقعی، تضمین عملی- وَالّا فردا اینها هم همان کاری را خواهند کرد که آمریکا کرد.»

اروپا تضمین نکرد

اما پس از این ماجرا وزیر امور خارجه به دنبال صحبت درباره آینده برجام و امکان‌سنجی تداوم آن به چند کشور می‌رود. ظریف شروع به سفر می‌کند تا با طرف‌های قرارداد برجام مذاکره‌ای دوباره داشته باشد و بتواند تضمین ادامه برجام را از آنها اخذ کند. ابتدا به چین و روسیه سفر کرده و با وزرای خارجه آنها صحبت می‌کند؛ اما مهم‌ترین بخش این سفر حضور او در مقر اتحادیه اروپا و ملاقات با وزرای خارجی آلمان، فرانسه، انگلیس و همچنین خانم موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپاست.

ظریف این بار بدون لبخند و پیش از

شروع نشست به طرف‌های مذاکره هشدار می‌دهد: «زمان زیادی برای دستیابی به مکانیزم تضمین‌های لازم برای حفظ منافع ایران در صورت ماندن در برجام وجود ندارد. ما امروز می‌خواهیم ببینیم که آیا اعضای باقی‌مانده برجام آماده ارائه منافع اقتصادی برجام هستند یا نه.»

نشست حدود یک ساعت‌ونیم طول می‌کشد و ماحصل آن گویا آن چیزی است که رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان را راضی کرده است. بیانیه‌ای که قرار است مفاد آن را «فدریکا موگرینی» قرائت کند، بندهای گوناگونی دارد که اهم آن عبارت است از: «حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران، تأکید بر تعاملات مؤثر بانکی با ایران، تداوم فروش نفت و گاز ایران، سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران، حمایت از فعالان اقتصادی اروپا که در ایران مشغول هستند و ایجاد فضای اطمینان‌بخش حقوقی برای آنها»؛ پس از آن ظریف اعلام می‌کند که قرار است گفت‌وگوهای کارشناسی از هفته‌های آینده آغاز شود و نتیجه آن به سمع وزرای خارجه چهار کشور برسد.

محمدجواد ظریف گویا با دست پر به تهران باز می‌گردد و آن چیزی که در نظر داشته، به دست آورده است؛ اما آیا این آن چیزی است که رهبر معظم انقلاب در صحبت‌های خود در دانشگاه فرهنگیان از دولت خواسته بودند؟ ایشان از دولت می‌خواهند تضمین عملی و واقعی از دولت‌های اروپایی بگیرد؛ اما هیچ سازوکاری در این بیانیه وجود ندارد که منافع ایران را به طور کامل تضمین کند.

نشانه‌های پا پس کشیدن اروپا

یکی از مسائلی که هم برای ایران و هم برای کشورهای اروپایی بسیار مهم است، نوع برخورد تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران با سرمایه‌گذاری‌هایی است که شرکت‌های بزرگ این کشورها پس از برجام انجام داده‌اند. هر چند دولت فرانسه ابتدا اعلام کرده بود، از سرمایه‌گذارانش در ایران حمایت و دفاع خواهد کرد تا استثناهایی برای این شرکت‌ها از دولت ترامپ دریافت کند؛ اما مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه اعلام می‌کند قرار نیست بر سر ایران با آمریکا جنگ تجاری راه بیندازد.

در واقع، اروپا بر سر یک دوراهی بین ایران و آمریکا مانده و فهمیدن اینکه در نهایت کدام یک را انتخاب خواهد کرد، کار خیلی دشواری نیست و با یک حساب سرانگشتی می‌توان متوجه این موضوع شد. حجم معاملات دوطرفه آلمان، فرانسه و انگلیس با آمریکا ۳۷۹ میلیارد دلار است؛ در حالی که این عدد درباره ایران از ۵/۹ میلیارد تجاوز نمی‌کند و این به معنای آن است که تجارت با ایران کمتر از دو درصد تجارت با آمریکاست. از سوی دیگر، آمریکا صاحب امتیاز چاپ دلار در جهان است و این صاحب امتیازی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا دولت آمریکا هر شرکت یا بانکی را که بخواهد، می‌تواند از چرخه دلار خارج کند و بازگشت به این چرخه مستلزم تحمل جریمه‌های هنگفتی است که تجارت با ایران و سود حاصل از آن نمی‌تواند کفاف این جریمه را بدهد. این در حالی است که دولت‌های اروپایی نیز در مقابل این جریمه بانک‌های‌شان نمی‌توانند کمکی به آنها کنند.

بنابراین، اروپایی‌ها برای حفظ برجام و از بین نرفتن قراردادی که روزی پای آن را امضا کرده‌اند، اگر بخواهند هم نمی‌توانند کاری بکنند. به این معنا که حتی اگر اروپا تضمین بدهد در برجام خواهد ماند، چندان نمی‌توان به این تضمین دل بست و امیدوار بود که هر آنچه می‌گوید انجام می‌دهد.

تکرار یک تجربه تلخ

البته نباید فراموش کنیم سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه همان سه کشوری هستند که در سال ۱۳۸۳ قرارداد سعدآباد را به ملت ایران تحمیل کردند. کشورهای موسوم به تروئیکای اروپا که طی این قرارداد توانسته بودند از هر گونه فعالیت هسته‌ای ایران حتی در سطح آزمایشگاهی جلوگیری کنند و قرار بود به ازای آن از رفتن پرونده ایران به شورای امنیت جلوگیری کنند؛ اما عملاً چنین اتفاقی نیفتاد و حسن روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی در آن زمان در نامه‌ای به محمد البرادعی نوشت: «متأسفانه، در مقابل اگر نگوییم هیچ، ایران مابه‌ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول‌های انجام نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد.»

اروپا چنین تضمینی نداده و نخواهد داد؛ در واقع آنها به دنبال یک سازوکار قانونی هستند که بتوانند شرکت‌های خود را از تحریم‌های آمریکا مستثنی کنند و البته این در صورتی امکان‌پذیر است که ترامپ این استثنا را برای شرکت‌های مزبور بپذیرد.

هر چند اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، این ایران است که نتوانسته هیچ استفاده‌ای از برجام ببرد. به این معنا که در حال حاضر تحریم‌هایی که به واسطه برجام تعلیق شده بودند، با شدت بیش از پیش باز می‌گردند و ایران تنها به بهای همکاری با چند شرکت اروپایی حق نخواهد داشت هر گونه فعالیت هسته‌ای را که در برجام از آن منع شده، دوباره راه‌اندازی کند. بعید نیست اروپا و آمریکا با ایفای نقش پلیس خوب و بد به دنبال چنین سناریویی برای آینده برجام باشند.

اما با نگاهی به پیشینه تاریخی کشورهای اروپایی درباره ایران و همچنین با توجه به اظهارنظرهای برخی مقامات این کشورها درباره مذاکرات جدید با ایران، به نظر می‌رسد این سه کشور اروپایی به دنبال دریافت امتیازات جدید از ایران برای حفظ برجام هستند و بهای همراهی خود را کشاندن کشورمان به پای میز مذاکره درباره توانمندی موشکی، مسائل منطقه‌ای و... قرار داده‌اند.

تحلیل

ضرورت هوشیاری نیروهای انقلاب

□ **فرهاد مهدوی /** آمریکا پس از خروج از برجام به دنبال یک جنگ روانی طولانی‌مدت، زمان‌بندی شده و «نشت هدایت‌شونده» تا آبان ۹۷ با ۱۸۰ روز زمانبندی است و این هدف را تعقیب می‌کند که در یک عملیات روانی فرسایشی، حاکمیت و نظام را هر روز در مسیر یک حادثه، تهدید و تحریم قرار دهد. از زمان محاسبه خروج از برجام این نکته حاصل می‌شود که آمریکا می‌خواهد یکصد و هشتاد روز خود را تا ۱۳ آبان که روز ملی مبارزه با استکبار جهانی است، ادامه دهد. این موضوع حکایت از این دارد که مبارزه آمریکا صرفاً در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی نیست و آمریکا با این بهانه، هم وحدت جامعه را هدف قرار داده است و هم به دنبال آن است که شور انقلابی مردم فروکش کند؛ از این رو لازم است واکنش‌های مدبرانه‌ای را سرلوحه فعالیت‌های سیاسی و رسانه‌ای قرار دهیم.

۱ـ نیروهای انقلابی به این نکته واقفند که؛ میزان دلسوزی جریان‌های اصلاح‌طلب و بسیاری از حامیان سیاسی روحانی (که بارها از دولت روحانی به عنوان رحم اجاره‌ای نام برده‌اند) برای انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن بسیار کمتر از کوچک‌ترین نیروهای آنان در سراسر کشور است و هرگونه افزایش سطح درگیری با این نیروها و تنازل آن اهداف انقلاب در مجادله با این نیروهای حقیر، به تقویت حیله‌های دشمن و اثرگذاری رفتارهای آنان بر مردم می‌انجامد.

۲ـ برخی از جریان‌های افراطی اصلاح‌طلب حامی دولت نه تنها از فشارهای غرب نگران نیستند؛ بلکه در گرادهی برای تخریب برخی پایگاه‌های نظام با آنان همکاری دارند؛ ناگفته نماند که شروع تحریم‌ها در زمان فتنه ۸۸ با آدرس‌دهی غلط آنان مبنی بر «فشار بیرونی و امتیازدهی از درون» روی داد! پس نباید انتظار داشت که جریان اصلاح‌طلبی از رفتار خود در طول مذاکرات احساس پشیمانی و عذرخواهی کند؛ زیرا از دیدگاه آنها این مردم و نظام هستند که خواهان عذرخواهی از مردم هستند، نه کسانی که مذاکره کردند و امتیاز دادند.

۳ـ عملیات روانی برجام مهم‌تر از دستکاری ساختارها، دستیابی به رمزها، بتون‌ریزی رآکتور اراک و بسته شدن سانتریفیوژها بوده است؛ زیرا در آنجا آمریکا به دنبال آن بود که با نمایش مهروموم سانتریفیوژها قدرت مهار شده جمهوری اسلامی ایران را به جهانیان نشان دهد و از سوی دیگر دولت روحانی درصدد بود که قدرت‌نمایی خود در مذاکره را به عنوان «مذاکره برای مذاکره» به مثابه یک دستاورد معرفی کند! اما این عملیات روانی موجودیت انقلاب اسلامی و حتی نیروهای مقاومت در سراسر منطقه را هدف قرار داده است.

۴ـ دولت جمهوری اسلامی ایران تنها بازنده این میدان نیست؛ بلکه آمریکا و اروپا نیز در این عرصه بخش اعظمی از اعتبار و حیثیت خود را از دست دادند؛ این جمله هنگامی معنا می‌یابد که به تبلیغات و نوشته‌های برخی از غرب‌گرایان که همواره به دنبال ترمیم روابط با غرب و مدافع گفتمان آمریکایی بودند نگاهی انداخته شود و به عنوان سندهای ساده‌لوحی جمع‌آوری شوند. این جریان اکنون در شرایط متناقضی در میان حرف و عمل قرار گرفته است که رونمایی از آن می‌تواند به روشنگری و افزایش سطح سواد مردم بینجامد.

۵ـ نیروهای انقلابی از اکنون باید بکوشند که تاریخ انقلاب اسلامی را در پنج سال گذشته و به تحقیق سه سال آینده با دقت و وسواس بسیار بنگارند؛ زیرا تاریخ معلم انسان‌هاست و این برجام هسته‌ای بزرگ‌ترین درس‌ها را به ملت ایران و جوانان آینده خواهد داد که چگونه روند نظام اسلامی که در اوج شکوفایی فضایی و هسته‌ای بود با علاقه‌مندی گروهی برای رابطه با غرب، متوقف شد.

نتیجه این بازی برای آمریکا و غرب‌گرایان ایران بازی با حاصل جمع صفر است، اما در این میان نیروهای انقلابی و مردم ایران برنده این میدان خواهند بود و ان‌شاءالله این وعده الهی محقق خواهد شد.

اخبارویژه

سخنان ضد ایرانی در عراق!

ضیاء الاسدی، رئیس دفتر سیاسی مقتدی صدر با ابراز نگرانی از اینکه دخالت های داخلی و خارجی قدرتمندی از جمله ایران اگر در تشکیل دولت به وجود بیاید مخالفتمان را پنهان نمی‌کنیم افزود: تلاش هایی برای ایجاد ائتلاف برای جلوگیری از هرگونه حضور ایران در موضوع تشکیل دولت وجود دارد و ما اکنون به دنبال تشکیل دولتی بدون حضور ایران و نیز به دور از ائتلاف با هادی العامری و نوری المالکی هستیم. او در ادامه گفت: در صورتی که تهران برای اثرگذاری بر تشکیل دولت تلاش کند، جریان صدر به جای تظاهرات، فشارهای خود را از طریق مجاری قانونی و دمکراتیک انجام خواهد داد.

ریزه‌کاری‌های بازی

عباس عبدی، فعال و تحلیلگر اصلاح‌طلب گفت: «دولت همچنان براساس شکافی که از دل آن به وجود آمد، به بقای خود ادامه می‌دهد؛ یعنی از شکاف میان اصلاح‌طلبان و حکومت. البته معلوم نیست دولت تا کی می‌تواند بر این شکاف سوار شود، از این طریق مشکلات خود را پوشش دهد و جلو برود. روحانی به ریزه‌کاری‌های بازی هم مسلط نبود و همین باعث شد که نتیجه این بازی او، بیشتر ضرر باشد تا منفعت.»

راهکار نتانیاهو!

نشریه گاردین نوشت: نتانیاهو برخلاف ظاهرش، جنگ‌طلب نیست. وی یکی از آن دسته از رهبران اسرائیلی است که بسیار از ریسک، جنگ یا صلح گریزان است.

وی به دیپلماسی سنتی اعتقادی ندارد، مگر در تلفیق با فشار اقتصادی و بازدارندگی نظامی. نتانیاهو بر این باور است همراه با افزایش تندروی در دولت ترامپ، تحریم‌های جدید و فرسایش نیروهای نظامی ایران در سوریه، رهبران ایران را مجبور به تسلیم کرده و حتی می‌تواند به سقوط آنها منجر شود!

روی خط خبر

خواب‌های سلطنتی

در ماه‌های اخیر، اختلاف میان سلطنت‌طلبان و اپوزیسیون لندن‌نشین بالا گرفته است. چندی پیش رامین پرهام از سلطنت‌طلبان مقیم خارج از کشور در مناظره با تقی‌زاده، یکی دیگر از فعالان ضد انقلاب که از شبکه ماهواره‌ای پارس پخش می‌شد، در اعترافی جالب مدعی شد هیچ‌گاه سلطنت و حزب رستاخیز به ایران باز نخواهد گشت و اگر چنین اتفاقی بخواهد صورت گیرد، بنده از وقوع آن جلوگیری می‌کنم! این اظهارات در حالی از سوی این فعال ضد انقلاب مطرح می‌شود که وی چندی پیش به نمایندگی از رضا پهلوی در نشستی با عنوان «مدیریت گذار از جمهوری اسلامی» شرکت کرده و در اظهاراتی متوهمانه به همراه دیگر فعالان ضدانقلاب برای آینده ایران پس از جمهوری اسلامی چاره‌اندیشی می‌کردند! اینها در حالی به دنبال مدیریت گذار از جمهوری اسلامی هستند که از مدیریت خود ناتوانند!

خدمت سعودی‌ها به ایران

فیصل قاسم، مجری برجسته سوری شبکه تلویزیونی «الجزیره» قطر طی مقاله‌ای در روزنامه «القدس العربی»، سیاست‌های عربستان علیه ایران را در منطقه بررسی کرد. در این مقاله آمده است: «زمانی که می‌بینیم بسیج رسانه‌های عربستان علیه جمهوری اسلامی است؛ یعنی اینکه ایران اولین دشمن برای عربستان محسوب می‌شود. بیشتر سیاست‌های عربستان سعودی به نفع ایران شده است؛ خصومتی که عربستان با ایران دارد، همانند خصومت آمریکا و اسرائیل با ایران است؛ با این تفاوت که ایران اگر با آمریکا و اسرائیل تفاهم کند، از منافعی برخوردار می‌شود برعکس عربستان که اگر با ایران هم تفاهم کند، باز هم ضرر می‌بیند. اگر ما به سیاست‌های سعودی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم به قدری که به ایران خدمت کرده، به هیچ کشوری خدمت نکرده است.»

علت علاقه مسلمانان به ایران

خبرگزاری «اسپوتنیک» با انتشار یادداشتی تحت عنوان «می‌گویند چرا ملت‌های منطقه به ایران گرایش دارند»، رویکرد ایران در قبال کشورهای منطقه را بررسی کرده است. در این یادداشت که به قلم عماد آبشناس منتشر شده، می‌خوانیم: «یک تصمیم نابخردمندانه رئیس‌جمهوری ایالات متحده منجر شد ده‌ها فلسطینی شهید و هزاران فلسطینی دیگر مجروح شوند و باز هم سؤال می‌کنند چرا ملت‌های منطقه به ایران گرایش دارند؟ آیا فکر نمی‌کنید ملت‌های مظلوم منطقه به این دلیل به ایران گرایش پیدا می‌کنند که از مظلومیت آنها دفاع می‌کند و تنها پشتوانه آنها است؟»

ضرر ۲۵ میلیارد دلاری زنگنه

نایب‌رئیس کمیسیون انرژی در واکنش به بیانیه توتال مبنی بر خروج احتمالی این شرکت از قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، اظهار داشت: «واگذاری مرزی‌ترین فاز پارس جنوبی به شریک کشور قطر در این میدان مشترک، یک خطای استراتژیک بود و پنج سال فرصت‌سوزی و بلاتکلیف ماندن فاز ۱۱ تنها به سود قطر تمام شد.» هدایت‌الله خادمی گفت: «به محض روی کار آمدن دولت یازدهم یکی از جکت‌های ۲۰۰ میلیون دلاری ساخته شده در ایران آماده نصب بود؛ ولی وزیر نفت دستور داد این جکت اوراق شود و هیچ کاری صورت نگیرد تا توتال توسعه این فاز را برعهده بگیرد.» خادمی گفت: «وزیر نفت بارها گفته است هر سال تأخیر در بهره‌برداری از یک طرح پارس جنوبی پنج میلیارد دلار ضرر به کشور می‌زند.»

به برجام اهانت شده!

پس از اینکه چند نفر از نمایندگان مجلس در اقدامی نمادین در برابر سخنان ترامپ که پیشتر گفته بود برجام را پاره خواهد کرد، اقدام به آتش زدن نسخه نمادین برجام و پرچم آمریکا کردند، اصلاح‌طلبان مجلس بیان می‌کنند این موضوع وجهه کشورمان را در جهان خدشه‌دار کرده است! هنوز اصلاح‌طلبان با قداست تمام از برجام صحبت می‌کنند و سندی را که با طرف‌های غربی بسته شده و بی‌اعتبار است، معتبر جلوه می‌دهند.

برای فلسطین متحد می‌شویم

«شـاهد خاقان عباسـی» نخست‌وزیر پاکستان در نشست سازمان کنفرانس اسلامی در ترکیه، با محکومیت انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس و طرح این موضوع که باید جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم غزه پایان یابد، گفت: برای حمایت از مردم فلسطین باید با یکدیگر متحد شده و خواهان تحقیقات شفاف سازمان ملل متحد درباره جنایات رژیم صهیونیستی شویم.

روی خط خبر

یکصد مدیر دو تابعیتی

اسامی ۱۰۰ مدیر دوتابعیتی به منظور بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌های لازم در قالب گزارشـی به دادستان کل کشور تقدیم شده است که شامل مدیران در حـوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌شود. نقوی‌حسینی، عضو فراکسیون ولایی مجلس در این باره اظهار داشـت: «این حساسیت هیئت تحقیق و تفحص درباره این پیگیری‌ها فقط به دلیل جلوگیری از پروژه نفوذ بود و هیچ موضوع دیگری جز این مدنظر قرار نگرفت.»

چرا به توتال اعتماد کردیم؟

چـرا توتـال قصد خـروج از فـاز ۱۱ پارس جنوبـی را دارد؟ با نگاهی به سـهامداران این شرکت آمریکایی- فرانسوی می‌توان فهمید که حدود یک سوم توتال (حدود ۳۰ درصد)، متعلق به آمریکایی‌هاست. بانک‌هـای آمریکایی در ۹۰ درصد فاینانس‌های توتال حضور مؤثر دارند و در صورتی که از دستورات دولت آمریکا سرپیچی کنند، بدون شک از فاینانس‌های دلاری دولت آمریکا نیز محروم خواهند شد. برخی بررسی‌ها نشـان می‌دهد، ارزش دارایی توتال در آمریکا ۱۰ میلیارد دلار اسـت. بنابراین با چنین اعدادی نباید توقع داشت توتال از دستورات آمریکایی‌ها سـرپیچی کند. آیا وزیر نفت از این اعداد خبر نداشت که توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی را به این شرکت داد؟

ادامه برجام، بدون مشورت

مجتبی ذوالنور، رئیس کمیته هسته‌ای مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ادامه دادن برجام خلاف قانون اسـت، گفت: «بعضی افراد از اینکه رهبری اصل مذاکرات برجام را پذیرفته، سوءاسـتفاده می‌کنند. رهبـری را در مقابل عمـل انجام شده قرار دادند. هیچ مشورتی قبل از ادامه برجام با کشـورهای دیگر با رهبـری صورت نگرفـت. اینکه می‌گویند رهبری موافق برجام است، بیان‌کننده این است که رهبری باید به روحانی بگویـد بیخود کرده‌ای ادامـه برجام را پذیرفتی یا حال که این مسیر را می‌روی، از کشورهای حاضر در برجام تضمین بگیر؛ چرا که روحانی بلافاصله پس از صحبت‌های ترامپ، سخنرانی و اعلام کرد ایران در برجام باقی می‌ماند.»

حق قابل گفت‌وگو نیست

سـعید جلیلی با ذکر خاطره‌ای نوشت: «سال‌ها قبل وقتی معاون اروپا و آمریکایـی وزارت خارجـه بودم، با همتای فرانسوی‌ام دیداری داشتم. در آن زمان برای ساختمان سفارت فرانسه در تهران مشکلی پیش آمده بود و من گفتم کمیته‌ای تشکیل شود تا مشکل را بررسـی کنیم. دیپلمات فرانسوی خیلی ناراحت شـد و گفت اصلاً چرا کمیته تشکیل می‌دهید؟ من مجدداً گفتم کمیته‌ای تشـکیل شود تا این مشکل را بررسی کند، اما او قبول نکرد و گفت این موضوع جزء حقوق ماست و حق قابل گفت‌وگو نیست. بلافاصله به او گفتم اتفاقاً من هم می‌خواسـتم بـه همین جا برسـید! اگر حق قابل گفت‌وگو نیست، چرا می‌خواهید این همه درباره حق مسـلم ایران درباره انرژی هسته‌ای مذاکره کنید؟»

واکنش به پیروزی حزب‌الله

یـک هفتـه پـس از پیروزی شـگفت‌انگیز حزب‌الله در انتخابات لبنـان، آمریکا و چند کشـور عرب منطقـه خلیج‌فارس در یـک اقدام انفعالی، رهبران حـزب‌الله لبنان، از جمله سیدحسن نصرالله و نعیم قاسم، معاون وی را تحریـم کردند. وزارت دارایی آمریکا درباره این اقدام گفت: «تحریم رهبران ارشد حزب‌الله اقدامی چشمگیر برای اخلال در کار یک گروه تروریستی مورد حمایت ایران است! این تحریم‌هـا در پی تصمیم ترامپ برای خروج از برجام، وضع شده است.»

مرغ همسایه!

آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات از اینسـتاگرام دفاع کرد و به کنایه از احتمال فیلتر شـده آن سخن به میان آورد. وی در مطلبی نوشـت: «به تازگی دیدم آقای رشـیدپور در تلویزیون در برنامه حالا خورشـید، اینسـتاگرام را تبلیـغ می‌کند. به دوسـتان گفتم به ایشـان بگویید انقدر تبلیغ اینسـتاگرام نکن، اینم می‌بندند.» حمایـت آقای جهرمی از یک پیام‌رسـان خارجی در حالی اسـت که وی هیچ‌گونه حمایتی از پیام‌رسان‌های داخلی در هفته‌های اخیر به عمل نیاورده است.

رهیافت

عدالت در پرتو ولایت- ۴

مصلحت، امنیت و عدالت

□ **عزیز غضنفری/** یکی از مسائلی که این روزها ممکن است عده‌ای مطرح کنند، این است که موضوع‌هایی، مانند مصلحت و امنیت نظام که مسـئولان کشور بر آن تأکید می‌کنند، گاهی در نقش موانع اساسی برای اجرای عدالت ظاهر می‌شوند. در واقع، از منظر این گروه و نحله فکری، حفظ مصالح و امنیت کشور اجازه تحقق عدالت را سلب کرده است؛ زیرا این موضوعات دستمایه‌ای شده است تا مدیران نظام سیاسی در شرایط خاص، بین اجرای عدالت با لحاظ مصلحت و امنیت کشور، دومی را برگزینند.

واقعیت آن است که در این زمینه بحث‌های ارائه شده در فقه سیاسی شیعه هم بسیار گسترده، عمیق و تخصصی اسـت؛ از این رو به طور طبیعی فرصـت پرداختن به همه ابعاد آن در اینجا وجود ندارد؛ اما به قدر ضرورت و فرصت برخی محورهای اساسی این شبهه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مصلحت در بیشتر نظام‌های سیاسی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ این اهمیت در نظام حکومت اسـلامی دوچندان است؛ زیرا حکومت اسلامی متضمن احکام ثابت و متغیری است که با حفظ ثبات دین، خود را مسئول حل بحران در زمان‌های گوناگون می‌داند. مسـئله اساسـی در اینجا آن اسـت که آیا حکومت اسلامی و نظـام سیاسـی و اجتماعی مبتنی بر ولایت فقیه با توجه به احکام ثابت و جاویدانش، به مصالح عمومـی و متغیرهای اجتماعی توجه دارد؟ واقعیت آن است که فقه سیاسی شیعه که سال‌های زیادی را خارج از عرصه اجتماعـی و چارچوب حکومتی مشـروع گذرانده اسـت، همواره در معرض اتهاماتی با عنوان ناسازگاری با نیازها و اقتضائات زمان بوده است؛ به این معنا که شیعه در حوزه اداره جامعه به الزامات و شرایط زمانه و روزگار بی‌تفاوت اسـت یا آنکه برنامه‌ای ندارد؛ از این رو مصلحت با درک این سـؤال در فقه شیعه و حکومت اسلامی مورد توجه خاص واقع شده است. در این باره باید گفت، برخلاف نگاه اشتباه و ناصحیحی که مصلحت را ابداع و محصول جمهوری اسلامی می‌دانند، مصلحت را «شیخ مفید» در فقه امامیه پی نهاد، شهید اوّل با بررسـی آن در قواعد فقهی به آن تعمیم بخشـید و آن را روشـمند کرد. صاحب «جواهر» نیز رابطـهٔ ولایـت فقیه و مصلحت را نمایاند و حضرت امام(ره) آن را در طرحی جامع در انداخت و آن را به صورت یک نظریه و سـاخت سیاسـی درآورد. از نگاه امام(ره)، مصلحت به معنای منافعی است که به جامعه باز می‌گردد و قلمرو وسیعی دارد؛ به گونه‌ای که منافع دنیوی، اخروی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... را در بر می‌گیرد. مصلحت به این معنا از مهم‌ترین ضوابط احکام حکومتی است و رهبران جامعه باید در تصمیم‌گیری‌های خود به آن توجه کنند. هر گاه مصلحت‌ها با هم متزاحم شوند یا حکم حکومتی دربردارندهٔ مصلحت با احکام شرعی ناسازگار باشد، باید «مصلحت یا حکم مهم» را در مواجهه با «حکم و مصلحت اهم» قربانی کرد. امام راحل راهبردهای اجرایی و آیین‌نامه این مسـئله فقهی را به گونه‌ای جامع ارائه دادند؛ بدین‌سان که مرجع تشخیص مصلحت و سازوکارهای فقهی و ساختاری تشخیص «مهم و اهم» را در جمهوری اسلامی ایران تعیین کرد. این نکات را به این دلیل آوردیم که اگر عده‌ای به ناآگاه یا مغرضانه دوگانه «مصلحت- عدالت» را به وجود آوردند، در دام آنان نیفتیم و در مقام دفاع از عدالت، این‌گونه تلقی نشود که نظام اسلامی اهل مصلحت‌اندیشی نیست! نکته دیگر در این زمینه آن است که چنین افرادی که مایلند بین عدالت و مصلحت تزاحم نشان دهند، فهم آنان از عدالت بسیار سطحی و تقلیل‌گرایانه است. این افراد عدالت را صرفاً در حدّ عدالت قضایی و برخورد با فساد و مفسدان می‌دانند؛ والّا اگر عدالت را به معنای وسیع و عمیق آن در نظر می‌گرفتند، آن هنگام پی می‌بردند بزرگ‌ترین مصلحت که برای اسلام، عامه و نظام سیاسی منفعت می‌رساند، اجرای عدالت است و از قضا همه همّ و غم ولایت و رهبری در نظام اسلامی تلاش برای تحقق عدالت به معنای وسیع و حقیقی آن در سطح جامعه است.

دیدگاه

هم‌صدایی جریان‌های سیاسی و الزامات آن

□ **حسین عبداللهی‌فر/** هم‌صدایی از سوی جریان‌ها و احزاب سیاسی مختلف در برابر برخی پدیده‌های مهم به ویژه موضوعاتی که پای دشمنان انقلاب اسلامی در میان است، امری پسندیده و ضروری است؛ چراکه هم جلوی سوءاستفاده بیگانگان را می‌گیرد و هم تصمیم‌گیری قاطع و سریع را آسان می‌کند. اما آنچه در جریان خروج آمریکا از برجام رخ داد، نشان داد که مقصود برخی از هم‌صدا شـدن در برابر دیگران، تک‌صدایی و همراهی با مواضع آنان اسـت. از منظر آنها هم‌صدایی تأیید یا سکوت مطلق است. مؤید این ادعا برخورد و واکنش‌های تندی بود که از سوی برخی از شخصیت‌های سیاسی، دولتمردان و رسانه‌های وابسته به جریان حاکم نسبت به بیانیه رسمی خبرگان صورت گرفت. صرف‌نظر از جایگاه مجلس خبرگان رهبری و لزوم رعایت شأن آن و بدون توجه به فرمان رهبر معظم انقلاب اسـلامی به این مجلس در موضوع ضرورت مطالبه‌گری از مسـئولان، شوربختانه باید گفت؛ اظهارنظرهایی مبنی بر تهدید خبرگان از سوی برخی دولتمردان، تنزل بیانیه‌ای رسمی یک نهاد بلندپایه به مواضع شـخصی یک نفر با برجسته‌سازی تیترهایی چون؛ «به کام جنتی، به نام خبرگان» و... نشان‌دهنده بی‌صبری یک جریان سیاسی به ویژه جریان حاکم در برابر حتی یک مورد نقد رسمی است.

با این‌گونـه برخوردها و مواضـع تند در برابـر بیانیه رسـمی یک نهاد حاکمیتی، تکلیف دیگـران برای هرگونه نقد و انتقاد روشـن می‌شـود و همگان مقصود از هم‌صدایی را با همـه مضامین و مفهوم آن درک می‌کنند. این در حالی است که هم‌صدایی الزاماتی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- سعه صدر در برابر انتقاد

از ابتدای ورود دولت فعلی به پرونده هسته‌ای و وعده‌های بسیاری که نسبت به رفع تحریم‌ها به مردم داده شد، برخی از احزاب و شخصیت‌های سیاسی نگاه دیگری داشته و خوش‌بینی جریان حاکم را نداشتند، اما نه تنها انتقاد آنها مورد توجه قرار نگرفت؛ بلکه با عنوان‌هایی چون؛ بی‌سواد، بی‌شناسنامه و... مواجه شدند. با خروج آمریکا از برجام و اعتراف دولت به تأثیر نداشتن برجام بر اقتصاد کشور، باز هم این منتقدان بودند که باید طرد شوند. این در حالی است که اگر دولت صدای منتقدان را می‌شنید، یا حداقل با سعه صدر با آنها برخورد می‌کرد، هم‌صدایی آنها نیز در اوضاع فعلی مورد انتظار بود.

۲- رعایت انصاف در نقد و برخورد با آن

نقد منصفانه از سـوی منتقدان امری ضروری برای اسـتماع نقطه‌نظرات‌شان است، اما اگر در برابر انتقاد هم انصاف رعایت نشود و هر انتقادی با سرکوب مواجه شود، انتظار هم‌صدایی در شرایط مقتضی هم بجا نخواهد بود. متأسـفانه آنچه از سـوی مدعیان نقدپذیری مشاهده می‌شود، نداشتن تحمل در برابر هرگونه نقد و انتقاد است و این امر به طور طبیعی مانع همراهی جریان‌های مخالف و هم‌صدایی رقبای سیاسی می‌شود.

۳- پرهیز از خودمحوری و حق دانستن خود

یکی از آفت‌های هم‌صدایی و همراهی جریان‌های مخالف و منتقد با دولت این است که جریان حاکم همه مواضع و رفتارهای خود را درست و خالی از اشکال دانسته و دچار خودمحوری شود. در شرایطی که دولت خود را حق و دیگران را باطل تصور کند بدیهی است که نظرات و انتقادات آنها را برنخواهد تابید. چنین دولتی نباید انتظار داشته باشد دیگر احزاب سیاسی با او همراه و هم‌صدا باشند.

۴- پذیرش اشتباه و عذرخواهی پیشدستانه

آنچه هم‌صدایی همه جریان‌های سیاسی را تسهیل می‌کند این است که جریان حاکم و دولتمردان اشتباهات و خطاهای محاسباتی خود را پذیرا باشند. وقتی دولتمردی بر اشتباه خود اعتراف می‌کند، نه تنها از ارزش کار و تلاش خود نمی‌کاهد و نه تنها موافقانش را آزرده‌خاطر نمی‌کند؛ بلکه منتقدانش را تأیید و آنها را ناگزیر به همراهی می‌کند.

تبیین

ضرورت تشکیل جبهه فرهنگی برای تولید علوم اسلامی

□ **حسـن خدادی/** یکـی از دغدغه‌های امـام خامنه‌ای کـه همواره در سخنرانی‌های مختلف به ویژه در چند سال اخیر بر آن تأکید کرده‌اند، موضوع «علوم اسلامی» و مشکلات آن است. ایشان بارها درباره وضع موجود این علوم گله داشته‌اند. معظم‌له در دیدار شـرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» در همین باره فرمودند: «یکی از مواردی که اسلام می‌تواند در مسائل مختلف بشری «حرف نو» داشته باشد، در زمینه مسائل فقهی است که باید در این زمینه کار بیشتر و جدی‌تری انجام شود... غربی‌ها، فلسفه خود را تا عرصه‌های مختلف مسائل سیاسی و اجتماعی امتداد داده‌اند و ما نیز باید چنین کاری را انجام دهیم؛ زیرا فلسفه اسلامی، قوی‌تر، ریشه‌دارتر و مستحکم‌تر از فلسفه غربی است.»(۱۳۹۷/۲/۲۲)

علوم غربی، محصول و مولود «مدرنیته» هسـتند و به همین سـبب، «علوم مدرن» خوانده می‌شـوند و مدرنیته نیز یا دین را «نفی» می‌کند، یا آن را از جنس «معارف نامعتبر» می‌داند و در «حوزه خصوصی» افراد، محصور می‌سازد. در جهان مدرن، «علم» جایگزین «دین» شده و بر جایگاه تدبیر حیات انسان تکیه زده است.

کشوری که داعیه تمدن‌سازی دارد ضمن اینکه از دستاوردهای علمی دیگران بهره می‌برد، خود نیز باید به خلاقیت، نوآوری و تولیدات علمی جدید همت گمارد و راهبرد تشکیل جبهه فرهنگی تولید علم را وجهه همت خود در تمامی عرصه‌ها قرار دهد؛ از این رو رهبر معظم انقلاب از دهه ۷۰ آغازگر گفتمان جدیدی در عرصه علم و فرهنگ کشور بودند که از آن با عناوینی چون جنبش نرم‌افزاری نهضت تولید علم و آزاداندیشـی یاد می‌شود. ایشان معتقدند حرکت عظیم انقلاب اسلامی که منادی نظام‌سـازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی با مبانی، اصول و ارزش‌های جدید است که نه با غرب و نه با شـرق همخوانی دارد، شایسـته اسـت که مقلد نباشد و بتواند در حوزه‌های مختلف و ابعاد گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشـور به نحو علمی لازم اسـت، به نوآوری و نواندیشی بپردازد. از این رو ما باید ضمن اجتهاد در همه عرصه‌های علوم از تقلید و ترجمه صرف دوری کنیم.

البته، ما منابع کافی اسـلامی در اختیار داریم، ولی فرآیند استخراج محتوا از منابع نداریم. در واقع، نرم‌افزار کارآمدی برای تغییر و بومی‌سازی در اختیار نداریم. اگرچه تاکنون تلاش‌هایی هم در زمینه علوم اسـلامی صورت گرفته اسـت، اما به دلیل تشکیل نشدن جبهه فرهنگی، نبودِ نقشه راه، نبودِ روشِ اجرایی مدون و نبودِ وحدت رویه بین متولیان امر، بیشتر تلاش‌ها به دلیل همین مسائل و جزیره‌ای بودن فعالیت‌ها به سرانجام نرسیده است. در این زمینه سه رویکرد درباره علوم اسلامی داریم:

۱- اول، رویکرد مسـئله‌محور است، یعنی نگاه تهذیبی به علم. این رویکرد، به علم دینی معتقد است؛ ولی برای دستیابی به آن به شکل مسئله‌محور عمل می‌کند. این رویکرد به لحاظ اینکه تهذیب علم را در لایه‌های رویین دنبال می‌کند به نتایج جدی دسـت نیافته است. ۲- دوم، رویکرد فلسفی به اصلاح مبانی علوم است. می‌گویند اصلاح علوم فعلی را باید از لایه‌های زیرین انجام داد، مهم‌ترین انتقادی که می‌شود این است که این رویکرد به تولید علم فلسفی منجر می‌شود، نه علم دینی. ۳- رویکرد سوم این است که باید روش تحقیق دینی و شیوه تعقل، تفکر و تجربه را ایجاد کنیم. همچنین تولید روش‌ها و نرم‌افزارهای تعقل اسـت که آن روش تحقیق را به دست می‌دهد. توضیح اینکه؛ تولید علوم اسـلامی نیازمند داشتن یک نظام و روش است: نظام علوم اسلامی یا روش‌شناسی اجتهادی. ما الزاماً برای تولید باید روش و نرم‌افزار داشته باشیم و این روش را هم خودمان باید تولید کنیم و سپس روش تولیدشده را در قالب فرایندها و روش‌های اجرایی مثلِ روش اجرایی نقد و ارزیابی، روش اجرایی ایده‌پردازی و نظریه‌سـازی؛ روش اجرایی استخراج منابع و تولید محتوای اسلامی، روش اجرایی جذب اسـتادان و... به کار بگیریم؛ باید توجه داشته باشیم که نباید از روش‌های غربی استفاده کنیم، همان‌گونه که در تهیه نقشه، الگوهای غربی را کنار گذاشتیم، اینجا هم باید همین کار را بکنیم.

نکته گرام

اخبار

ناطق هم «برجام روحانی» را به گردن رهبری انداخت

حجت‌الاسـلام ناطق‌نوری گفته است: «نباید از این موضوع غافل شویم که مذاکره و پذیرفتن برجـام حاصـل تصمیم‌گیری مجموعه نهادهای کلیدی نظام همچون دولت، مجلس، شورای عالی امنیت ملی و با نظر مساعد رهبر معظم انقلاب بوده است.» وی افزوده اسـت: «رهبر معظم انقلاب ضمن اعلان بی‌اعتمادی به آمریکا، کلیات برجام را تأیید کردند که بدون اذن ایشـان، برجام از سـوی ایران قابل پذیرش نبود. ایشـان مکرر تیم مذاکره‌کننده را تأیید و حمایت کردند، ضمن اینکه پیش‌بینی بدعهدی و خروج آمریکا را هم کرده بودند!» ماجرای انداختن برجام به گردن رهبری نظام پس از شکست آن! موضوعی است که تحلیلگران پیش از انعقاد برجام پیش‌بینی می‌کردند. در همین راستا و پس از خروج آمریکا از برجام طی هفته‌های اخیر که درآمدی بر اعلام «شکست رسمی برجام» به شمار می‌رود، شماری از اصلاح‌طلبان به صحنه آمده و رهبری نظام را مقصّر برجام روحانی جلوه داده‌اند. با استدلال آقایان، حکماً امام راحل نیز موافق تمام کارهای خلاف بنی‌صدر و تصمیمات خطرناک او (نظیر تصمیماتی که برای جبهه‌ها می‌گرفت) بوده‌اند! اما همگی شاهد و ناظر بودیم که آن یار سفر کرده گفت حتی به بنی‌صدر رأی هم نداده است و همه دانستند آن حمایت‌ها نه حمایت از کارهای غلط بنی‌صدر، که حمایت از رأی مردم بود.

توافقات پشت پرده با تلگرام

بـه تازگـی آقـای میثـم سـیدصالحی، مدیر پیام‌رسـان سـروش اعلام کـرد، دولت اگر همان حمایتی را که از تلگرام کرد، از پیام‌رسان‌های داخلی انجام دهد، وضعیت آنها بهتر می‌شود. پیش از آن هـم آقای عزت‌الله ضرغامی از اعضای شورای عالی فضای مجازی گفته بود، رئیس‌جمهوری علاقه‌مند است که با صدای بلند بگوید دولت مزاحم هیچ پیام‌رسان خارجی نیست. قبول! ولی اگر آن جوان روسی به تعهدات خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران عمل نکرد و عملاً مردم را تحقیر کرد و از دوپینگ فنی و سیاسی ما نهایت سوءاستفاده را کرد، رئیس‌جمهوری برای حفظ استقلال کشور می‌تواند سکوت کند؟ اگر محرمانه نداریم، بهتر است متن توافقات دولت با پیام‌رسان تلگرام برای اطلاع عموم منتشر شود. ۶ اردیبهشت ۹۷ وزارت ارتباطات اعلام کرد مجوز استقرار CDN های تلگرام در ایران لغو شده است. آقای حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری در توئیتر نوشـت: «مجوز استقرار سـرورهای شبکه توزیع محتوای پیام‌رسان تلگرام (CDN) در ایران لغو شده است و ترافیک این پیام‌رسان تنها از طریق ارتباطات بین‌المللی کشور راه‌یابی خواهد شد. این تسهیلات حاصل یک توافق مشروط بود، حالا که مؤسس تلگرام به تعهداتش عمل نکرده است، دلیلی برای ادامه آن باقی نمی‌ماند.» کدام توافق؟ کسی نمی‌داند؛ چراکه به مثابه دیگر قراردادهای محرمانه دولت، این نکته نیز شفاف نشده و آشنا خواسته یا ناخواسته گاف بزرگی داده است.

عکس خبر

صدا و تصویر افشار با خاطرات دفاع مقدس گره خورده است

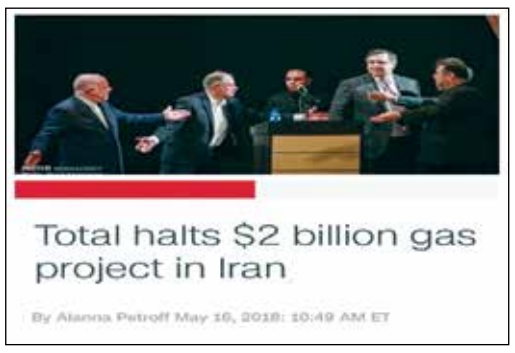

عاقبت پهن کردن فرش قرمز زیر پای مدیر توتال چه شد؟!

حجاب محدودیت نیست، کمال است

درس انسانیت به سلبریتی‌های ایرانی

تلگرام در حال سقوط است، اگر دولت بگذارد!

بزرگ‌ترین سفره افطاری جهان در مشهد مقدس

مقاومت در فلسطین ادامه دارد

مردم بنگلادش جلوتر از اعراب خلیج‌فارس در دفاع از قدس

با «غفلت استراتژیک» مواجه هستیم

سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه با بیان اینکه آمریکا تنها به دنبال منافع خود است و رحمی به دیگران نمی‌کند و اگر روزی دشمنی دشمنان تمام شود، باید به حقانیت انقلاب اسلامی و راه‌مان شک کنیم، گفت: برای مقابله با مشکلات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی در کشور داریم؛ اما با یک غفلت استراتژیک نیز مواجهیم و آن، این است که از سوی مسئولان به خوبی به توانمندی داخل توجه نمی‌شود و به جای داخل، نگاه‌ها به بیرون است!

نگاه

عزت مردم چگونه تأمین می‌شود؟

□ **مصطفی قربانی/** همانگونه که رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیرشان با فرهنگیان با اشاره به خروج آمریکا از برجام و مورد اعتماد نبودن کشورهای اروپایی در ادامه برجام، متذکر شدند که برهه کنونی، فرصت و آزمونی برای مسئولان است تا عزت مردم را تأمین کنند، باید یادآور شد که در اوضاع کنونی، تلاش برای حفظ و ارتقای عزت ملی، موضوعی بسیار حیاتی برای کشور است. می‌توان گفت که عزت هم صرفاً از طریق فراهم شدن امکانات رفاهی و نبود مشکلات معیشتی و امثالهم تأمین نمی‌شود و چه بسا انسان‌هایی که از لحاظ برخورداری از این قبیل امکانات، از موقعیت خوبی برخوردار باشند، اما احساس عزت نداشته باشند. از این رو، احساس عزت تنها از طریق تأمین مادیات و رفاهیات حاصل نمی‌شود؛ بلکه بخش اساسی در تأمین عزت، در پایبندی و احترام به اصول و ارزش‌های الهی و انسانی حاصل می‌شود. فراتر از این، بخش مهمی از اینکه انسان‌ها احساس عزت داشته باشند یا خیر، به میزان مساعد بودن شرایط محیطی برای برآورده شدن انتظارات ارزشی آنها و نبود تعارض میان ارزش‌ها و محیط زندگی انسان‌ها بستگی دارد. اهمیت این موضوع نیز به آن سبب است که احساس عزت و غرور نیروی محرکه مهمی برای هر انسانی است که در سایه آن می‌تواند با اعتمادبه‌نفس و اراده، برای تحقق اهداف متعالی زندگی خود قدم بردارد. در واقع، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی و ملی، اگر سلسله مراتب نیازهای مازلو را معیار قرار دهیم، مسائلی چون تأمین و احساس عزت در رأس این سلسله مراتب و در زمره نیاز انسان‌ها به خودشکوفایی قلمداد می‌شود. بنابراین، عزت جزو نیازهای متعالی هر انسان و بلکه هر ملتی است. اما مسئله اساسی در این زمینه، چگونگی تأمین عزت در سطح فردی و ملی است.

همان‌گونه که به طور تلویحی گفته شد، عزت انسان‌ها، چه در سطح ملی و چه در سطح فردی، در گرو توجه به دو عامل مهم است؛ ۱ـ تأمین نیازهای فیزیولوژیکی انسان‌ها، مانند نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن، رفاهیات و... و ۲ـ تأمین نیازهای خاص انسانی، مانند احساس شخصیت، احترام، عظمت و... . بر اساس این، در سطح ملی احساس عزت زمانی تأمین می‌شود که در کنار فراهم بودن نیازهای معیشتی افراد، آنها احساس احترام، وقار، شخصیت، کرامت و... نیز داشته باشند؛ چه به لحاظ بین‌المللی و چه داخلی. بنابراین، تلاش برای تأمین رفاهیات و حل مشکلات معیشتی، اگر منافی با شخصیت، کرامت و وقار ملی باشد، منافی عزت است. اکنون سؤالی که پیش می‌آید، این است که با توجه به وابستگی‌های متقابل کشورها، چگونه یک کشور می‌تواند، هم ارزش‌های انسانی، مانند عزت ملی را تأمین کند و هم در تأمین رفاه و معیشت مردمان آن مشکلی ایجاد نشود؟ واقعیت این است که در نظام بین‌الملل در بسیاری از موارد این دو مانعه‌الجمع فرض شده‌اند؛ یعنی سردمداران مستکبر این نظام تلاش می‌کنند تأمین یکی از این دو را به ضرر و بلکه حذف دیگری رقم بزنند. اما در این میان، تنها کشورهایی می‌توانند در تأمین همزمان این دو موفق باشند که قدرت و اقتدار خود را به جای گره زدن به نیروهای خارجی، در گرو شکوفایی استعداد و ظرفیت‌های داخلی خود و اتکای به آنها تعریف کرده باشند.

این قضیه برای ایران اهمیت مضاعف دارد؛ چراکه اولاً، ایرانیان همواره مردمانی عزت‌مدار بوده‌اند و ثانیاً، در برهه کنونی دشمنان ملت ایران تلاش می‌کنند با بهره‌برداری از مشکلات اقتصادی در ایران، عزت ملی را خدشه‌دار کنند. حال آنکه با روی آوردن به درون و اعتماد و به کارگیری ظرفیت‌های بی‌شمار داخلی در کنار تلاش برای رفع تضییقات ظالمانه خارجی می‌توان به عزتی خدشه‌ناپذیر دست یافت.

پرتو

خصومت و دشمنی‌های اروپا

□ **اکبر معصومی/** با اجرایی شدن توافقنامه هسته‌ای (برجام) رفت و آمدهای مقامات اروپایی به کشور شدت گرفت. تصور بر این بود که تحرک اقتصادی با جذب سرمایه‌گذار خارجی شتاب خواهد گرفت، در حالی که به جز توافق بر روی کاغذ اتفاق چندانی در اقتصاد کشورمان رخ نداد، به طوری که حضور بی‌نتیجه اروپایی‌ها در کشور و تأمین نکردن منافع کشور سبب تذکر و هشدار رهبر معظم انقلاب به مقامات دولتی شد. سیاست‌های دوگانه اتحادیه اروپا، به ویژه سه کشور مطرح آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران سبب بی‌اعتمادی به اروپایی‌ها شده است. در واقع، پس از رسمیت یافتن اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲، این اتحادیه همواره دنباله‌رو سیاست‌های ظالمانه آمریکا در قبال ایران بوده است و سیاست مشترکی را با ایالات متحده اتخاذ کرده که مصادیقی از این سیاست‌های تبعی را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱ـ موضوع حقوق بشر؛ اتحادیه اروپا به نوعی سیاست آمریکا را در زمینه حقوق بشر دنبال می‌کند. در طول نزدیک به سه دهه اخیر، اتحادیه اروپا همواره موتور محرکه تهیه پیش‌نویس و بسیج همه امکانات برای تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل بوده است. رفتار دوگانه اتحادیه اروپا در قبال حقوق بشر به گونه‌ای است که با وجود آنکه آمریکا در جریان به اصطلاح مبارزه با تروریسم دست به اقدامات ضد حقوق بشری می‌زند؛ رفتار خشن با زندانیان گوانتانامو و ابوغریب داشته و عملیات‌های مخفی سیا در اروپا و نقاط دیگر جهان را طراحی کرده است، ولی هرگز پیگیری‌های خاصی از سوی اروپا برای محکوم کردن رفتار آمریکایی‌ها صورت نگرفته است. همین موضع‌گیری‌های اتحادیه اروپا در قبال کشورمان در بحث حقوق بشر، موجب جریان‌سازی منفی علیه ایران شده و به نوعی بی‌اعتمادی مردم کشورمان به اروپا را نیز در برداشته است.

۲ـ مشارکت در حملات سایبری؛ برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برنامه‌ریزی حملات سایبری علیه کشورمان نقش داشته و با آمریکایی‌ها در این زمینه همکاری کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به نقش آلمان در حمله بدافزار رایانه‌ای استاکس‌نت علیه برنامه‌های هسته‌ای کشورمان اشاره کرد.

۳ـ حمایت از گروه‌های تروریستی؛ خارج کردن نام گروهک تروریستی منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی تنها نمونه کوچکی از حمایت این اتحادیه از گروه‌های تروریستی است.

۴ـ همراهی اتحادیه اروپا با آمریکا در حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی: موضوع امنیت رژیم صهیونیستی از اختلاف‌نظرهای عمده ایران با اتحادیه اروپا است. کشورهای اتحادیه اروپا به دلایل متعددی چون پیوند منافع تجاری و سیاسی، تأثیرپذیری از لابی‌های صهیونیستی در جهان غرب و همراهی با سیاست‌های آمریکا از امنیت رژیم صهیونیستی در برابر هر تهدیدی حمایت می‌کنند. در چنین شرایطی حمایت جمهوری ایران از گروه‌های جهادی فلسطینی و حزب‌الله لبنان به منزله تقابل با سیاست‌های مورد نظر اروپا تلقی شده و سبب اختلاف‌نظر شدید بین ایران و اروپا شده است. حمایت اتحادیه اروپا از امنیت رژیم صهیونیستی تا حد زیادی موجب بدبینی اتحادیه اروپا به برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران نیز شده است. اتحادیه اروپا در دوران پسابرجام برنامه‌های موشکی جمهوری را تهدیدی علیه منطقه و جهان بین‌الملل دانسته و هم‌صدا با آمریکا در حال فشار آوردن بر جمهوری اسلامی ایران از راه‌های مختلف هستند. که این امر نیز به نوعی اعتماد به اروپا را در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای با تردید روبه‌رو کرده است. با توجه به مباحث مطرح شده و سابقه منفی این اتحادیه در رفتار با جمهوری اسلامی ایران و همچنین وابستگی آن از نظر امنیتی و حجم بالای تجارت اتحادیه اروپا با آمریکا، به نظر منطقی نیست که اعضای اتحادیه اروپا پس از خروج آمریکا از برجام به تنهایی بتوانند به تعهدات برجامی جامعه بین‌المللی در قبال جمهوری اسلامی ایران را عمل کنند، با توجه به اینکه رئیس سیاست خارجی این اتحادیه هم اعلام کرد که نمی‌تواند تضمین بدهد؛ لذا ایران نباید این توافقنامه را با اروپا ادامه دهد.

رمزگشایی صبح صادق از ابتکار عمل فلسطین در برابر خیانت غربی‌ـ‌عربی

آتش «انتفاضه بازگشت» خاموش نمی‌شود

□ **سعدالله زارعی/** فلسطین در هفته‌های اخیر شاهد دو رویداد بود؛ تأسیس سفارت آمریکا در بیت‌المقدس و انتفاضه‌های مردمی در منطقه غزه. تأسیس سفارت آمریکا مصوبه‌ای بود که از سال ۱۳۷۴ در دستور کار رؤسای‌جمهور آمریکا قرار گرفته و هر یک از رؤسای‌جمهور پیشین با این استدلال که زمینه اجرای آن فراهم نیست، از اجرای آن طفره رفته بودند.

اشتباه راهبردی ترامپ

اما ترامپ ۱۵ آذر ۱۳۹۶ (۵ دسامبر ۲۰۱۷) طی حکمی غیر منتظره قدس را به پایتختی رژیم صهیونیستی معرفی کرد و در سخنانی پس از امضای حکم، گفت: «اعلام بیت‌المقدس به پایتختی اسرائیل اقدامی است که باید پیش از اینها برای پیشبرد صلح و دستیابی به صلحی ماندگار صورت می‌گرفت... ما در کنگره قرار شد که اورشلیم (بیت‌المقدس) را به پایتختی اسرائیل به رسمیت بشناسیم، اما همه رؤسای‌جمهور آمریکا آن را به تعویق انداختند، ولی اکنون زمان آن رسیده که به طور رسمی اورشلیم را به پایتختی اسرائیل به رسمیت بشناسیم... من از وزارت خارجه آمریکا خواسته‌ام که برای اجرای قانونی که ۲۰ سال اجرا نشده است، به سرعت برنامه انتقال سفارت‌مان به بیت‌المقدس را آغاز کند...آشکارا می‌گویم انتقال سفارت‌مان به بیت‌المقدس مغایر با مذاکرات سازش میان فلسطینی‌ها و طرف‌های اسرائیلی نیست. من همچنان حداکثر تلاش خود را می‌کنم که مذاکرات صلح از سر گرفته شود.»

اگرچه ترامپ پس از این سخنرانی، قانون انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس (مصوب ۱۹۹۵) را به مدت شش ماه دیگر تعلیق کرد و مدعی شد این شش ماه فرصتی برای تحقق این مسئله است و قصد پایان انتظار صهیونیست‌ها را دارد. سرانجام با پایان این شش ماه دولت آمریکا در مراسمی نمادین روز دوشنبه هفته گذشته، سفارت خود را از تل‌آویو به قدس منتقل کرد و به همین منظور هیئتی بلندپایه از آمریکا با حضور افرادی چون استیو منوچن، وزیر خزانه‌داری، ایوانکا ترامپ و جراد کوشنر دختر و داماد ترامپ و نزدیک به ۳۰۰ نفر از نمایندگان کنگره آمریکا به قدس اشغالی سفر کردند.

مصادف شدن مراسم انتقال سفارت آمریکا با یوم‌النکبه، سالروز تشکیل رژیم جعلی اسرائیل، باعث وقوع درگیری‌های خونینی شد که شهادت بیش از ۶۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۷۰۰ نفر از فلسطینی‌ها در این روز را به دنبال داشت. برخلاف تصور رئیس‌جمهور آمریکا، اقدام وی در انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس درست زمانی که بیش از گذشته زمینه آن فراهم نبود، اتفاق افتاده است. با این حال اگر نگاهی به آنچه از سوی دولت آمریکا در روز نکبت صورت گرفت، بیندازیم، درمی‌یابیم که دونالد ترامپ موضوعی را که می‌توانست در «وقت خود» شکل دهنده به یک روند باشد، عملاً در نطفه خفه کرد و باعث شد نه تنها موجی از انتقال سفارتخانه‌ها به بیت‌المقدس به وقوع نپیوندد؛ بلکه بار دیگر مسئله فلسطین که در سایه تروریسم تکفیری در منطقه، به حاشیه رفته بود، به صدر مسائل جهان اسلام بازگردد و موجی از مخالفت با آمریکا در بین افکار عمومی و حتی نزدیک‌ترین کشورهای اروپایی به آمریکا، نظیر انگلیس و فرانسه شکل بگیرد. مشخص است که از این پس یک سفارت در بیت‌المقدس و یک دولت در تل‌آویو خواهیم دید.

حال این سؤال مطرح است که آیا این بود مصوبه‌ای که رؤسای‌جمهور آمریکا آن را مهم دانسته و به زمانی مناسب حواله می‌دادند؟

انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را برخی کلید یک طرح بزرگ منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. اگر این واقعیت داشته باشد، باید گفت کلید در اینجا کار خود را نکرده و در سوراخ شکسته شده است. برخی از تحلیلگران به خصوص تحلیلگران عرب می‌گویند طرحی تحت عنوان «صفقه القرن» وجود دارد که بر اساس آن کشورهای عربستان، مصر، رژیم صهیونیستی، اردن، آمریکا و اروپا به زایش یک منطقه جدید در «خاورمیانه تاریخی» روی خواهند آورد و از این طریق روند کنونی و چشم‌انداز منطقه را دستخوش دگرگونی اساسی خواهند کرد. براساس آنچه این تحلیلگران گفته‌اند، حل‌وفصل نهایی مسئله فلسطین و یهودی کردن کل فلسطین در مقدمه و طلیعه این طرح قرار دارد و خود یک محک برای امکان اجرایی کردن «طرح قرن» می‌باشد. اگر این تعابیر درست باشند می‌توان گفت، موضوع تا حد زیادی روشن شده است. طرح انتقال سفارت بدون همراهی دیگران معنا و مفهومی ندارد؛ چرا که رژیم اشغالگر قدس نمی‌تواند فقط با تکیه به سفارت آمریکا مرکزیت را از تل‌آویو به بیت‌المقدس انتقال دهد. با شکست این بخش از طرح، سرنوشت بقیه نیز تا حد زیادی مشخص می‌شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که در کشورهای مصر، اردن و عربستان و حتی در میان احزاب صهیونیستی هیچ‌گاه از «صفقه القرن» به منزله یک مولود طبیعی یاد نشده است و طبعاً اعتماد به اینکه چنین پروژه پر حاشیه‌ای به مرحله اجرا درآید، کم است و این در حالی است که عده‌ای از اعراب اساساً از آن به یک رویداد نفرت‌انگیز یاد کرده‌اند.

حوادث روزهای منتهی به فعال شدن سفارت آمریکا در بیت‌المقدس، در غزه و کرانه باختری نشان داد مردم فلسطین در شرایط یک فرد خواب‌آلود قرار ندارند و آمریکا برای پیگیری سیاست‌های خود با دشواری‌های زیادی مواجه است.

حقیقت انتفاضه بازگشت

انتفاضه بازگشت پس از آن مطرح شد که دونالد ترامپ اعلام کرد، آمریکا در ۱۲ ماه می ۲۰۱۸ (۲۲ اردیبهشت ماه) اقدام به انتقال سفارت خود خواهد کرد که طرف‌های فلسطینی با هدف ایجاد شرایط جدید برای مقابله با این طرح دست به «ابتکار عمل» زدند. ابتکار آنان بر این اساس بود که در روز تأسیس سفارت آمریکا، صدای فلسطینی بر صدای آمریکایی و صهیونیستی غلبه داشته باشد. این سیاست از آن روی اتخاذ شد که انتقال سفارت یک علامت رمز و در واقع یک عملیات تهاجمی علیه فلسطینی‌ها و جهان اسلام بود و نمی‌توانست در خفا و در شرایط عادی صورت گیرد؛ از این رو ترامپ در بیانیه‌ای رسمی تصمیم خود را اعلام کرد. بر این اساس فلسطینی‌ها دست به کار شدند تا صدای‌شان را تا آنجا بالا ببرند که سروصدای تأسیس سفارت را بخواباند و در واقع طرح آمریکایی را ضربه فنی کند.

«انتفاضه بازگشت» دارای نتایجی راهبردی است و این موضوع می‌تواند یک تحول کیفی در «آزادسازی کل سرزمین فلسطین» تلقی شود. بر این اساس رژیم جعلی اسرائیل اگرچه در سرکوب شدید آن چیزی کم نگذاشت، اما خود را شکست‌خورده ارزیابی کرد. این در حالی است که اقدام فلسطینی‌ها به صورت غیر نظامی دنبال شده و صهیونیست‌ها با گلوله‌های آتشین که مستقیماً سروسینه راه‌پیمایان را هدف گرفت، پاسخ آن را دادند

قرار رهبران فلسطینی این شد که در حد فاصل دهم فروردین تا ۲۲ اردیبهشت ماه، یعنی طی شش هفته هر جمعه دست به راه‌پیمایی بزنند و آرمان فلسطین را بار دیگر به عنوان مهم‌ترین مانع تجاوز رژیم صهیونیستی فریاد کنند. این انتفاضه نام معنادار «بازگشت» (العوده) به خود گرفت تا مشخص باشد که یک استراتژی معینی پشت این موضوع قرار دارد. در واقع انتفاضه بازگشت به یکی از مهم‌ترین مسائل فلسطینی‌ها اشاره دارد؛ «بازگشت آوارگان».

بازگشت حدود ۶ میلیون آواره فلسطینی که برخی از آنان در اردن، برخی در لبنان، برخی در سوریه و عده‌ای هم در شهرک‌های داخل سرزمین‌ها اشغالی، مستقرند، موضوعی است که حداقل از سال ۱۹۴۸ که رژیم منحوس و اشغالگر قدس پدید آمده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح بوده است و بر این اساس قطعنامه‌های متعددی شامل قطعنامه ۱۹۱ صادر شده است.

در این میان ساکنان غزه می‌گویند، ما حق داریم به مراکز آباء و اجدادی‌مان رفته و نیز به خویشاوندان خود که ده‌ها سال است از وضع آنان بی‌خبریم، سر زده و بازگردیم و از سوی دیگر همه کسانی که از سرزمین مادری‌شان به نقاط دیگری منتقل شده‌اند، حق بازگشت دارند، به خصوص اگر در شرایط عسر و حرج باشند. این موضوعی نیست که کسی بتواند با آن مخالفت کند.

هم‌اینک نزدیک به ۴/۵ میلیون شهروند فلسطینی در اردوگاه‌های اردن سکونت دارند، نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر در لبنان ساکن می باشند و همین حدود هم در سوریه زندگی می‌کنند. افزون بر اینها بخشی از آوارگان در درون سرزمین فلسطین جابه‌جا شده‌اند، کما اینکه گفته می‌شود دست کم ۳۰۰ هزار نفر از آوارگان در اردوگاه‌های نوار غزه سکونت دارند.

موج انتفاضه بازگشت فرو نمی‌نشیند

انتفاضه در عرصه تحولات فلسطین، ابزاری کارآمد محسوب می‌شود و این به خصوص در مواقعی که فشارها بر فلسطینی‌ها برای دست کشیدن از آرمان خود فزونی می‌گیرد و کار دشوار می‌شود، از تأثیر ویژه‌ای برخوردار است.

منطق فلسطینی در راه‌اندازی «انتفاضه بازگشت» که هم اینک هفت هفته از آغاز آن می‌گذرد، کاملاً انسانی و در عین حال کاملاً هوشمندانه است. بر این اساس اگرچه فلسطینی‌ها به سلاح‌های دفاعی و از جمله به موشک‌های با برد کم و متوسط مجهز هستند، اما در طول این هفته‌ها از آنها استفاده نکرده و حتی وقتی چهار روز پیش مورد حمله سنگین هوایی ارتش رژیم اشغالگر واقع شدند، ماشه سلاح‌های خود را فعال نکردند. در این ماجرا اگرچه فلسطینی‌ها نزدیک به ۱۰۰ شهید و هزاران مجروح نثار کردند و از بعد نظامی، آسیبی به ارتش رژیم صهیونیستی وارد نشد، اما ضربه انتفاضه بازگشت به اقتدار و امنیت آنان به گونه‌ای بود که ارتش احساس کرد به تله فلسطینی‌ها افتاده است.

مقامات فلسطینی که ابتدا دوره‌ای شش هفته‌ای را در حد فاصل ۱۰ فروردین ۹۷ (۳۰ مارس ۲۰۱۸) تا ۲۲ اردیبهشت ماه برای این انتفاضه معین کرده بودند، پس از اقدامات وحشیانه نظامیان صهیونیست در روز ۲۲ اردیبهشت‌ـ یوم‌النکبه‌ـ که به شهادت حدود ۷۰ نفر فلسطینی انجامید، اعلام کردند که این انتفاضه را در جمعه هفته‌های آینده نیز ادامه می‌دهند، کما اینکه جمع گذشته با حرارت زیاد ادامه پیدا کرد.

در اینجا رژیم صهیونیستی دو راه پیش رو دارد؛ یک راه ادامه دادن به کشتار فلسطینی‌هاست، در این صورت نتیجه این خواهد بود که ارتش این رژیم دچار درماندگی شده و تحت فشار زیاد قرار می‌گیرد؛ راه دیگر این است که ارتش رژیم صهیونیستی پیش از ارتکاب جنایاتی که به نتیجه دلخواه آن نرسیده، به طور کامل یا تا حدی در مقابل حرکت فلسطینی‌ها، انعطاف نشان دهد. جلوه‌های این انعطاف ممکن است برداشتن محاصره ۱۱ ساله یا امکان ارتباط‌گیری فلسطینی‌ها با خویشاوندان خود در مناطق متصل به غزه و کرانه یا به شکل پایان دادن به درگیری‌های هر از گاهی ارتش اشغالگر قدس علیه فلسطینی‌ها باشد که در این صورت انتفاضه بدون آنکه امتیازی بدهد، به نتایج اولیه دست یافته و می‌تواند برای اهداف بلندتر تلاش کند.

حدود ۱۱ سال پیش ـ پس از جنگ ۲۲ روزه ـ که رژیم اشغالگر قدس محاصره غزه را شروع کرد، توقع داشت به خلع سلاح مقاومت در غزه بینجامد. سران این رژیم معتقد بودند محاصره، حماس و دولت او را در شرایطی قرار می‌دهد که برای حل مسئله و حفظ دولت خود، سلاح را زمین بگذارند و به آتش‌بس دائمی با صهیونیست‌ها تن بدهند. مقامات صهیونیستی در این سال‌ها منتظر بودند مردمی که در محاصره کامل طولانی‌مدت قرار گرفته‌اند، گروه‌های مقاومت را وادار به پذیرش شرایط دشمن کنند. اما برخلاف توقع رژیم صهیونیستی، جنبش‌های جهادی و گردان‌های جهادی نه خود به رها کردن مقاومت مسلحانه در برابر اقدامات ارتش دشمن تن دادند و نه از سوی مردم مظلوم غزه برای پذیرش شرایط رژیم صهیونیستی تحت فشار قرار گرفتند.

رژیم صهیونیستی دو راه پیش رو دارد؛ یک راه ادامه دادن به کشتار فلسطینی‌هاست، در این صورت نتیجه این خواهد بود که ارتش این رژیم دچار درماندگی شده و تحت فشار زیاد قرار می‌گیرد؛ راه دیگر این است که ارتش رژیم صهیونیستی پیش از ارتکاب جنایاتی که به نتیجه دلخواه آن نرسیده، به طور کامل یا تا حدی در مقابل حرکت فلسطینی‌ها، انعطاف نشان دهد

از آن سو، فلسطینی‌های ساکن غزه که تعدادشان از دو میلیون نفر فراتر می‌رود، به یک ابتکار عمل روی آوردند. ابتکار آنان این بود که دشمن را با موضوعی ارزشمندتر و استراتژیک‌تر از رفع محاصره تحت فشار قرار دهند. بر این اساس «راه‌پیمایی‌های بازگشت» شکل گرفت. راه‌پیمایی بازگشت با هدف به هم زدن توطئه‌ای موسوم به «معامله قرن» که طیفی از کشورهای غربی، عربی و رژیم صهیونیستی را در بر می‌گرفت، دنبال شد و نتایج راهبردی برای ملت مظلوم فلسطین در بر خواهد داشت.

نتایج راهبردی انتفاضه بازگشت

«انتفاضه بازگشت» در پرونده فلسطین دارای نتایجی راهبردی است و این موضوع می‌تواند یک تحول کیفی در «آزادسازی کل سرزمین فلسطین» تلقی شود. بر این اساس رژیم جعلی اسرائیل اگرچه در سرکوب شدید آن چیزی کم نگذاشت، اما خود را شکست‌خورده ارزیابی کرد. این در حالی است که اقدام فلسطینی‌ها به صورت غیر نظامی دنبال شده و صهیونیست‌ها با گلوله‌های آتشین که مستقیماً سروسینه راه‌پیمایان را هدف گرفت، پاسخ آن را دادند. اعتراف سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی به اینکه کشتار غیرنظامیان یک باخت برای مقامات این رژیم بود، نشان می‌دهد، «انتفاضه بازگشت» راه ناشناخته‌ای را مطرح و رژیم تل‌آویو را غافلگیر کرده است. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱ـ طرف فلسطینی در انتفاضه بازگشت حرف روشنی برای گفتن دارد که به سادگی نمی‌توان با آن مخالفت کرد و این سلاح برنده‌ای به حساب می‌آید. مردم فلسطین می‌گویند، «آوارگان»، یعنی بیش از شش میلیون نفر فلسطینی حق بازگشت به خانه‌ها، مزارع و املاک خود را دارند و این موضوع در حد فاصل ۲۱ آذر ۱۳۲۷ تا اول دی ۱۳۹۶ بارها مورد تأکید مجمع عمومی سازمان بوده و در قالب قطعنامه‌هایی به آن اشاره شده است. منطق حرکت فلسطینی‌ها این است که فقط مرزهای غیرقانونی مانع بازگشت آوارگان هستند و ما این مانع را برمی‌داریم. به عبارت دیگر، اگر اراده‌ای در سازمان ملل و در میان کشورهای عربی‌ـ اسلامی و نیز در کشورهای میزبان آوارگان فلسطینی وجود ندارد، ما خود به احقاق حقی که همه آن را قبول دارند، مبادرت می‌کنیم.

۲ـ فلسطینی‌ها می‌گویند محاصره ۱۱ ساله غزه غیرقانونی است و وظیفه همه کشورها و به خصوص کشوری مانند مصر که به دلیل مجاورت امکان عملی دارند، برداشتن آن است. حدود دو میلیون شهروند فلسطینی در غزه در محاصره مطلق به سر می‌برند و کسی نمی‌پرسد چرا. ۱۱ سال محاصره در حالی است که ساکنان باریکه غزه در همه نیازهای خود به خارج وابسته‌اند و نمی‌توانند نیازهای غذایی، دارویی و... خود را تأمین کنند. اکنون ساکنان این منطقه می‌گویند این محاصره را که همه دولت‌ها نیز آن را ظالمانه و غیرقانونی می‌دانند، خود برمی‌داریم.

۳ـ نکته سوم این است که ساکنان غزه می‌پرسند چه نهاد یا قانونی به رژیم صهیونیستی اجازه داده است تا دور مردم در غزه و کرانه دیوار و سیم خاردار بکشد و ارتباط آنان را با جهان خارج قطع کند. فلسطینی‌ها می‌گویند این دیوارها و حصارهای ظالمانه و غیرقانونی که جمعیت غزه و کرانه را از اقوام و خویشاوندان خود جدا می‌کند، خود برمی‌دارند.

۴ـ انتقال سفارتخانه آمریکا به بیت‌المقدس علامت رمز به حساب می‌آمد و از این رو سازمان‌ها و جنبش‌های مقاومت با هوشیاری روی ۲۲ اردیبهشت که موعد انتقال سفارت آمریکا به قدس بود متمرکز شدند و اجازه ندادند بازگشایی سفارت آمریکا به یک موج تبدیل شده و عملاً قدس به پایتخت رژیم غاصب صهیونیستی تبدیل شود.

نیم‌نگاه

نقطه درگیری کجاست؟

□ **ابوالحسن سلطانی‌زاده/** در چهل سالگی انقلاب اسلامی، که دشمنان و بدخواهان نمی‌خواهند شاهد جشن تولد چهل سالگی انقلاب باشند، این سؤال مطرح است که امروز به طور مشخص خط و نقطه درگیری کجاست؟

به عبارت دیگر، براساس جمله راهبردی رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه «مهم این است که در هر دوره‌ای طراحی و نقشه دشمن در عرصه‌های مختلف را بفهمیم و بر اساس آن پیشگیری، دفاع خوب و یا حمله پیشدستانه داشته باشیم.»، باید کجا و کدام نقطه و صحنه را رصد و ارزیابی کنیم تا در این مقطع حساس و سرنوشت‌ساز به وظیفه حراست و پاسداری از انقلاب عمل کرده باشیم؟

با توجه به اینکه دشمنان انقلاب یک جنگ تمام‌عیار را علیه کشورمان به راه انداخته‌اند و از نقاط ضعف موجود در داخل هم بهره‌برداری می‌کنند، برخی از زمینه‌ها و ظرفیت‌های داخلی که به گونه‌ای در این خط درگیری کمک کار دشمن در هجمه نرم علیه نظام هستند، عبارتند از:

۱ـ مشکلات ناشی از مسائل اقتصادی، بیکاری، تورم و گرانی؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب، این مشکلات زخم‌هایی هستند که مگس (یعنی دشمن) بر روی این زخم‌ها می‌نشیند و باید این زخم‌ها را مرتفع ساخت. این زخم‌ها با اهتمام و جدیت در پردازش به اقتصاد مقاومتی به عنوان یگانه راه علاج کشور در مقابل تحریم‌های هوشمند و فلج‌کننده دشمن قابل التیام است که متأسفانه مورد غفلت واقع شده است.

۲ـ شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های مجازی؛ یکی دیگر از زمینه‌های سرمایه‌گذاری جنگ نرم دشمن علیه جمهوری اسلامی شبکه‌های اجتماعی هستند که در سایه غفلت مسئولان و بی‌توجهی به هشدارهای رهبر معظم انقلاب، امروز پیام‌رسان بیگانه‌ای، چون تلگرام با داشتن نزدیک به ۴۵ میلیون کاربر، کشور را با یک‌سری تهدیدات فرهنگی، امنیتی و اقتصادی روبه‌رو کرده است. امروز دشمنان از این طراحی بیرونی و البته ظرفیت‌سازی داخلی به شکل‌های مختلف در القای ناامیدی و ناکارآمدی و خلق حوادث نقطه‌ای با فراخوان‌های مجازی استفاده می‌کنند.

۳ـ ارتجاع و رجعت؛ از منظر رهبر معظم انقلاب یکی از مهم‌ترین خطرها و آفت‌های همه انقلاب‌ها که باید هشدار داد، ارتجاع است. ارتجاع یعنی حرکت انقلابی ملت در یک جاهایی سست و متوقف شود و بعد برگردد. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «در ارتجاع همان آدم‌های انقلابی سابق سر کارند، اما خط و راه را عوض کرده‌اند.»

گفتنی است، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره با ریزش‌ها و البته رویش‌هایی مواجه بوده‌ایم. در ریزش‌ها با انقلابیون خسته، فرسوده و پشیمان مواجه هستیم که به دلایل متعدد از ادامه مسیر رسیدن و فتح قله عزت جا مانده‌اند و در راه مانده یا از قطار انقلاب خود را پیاده کرده‌اند. متأسفانه، این ظرفیت‌های موجه دیروز و خسته و پشیمان امروز خواسته یا ناخواسته در مسیر نفوذ قرار گرفته و به جای پاسخگویی، اپوزیسیون می‌شوند یا به کناری رفته و کنج عزلت می‌گزینند و دیندار سکولار می‌شوند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «ما امروز متأسفانه در داخل کشور با یک جریان شبه سکولار مواجه هستیم که مرعوب دشمن است و درک درستی از دشمن و تهدیدات دشمن نداشته و دچار خطای ادراکی شده و زاویه‌دار با مبانی انقلاب حرکت می‌کند. کسانی که در درون جبهه انقلاب حضور دارند، اما دیگر به ایدئولوژی انقلابی اعتقادی ندارند و بر این باورند که دوره انقلابی‌گری به سرآمده و نباید در گذشته متوقف ماند، این غیر انقلابی‌های امروز چون خودشان استحاله شده‌اند، می‌خواهند انقلاب را استحاله کنند، می‌خواهند انقلاب را طوری تفسیر و توجیه کنند که با وضع جدیدشان مطابق باشد، انقلاب را تمام شده و از جهانی شدن و تعامل و همسویی با جهان می‌گویند؛ ولی غرض اصلی‌شان عقب‌نشینی از انقلابی‌گری است.»

ارتش یمن: امارات در فهرست اهداف موشکی

سرتیپ شرف لقمان، سخنگوی ارتش یمن هم‌پیمان با جنبش انصارالله اعلام کرد: در چند هفته گذشته شدت عملیات نظامی هجومی در جبهه‌های گوناگون به ویژه از سوی امارات افزایش یافته است و به زودی برخی کشورهای عربی، از جمله امارات در فهرست اهداف موشکی قرار می‌گیرند.

پنجره

وضعیت ایتالیا و تهدید غرب

□ رضا اشرفی/ انتخابات ایتالیا در پی انحلال پارلمان، چهارم مارس ۲۰۱۸ (۱۳ اسفند ۱۳۹۶) برگزار شد. بیش از ۴۶ میلیون نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که در این روز با انتخاب خود، بار دیگر ایتالیا را وارد دوره و چالش جدیدی کردند، به گونه‌ای که هنوز احزاب و اشخاص پیروز نتوانسته‌اند راهی پیدا کنند تا دولت تشکیل شود.

ایتالیا به واسطه چند حزبی بودن و همچنین چالش‌های سیاسی داخلی همواره با چنین روندهایی مواجه بوده است، اما این دوره نسبت به گذشته با مشکل جدی و جدیدی روبه‌رو شده است که بیش از گذشته برای این کشور و حتی اروپا و غرب چالش‌ساز است.

در انتخابات پارلمانی ماه مارس، شهروندان ایتالیایی برای مشخص شدن ۶۳۰ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۱۵ کرسی سنا وارد عرصه شدند، اما نتیجه انتخابات چندان مورد پذیرش اتحادیه‌گرایان و دموکراسی‌دوستان نبود؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد رادیکال‌ها، پوپولیست‌ها و حتی فاشیست‌ها از دیگر گروه‌ها و احزاب بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفته و از دیگران پیشی گرفتند تا برای تشکیل دولت نماینده مردم باشند.

بر اساس آمار و ارقام، ائتلاف راست که حزب میانه لگا نورد به رهبری ماتئو سالوینی در رأس آن قرار دارد، بیشترین کرسی‌ها را در هر دو مجلس به دست آورد. در همین حال حزب پنج ستاره که به ساختارشکن در عرصه سیاسی ایتالیا معروف است، به رهبری لوئیجی دیماریو بیشترین آرا را از آن خود کرد. همچنین ائتلاف چپ میانه به رهبری ماتئو رنتسی، نخست‌وزیر کنونی، سوم شد.

این ترکیب گویای آن است که هیچ یک از احزاب نتوانستند اکثریت مطلق را به دست آورند. به این معنا که ایتالیا بار دیگر به سمت پارلمان معلق پیش خواهد رفت. مسئله‌ای که آلمان به اشکالی با آن مواجه است و با اینکه انتخابات پارلمانی آن در شهریورماه (سپتامبر) برگزار شده، هنوز نتوانسته کابینه را تشکیل دهد.

البته ایتالیا این مشکل را از دوره پیش به همراه دارد؛ زیرا در انتخابات سال ۲۰۱۳ نیز هیچ یک از احزاب و ائتلاف‌های اصلی همچون راست میانه به رهبری سیلویو برلوسکونی، چپ میانه به رهبری پیر لوئیجی برسانی و جنبش پنج ستاره به رهبری بپه گریلو نتوانستند اکثریت مطلق را به دست آورند. موضوعی که سبب شد پارلمان منحل شده و انتخابات زودهنگام برگزار شود، به این معنا که چنین چشم‌اندازی در آینده بار دیگر برای ایتالیا وجود دارد و هر ائتلافی که دولت را تشکیل دهد، باید منتظر فروپاشی خود باشد.

اما موضوع بنیادی‌تر در این باره ائتلاف و احزابی هستند که پیروز انتخابات شده‌اند. طی سال‌های گذشته به خصوص از زمانی که بحران غرب آسیا عمق یافته و همین موضوع جریان پناه‌جویان را ایجاد کرده، احزاب و گروه‌های ضد مهاجر، ضد اتحادیه‌گرایی، ضد اسلامی و همچنین قوم‌گرا و نژادپرست به شدت رشد کرده‌اند.

البته، این موضوعی جدی در غرب است که دامن آمریکا را نیز گرفته است و نشان می‌دهد که تنها به دلیل بحران حاضر در خاورمیانه و بحث پناه‌جویان نیست؛ بلکه جامعه غرب به لحاظ فکری از اوضاع کنونی سرخورده شده و خواهان انتخاب مسیر دیگری است که این مسیر در حال حاضر به سمت رادیکالیسم و نژادپرستی گرایش پیدا کرده است.

این موضوع وقتی به بحران سرمایه‌داری گره می‌خورد، مشکلات غرب را پیچیده‌تر می‌کند، به ویژه که چنین فضایی بیش از این نیز به وجود آمده است. جهان غرب در دهه ۱۹۲۰ به بعد، هم با چالش بحران مالی مواجه شد و هم به سمت نازیسم و فاشیسم پیش رفت. در انتخابات اخیر آلمان نیز مشخص شد که نئونازی‌ها برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم توانستند وارد پارلمان این کشور شوند. ایتالیا نیز به عنوان کشوری که فاشیسم در آن شکل گرفت و رشد کرد، در انتخابات ماه مارس احزاب و گروه‌هایی را به عنوان پیشتاز می‌بینند که نه تنها ایتالیا، بلکه اتحادیه اروپا و غرب را تهدید می‌کند.

فراسو

آینده سیاسی منطقه در انتظار مقاومت

□ قاسم غفوری/ غرب آسیا همچنان اصلی‌ترین کانون تحولات جهانی است که صف‌بندی‌های گسترده منطقه‌ای و جهانی را به همراه داشته است. آنچه این روزها کانون محافل رسانه‌ای و سیاسی شده، برجام و چگونگی تعامل و تقابل میان امضاکنندگان آن پس از خروج آمریکا از برجام است. این جوسازی‌های گسترده در حالی صورت می‌گیرد که بررسی ریشه‌ای تحولات منطقه نکات قابل توجهی را در خود دارد.

نخست، اقدام آمریکا در اعلام انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس است که همزمان با سالروز تأسیس رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد. اقدامی که عملکرد واضح آمریکا در نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطین و طراحی آن برای نابودی ماهیت فلسطین را نشان می‌دهد. خطر طرح زمانی بیشتر می‌شود که آمریکا با ایجاد کارناوال تبلیغاتی سعی در مشارکت برخی از کشورها، از جمله کشورهای عربی دارد تا به این اشغالگری آشکار صهیونیست‌ها نوعی مشروعیت بدهد. در همین حال، برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان مصوبه کشور یهودی را برای رژیم صهیونیستی داشته‌اند که خود بعد دیگری از خیانت غربی به فلسطین و جهان اسلام است.

دوم، برگزاری دو انتخابات مهم در لبنان و عراق است. لبنان پس از ۹ سال وقفه و عراق یک سال پس از موعد قانونی اقدام به برگزاری انتخابات پارلمانی کردند. مردم لبنان در ۱۶ اردیبهشت انتخابات برگزار کردند و نتیجه انتخابات از پیروزی جریان مقاومت با رأی مردم حکایت دارد. ساختار پارلمان لبنان نشان می‌دهد، ساختاری جدید بر این کشور حاکم می‌شود که برخلاف گذشته نگاه قومی و طایفه‌ای نداشته؛ بلکه بر اساس ترکیبی مردمی و شایسته‌سالارانه صورت می‌گیرد.

مردم عراق ۲۲ اردیبهشت برای انتخاب نمایندگان پارلمان پای صندوق‌های رأی رفتند و این انتخابات در حالی برگزار شد که چند نکته درباره آن قابل توجه است:

الف- حضور گسترده جریان‌های سیاسی از هر طیف، گروه و قبیله‌ای نشان‌دهنده بلوغ سیاسی ملت و نظام عراق است که در بسیاری از کشورهای عربی معادل آن دیده نمی‌شود. در واقع باید گفت، در حالی که بسیاری از کشورهای عربی مانند عربستان هیچ‌گونه انتخابات و دموکراسی ندارند، عراق با برگزاری انتخابات و حضور گسترده جریان‌های سیاسی و مردم‌سالاری درون‌زایی را به نمایش گذاشته‌اند که برتری عراق نسبت به دیگر کشورهای عربی را نشان می‌دهد.

ب- در وهله بعدی تأمین امنیت انتخابات از سوی ارتش و گروه‌های مردمی در شرایطی که همچنان گروه‌های تروریستی و دشمنان داخلی و بیرونی عراق به دنبال ناامنی هستند، نشان‌دهنده توانایی و ظرفیت بالای امنیتی این کشور است. امنیت بالای انتخابات نشان داد، پیوند میان ارتش و گروه‌های مردمی راهکار برقراری ثبات و امنیت در این کشور است؛ چنانکه ائتلاف آمریکایی نه در مبارزه با تروریست‌ها و نه در تأمین امنیت انتخابات کارکرد مناسبی برای عراق نداشتند.

در کنار موارد ذکر شده، این سؤال مطرح می‌شود که این حضور مردمی و برگزاری موفق با ثبات انتخابات چه تأثیری بر آینده عراق خواهد داشت و مسئولیت نمایندگان انتخاب شده از سوی مردم چه خواهد شد. با توجه به ساختار سیاسی عراق که دولت از درون پارلمان انتخاب

نوع رأی مردم به جریان‌های مذهبی و ملی در انتخابات‌های پارلمانی لبنان و عراق امری قابل توجه است؛ هر چند دشمنان مقاومت به دنبال دورسازی مردم از این جریان‌ها بوده و حتی علیه آنها اقدامات بحران‌ساز انجام داده‌اند؛ اما مردم لبنان با رأی به جریان مقاومت و در عراق با رأی به جریان‌های مذهبی و حامیان مقاومت منطقه نشان دادند که آنها راه مقاومت را ادامه خواهند داد

می‌شود، اولین مسئولیت نمایندگان تلاش برای تشکیل دولتی مردمی بدون دیدگاه‌های قومی و قبیله‌ای و تحت تأثیر قرار نگرفتن در برابر فشارهای خارجی است؛ دولتی که بتواند وحدت و یکپارچگی عراق را حفظ کرده و ثبات امنیتی پایدار را برای آن به ارمغان آورد.

ج- نکته‌ای دیگر در کارکرد پارلمان ارائه طرح و برنامه‌های جامع برای بازسازی ویرانه‌های بر جای مانده از حضور تروریست‌ها در این کشور است. اقدامی که از یک سو می‌تواند مؤلفه‌ای برای جلوگیری از تکرار شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در عراق و نیز ارتقابخش جایگاه منطقه‌ای و جهانی عراق به منزله کشوری مستقل و پیشرفته باشد.

د- یکی از مهم‌ترین کارکردهای پارلمان جدید تلاش برای توسعه روابط عراق با کشورهای دوست و حامیان ثبات و امنیت در این کشور است. حضور گروه‌های تروریستی همچون داعش در عراق، هر چند خسارت‌های بسیاری بر این کشور وارد کرده، اما زمینه‌ساز آشکار شدن چهره دوستان و دشمنان عراق شده است.

جبهه مقاومت در کنار ارتش و نیروهای مردمی همه تلاش خود را برای برقراری امنیت در عراق صورت داده؛ در حالی که آمریکا و شرکای غربی و عربی آن نه تنها گامی در این عرصه برنداشتند؛ بلکه خود زمینه‌ساز تقویت گروه‌های تروریستی بوده‌اند. بر اساس این، تقویت همگرایی با جبهه مقاومت و نیز مقابله با طراحی‌های دشمنان عراق از کارکردهای مهم و مطالبات مردمی از دولت و پارلمان آینده عراق خواهد بود.

ترکیب انتخابات لبنان و عراق چند پیام مهم را با خود به جهانیان مخابره می‌کند. اولاً، این انتخابات‌ها در حالی برگزار شد که این کشورها توانسته‌اند دستاوردهای بسیاری در مبارزه با تروریسم کسب کنند که برگزاری انتخابات در فضایی کاملاً امن و باثبات خود گواهی بر این مهم است. ثانیاً، مشارکت گسترده مردمی در این انتخابات‌ها نشانه بلوغ سیاسی مردمی این دو کشور است؛ در حالی که در بسیاری از کشورهای عربی نظیر عربستان که تحت حمایت آمریکا هستند، حتی واژه‌ای به نام انتخابات وجود ندارد.

ثالثاً، نوع رأی مردم به جریان‌های مذهبی و ملی در این انتخابات‌ها امری قابل توجه است؛ هر چند دشمنان مقاومت به دنبال دورسازی مردم از این جریان‌ها بوده و حتی علیه آنها اقدامات بحران‌ساز انجام می‌دهند؛ اما مردم لبنان با رأی به جریان مقاومت و در عراق با رأی به جریان‌های مذهبی و حامیان مقاومت منطقه نشان دادند که راه مقاومت را ادامه خواهند داد.

به عبارتی دیگر، آنچه در روند انتخابات این دو کشور روی داده، دستاوردهای بزرگی برای ملت‌های آزادیخواه منطقه و جبهه مقاومت است که دشمنان با برجسته‌سازی مسائل حاشیه‌ای همچون برجام به دنبال اهمیت‌زدایی از این دستاوردها و البته به حاشیه راندن اصلی مهم به نام تحرکات اشغالگرایانه رژیم صهیونیستی در قدس هستند. رفتاری که بهره‌گیری از الگوی مقاومت برای تکرار دستاوردهای پیروزی بر تروریسم در مقابله با تحرکات صورت گرفته علیه مقدسات اسلامی از جمله در باب فلسطین می‌تواند مؤلفه‌ای برای خنثی‌سازی این طراحی‌ها باشد. آنچه باید مورد توجه باشد، رویکرد ملت‌های منطقه به گفتمان مقاومت است که با وجود اقدامات ضد مقاومتی همچنان مورد توجه ملت‌های منطقه است و آن را راهکاری برای پایان بحران‌های منطقه و مقابله با دشمنان می‌دانند.

رخداد

پیامدهای انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس

□ محمد رضا مرادی/ همان‌طور که دونالد ترامپ شش ماه پیش وعده داده بود، سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس انتقال پیدا کرد. در جریان این انتقال مردم فلسطین در نوار غزه با راه‌پیمایی بزرگی که همزمان با «یوم النکبه» نیز بود، به سیاست‌های رژیم اشغالگر قدس و آمریکا اعتراض کردند که در جریان حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری ۶۳ فلسطینی به شهادت رسیده و ۲۹۰۰ نفر مجروح شدند. این جنایت صهیونیست‌ها سبب شد بیش از ۸۰ مؤسسه بین‌المللی و حقوق بشری خواستار بازخواست و محاکمه سران رژیم صهیونیستی به سبب ارتکاب جنایت هولناک اخیر شوند. در این راستا، دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد، آمریکا اعتبارش را به دلیل کشتار غزه از دست داد. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان نیز جنایات صهیونیست‌ها نسبت به مردم فلسطین را محکوم کرد. در کشورهای فرانسه، سوئد، یونان، آرژانتین، ترکیه، لبنان، پاکستان، یمن، اردن، تونس و برزیل تظاهرات‌هایی در اعتراض به کشتار فلسطینی‌ها در جریان تظاهرات میلیونی «بازگشت» برگزار شد. تظاهرات در یونان به سطح درگیری‌های خشونت‌آمیز و پرتاب سنگ به ساختمان سفارت رژیم صهیونیستی در این کشور رسید. صدها آرژانتینی نیز در اعتراض به انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس اشغالی در مقابل سفارت این رژیم در بوینوس آیرس تجمع کردند.

اما نکته مهم در این زمینه به پیامدهای این اقدام ترامپ برمی‌گردد:

در درجه اول انتقال سفارت آمریکا به قدس به معنای پایان مذاکرات به اصطلاح صلح خواهد بود. این مسئله خود سبب تشدید شکاف بین جریان‌های صهیونیستی نیز خواهد شد. احزاب چپ به رهبری اسحاق هرتزوگ و لیونی راه‌حل دستیابی به صلح با فلسطینیان را پذیرش طرح تشکیل دو دولت فلسطینی و یهودی می‌دانند. با این اقدام، عملاً این طرح با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا سبب مشروع بودن موضوع شهرک‌سازی شده و موضوع شهرک‌سازی بزرگ‌ترین مانع در راه اجرای طرح حل دو دولت است. از سویی، موجب تقویت احزاب راست افراطی شده که افزایش افراط‌گرایی در سرزمین‌های اشغالی و افزایش درگیری‌ها در سرزمین‌های اشغالی به ویژه قدس از پیامدهای آن است.

افزون بر این، شخصیت‌های طرفدار سازش در فلسطین پس از این اقدام ترامپ تضعیف خواهند شد. احزاب و شخصیت‌هایی که طرفدار مذاکرات صلح و راه‌حل دو دولت بودند، با انتقال سفارت آمریکا به قدس به نوعی به پایان راه خود رسیدند. جنبش فتح و شخص ابومازن دچار انفعال خواهند شد و به همین دلیل است که در ماه‌های گذشته بیشترین تحرکات دیپلماتیک را انجام دادند تا مانع این کار شوند. در طرف مقابل، جایگاه گروه‌های مقاومت و شخصیت‌هایی که طرح مذاکره با رژیم صهیونیستی و راه‌حل دو دولت را رد کرده بودند و گزینه‌های دیگری مانند مقاومت را ابزار احقاق حق فلسطینیان مطرح می‌کردند، تقویت خواهد شد که حماس و جهاد اسلامی از اصلی‌ترین گروه‌ها هستند.

اما شاید بتوان مهم‌ترین پیامد این اقدام ترامپ را تقویت انتفاضه سوم دانست. یکی از مشکلات پیش روی انتفاضه‌ها در فلسطین نبود انسجام داخلی بین گروه‌های فلسطینی به دلیل تفاوت در راه‌حل‌های دو طرف بود. با شکست راه‌حل سازش اکنون گروه‌های بیشتری به انتفاضه سوم خواهند پیوست و همین مسئله خود تهدید بزرگی را پیش روی رژیم صهیونیستی به وجود خواهد آورد.

افزون بر این، همراهی تلویحی ارتجاع عرب با این طرح ترامپ به صورت صریح حامیان و مخالفان فلسطین را به خوبی مشاهده کرد. تا پیش از این، برخی کشورهای عربی مانند عربستان از مسئله فلسطین برای فریب افکار عمومی بهره می‌جستند. عدم مخالفت جدی و حتی همراهی غیر مستقیم عربستان با طرح معامله قرن سبب شد تا این ابزار از دست عربستان خارج شود. در وضعیت کنونی به نظر می‌رسد، بازگشت فلسطین به صدر موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی و انسجام بیشتر گروه‌های داخلی فلسطین برای مبارزه با رژیم صهیونیستی مهم‌ترین پیامدهای اقدام ترامپ به شمار می‌آید.

رخنه

نفوذ آل‌سعود در جهان اسلام- ۱۴

حضور سازمان‌یافته برای ترویج وهابیت در کومور

دیدار ایکلیو رئیس‌جمهور سابق کومور با محسن الترکی رئیس سازمان رابطه العالم اسلامی

مدرسه نور معرفت در سال ۲۰۱۴ به دست عمال وهابی در کومور ساخته شد

یوسف محمدا نماینده تشکل‌های وهابی کومور در دیدار با محسن الترکی

□ عبدالله عبادی/ مجمع الجزایر کومور با حدود یک میلیون نفر جمعیت در جنوب شرق آفریقا و در نزدیکی آب‌های اقیانوس هند در شرق سواحل موزامبیک واقع شده است. «کومور» که زمانی «اتحادیه قمر» نامیده می‌شد، یکی از اعضای اتحادیه عرب است که ۹۸ درصد جمعیت آن را مسلمانان سنی‌مذهب تشکیل می‌دهند.

این کشور مسلمان که زمانی در تصرف مسلمانان ایرانی بود، از سال ۱۸۴۳میلادی به اشغال فرانسه درآمد و در سال ۱۹۱۲ مستعمره آن شد. در سال ۱۹۷۵ مجلس نمایندگان کومور رسماً استقلال کومور را اعلام کرد و از آن زمان تاکنون این کشور مسلمان آفریقایی با شماری از کشورهای جهان از جمله ایران و عربستان روابط دیپلماتیک دارد.

مجمع الجزایر کومور از چهار جزیره تشکیل شده که جزیره مایوت آن همچنان در اشغال فرانسه است؛ از دیرباز حضور ایرانیان در این کشور مسلمان قاره آفریقا پررنگ بوده است؛ ایرانیان خطه فارس دارای آثار تاریخی در جزیره آنژوان این کشور می‌باشند و در دوران ریاست‌جمهوری عبدالله محمد سامبی (۲۰۰۵ م.) که برای دفاع از جمهوری اسلامی و تحصیل در ایران مشهور است، دارای رابطه سیاسی دوستانه با کشورمان بود که در نهایت به افتتاح سفارت ایران در این کشور و اعزام سفیر انجامید و پس از آن ده‌ها موافقتنامه تجاری و اقتصادی نیز میان دو کشور منعقد شد.

پس از اعدام شیخ نمر باقر النمر رهبر شیعیان عربستان به دست آل‌سعود و شمار دیگری از شیعیان این کشور و نیز کارشکنی عربستان در بزرگنمایی مشکلات منطقه‌ای، «کومور» همسو با دیگر کشورهای کوچک عربی حاشیه خلیج‌فارس رابطه دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد. تا پیش از قطع روابط دو کشور شیعیان کومور در آرامش به سر می‌بردند، اما با خروج دیپلمات‌های ایرانی و فشار رژیم آل‌سعود وضعیت شیعیان بسیار سخت و جانگداز شده است.

اقتصاد کومور که به دلیل بافت جغرافیایی خاص از خشکسالی و قحطی شدید رنج می‌برد، بر کشاورزی متکی است. اما در این میان عربستان با سوءاستفاده از این وضعیت خاص و به بهانه کمک مالی به این کشور نیازمند، درصدد افزایش نفوذ سیاسی و اجتماعی خود در این کشور مسلمان برآمد.

این در حالی است که رژیم سعودی هیچ‌گاه در راستای منافع جهان اسلام حرکت نکرده است و تنها هدفش از کمک‌های مالی به کشورهای نیازمند، گسترش فرقه ضاله و ضد بشری وهابیت است؛ اقدامی که نتیجه آن گسترش خشونت و افراط‌گرایی و تروریسم در قاره آفریقا شده است.

با آغاز جنگ یمن، رژیم سعودی دولت کومور را تحت فشار قرار داد تا هرچه سریع‌تر سربازان خود را به حمایت از ائتلاف سعودی اعزام کند، به همین دلیل در اواخر سال ۲۰۱۵ منابع خبری منطقه از اعزام ۳۵۰ نظامی کوموری به عربستان با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ یورو خبر دادند.

در اوت ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور جزایر کومور نقش عربستان سعودی به رهبری خادم‌الحرمین الشریفین در خدمت به اسلام و مسلمین و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی را ستود.

عثمان غزالی در همایش «اعتدال و نمونه‌های معاصر آن» که با مدیریت دانشگاه اسلامی مدینه منوره در مورونی، پایتخت کومور برگزار شد، نقش دانشگاه اسلامی مدینه منوره در تربیت و پرورش فرزندان مسلمان و نشر فرهنگ اعتدال را مهم و حیاتی دانست.

همچنین پس از تنش میان قطر و رژیم آل‌سعود دولت ریاض از مقامات کومور درخواست کرد تا به سرعت روابط خود را با دوحه قطع کنند، از این‌رو دولت کومور که سالیانه مبالغ فراوانی کمک نقدی و غیر نقدی از ریاض دریافت می‌کند، بلافاصله سفارت خود در قطر را تعطیل کرد و سفیر خود را فراخواند.

وهابی‌ها با هدف گسترش وهابیت در کومور، برای جلب نظر مردم آن دست به اقداماتی زده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- ساخت مدارس قرآنی: با توجه به فقر حاکم بر جامعه کومور، دولت این کشور توانایی ساخت و اداره مدارس قرآنی به شکل دولتی را ندارد، از این‌رو سازمان‌های اسلامی از جمله نهادهای وابسته به وهابیون با سوءاستفاده از این موقعیت به نشر و گسترش افکار ضاله خود در چارچوب مدارس قرآنی پرداخته‌اند. بر این اساس طی یک دهه گذشته سازمان رابطه العالم اسلامی ده‌ها باب مدرسه در نقاط مختلف کومور برای تعلیم دانش‌آموزان کوموری تأسیس کرده است.

۲- تأسیس سازمان‌های اسلامی وابسته به وهابیت به کوشش رابطه العالم اسلامی: طی دو دهه گذشته ده‌ها سازمان وابسته به رابطه العالم اسلامی در کومور تأسیس شده است. این سازمان‌ها که از وضع مالی خوبی برخوردار بوده و تمامی هزینه‌های آنها را مراکز تبلیغی عربستان پرداخت می‌کند، معمولاً در برنامه‌های خود از جمله برگزاری مراسم و مناسبت‌های دینی به صورت مستقیم از آیین وهابیت حمایت می‌کنند، علاوه بر آن رابطه العالم اسلامی با صرف هزینه‌های کلان از نفوذ چشمگیری در شورای عالی امور مسلمانان این کشور برخوردار است و رؤسای این سازمان که نماینده مسلمانان در مقابل دولت هستند در زمره هواخواهان آیین وهابیت به شمار می‌روند.

۳- انجام فعالیت‌های عمرانی: صندوق توسعه سعودی یکی دیگر از نهادهای وابسته به وهابیت است که طی چند سال اخیر فعالیت‌های بسیاری در کومور انجام داده است، ساخت جاده در نقاط مختلف این کشور یکی از آنهاست. بر این اساس، این سازمان در سال ۲۰۱۴ با هزینه‌های ۱/۵ میلیارد ریال سعودی چندین پروژه عمرانی در این کشور به بهره‌برداری رساند که ساخت جاده wanani در جزیره موهیلی و جاده dunddi در جزیره آنژوان و همچنین ساخت جاده فرودگاه این کشور از آن جمله است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که رویکرد بیشتر مردم سنی مذهب این کشور مبنی بر حفظ استقلال سیاسی و خواست و مطالبه عمومی است که اکنون پیش روی دولت و مجلس این کشور قرار دارد. افزون برآن بدنه مذهبی این کشور نیز تمایل چندانی به پیروی از فرقه وهابیت و سیاست‌های افراط‌گرایانه عربستان ندارند که این امر نشان‌دهنده وجود روحیه استقلال‌طلبانه در متن جامعه مدنی این کشور کوچک آفریقایی است.

کندوکاو

خروج از برجام ابزار تحریم را تضعیف کرد

خبرگزاری فارس: «جرت بلنک» معاون هماهنگ‌کننده اجرای توافق هسته‌ای با ایران در دولت سابق آمریکا در واکنش به طرح‌های پیشنهادی اتحادیه اروپا برای متقاعد کردن ایران به ادامه حضور در برجام، گفت: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با خروج از توافق هسته‌ای ابزار تحریم را تضعیف کرده است.»

بلنک که اکنون عضو ارشد اندیشکده «کارنگی» است، در توئیتر نوشت: «اتحادیه اروپا و سه کشور (آلمان، فرانسه و انگلستان) امروز در دیدار با [محمدجواد] ظریف [وزیر امور خارجه ایران] در بروکسل پیشنهاد مقدماتی بسیار برجسته‌ای روی میز گذاشتند.»

ترامپ: امکان کاهش خرید نفت از ایران وجود دارد

خبرگزاری ایرنا: «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در اطلاعیه‌ای به وزیر خزانه‌داری، وزیر خارجه و وزیر انرژی این کشور، دستور کاهش خرید نفت و محصولات نفتی از ایران را صادر کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در این اطلاعیه اعلام کرد: «میزان عرضه نفت و فرآورده‌های نفتی از کشورهایی به جز ایران به اندازه‌ای هست که بتوان حجم خریداری نفت و محصولات نفتی از ایران از سوی مؤسسات مالی خارجی یا به واسطه آنها را به نحو محسوسی کاهش داد.»

تحریم‌ها علیه ایران به روابط واشنگتن با اروپا لطمه وارد می‌کند

خبرگزاری مهر: «مایکل هیدن» مدیر سابق آژانس امنیت ملی آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا موسوم به «سیا» پیش‌بینی کرد، وضع مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران با وجود اعتراضات سران اتحادیه اروپا، به روابط واشنگتن با هم‌پیمانان اروپایی این کشور لطمه وارد می‌کند. آنها حق قانونی برای گرفتن پاسخ این پرسش‌ها دارند: «آیا نظر ما اهمیت دارد؟ آیا آمریکایی‌ها نظرات ما را در نظر می‌گیرند؟» افزون بر این، هر آنچه ممکن است یا ممکن نیست در خلیج‌فارس رخ دهد، بهترین دوستان ما در جهان را از ما منحرف می‌کند.

ترامپ می‌خواهد ایران را محروم کند

خبرگزاری ایسنا: وزیر خارجه آمریکا می‌گوید رئیس‌جمهور این کشور می‌خواهد ایران را از ثروت‌هایی که صرف «اقدامات مخرب» و آزمایش‌های موشکی می‌شوند، محروم کند.

وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه با برنامه «Face the Nation»، در پاسخ به این پرسش که چرا «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش نکرد برجام را اصلاح کند، گفت: «ما این کار را انجام دادیم. تلاش‌مان را کردیم.» وزیر خارجه آمریکا از توافق هسته‌ای برجام هم انتقاد کرد و مدعی شد: «این توافق، آنچه را که به ادعای وی رفتارهای «مخرب» ایران است، افزایش داده است.»

ادعای پمپئو درباره ایران

خبرگزاری تسنیم: «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا گفت: «ایران برای حفظ روابط تجاری با اروپایی‌ها باید دست‌کم اتباع آمریکایی بازداشت‌شده در ایران را آزاد کند.» وی در پاسخ به این پرسش که آیا آمریکا حاضر به مبادله زندانیان با ایران است، گفت: «نمی‌توانم به این پرسش پاسخ دهم. ما برای [آزادی] بازداشتی‌ها در کره شمالی، کسی را مبادله نکردیم. آنها بازگشتند، چون برداشت رئیس کیم [جونگ اون، رهبر کره شمالی] این بود که به نفع اوست که این کار را انجام دهد. ما از این بابت از او ممنون هستیم.»

سهم ۷ درصدی تعاون از اقتصاد کشور

انصاری معاون اقتصادی وزارت امور خارجه با بیان اینکه تعاونی‌ها اصلی‌ترین ابزار اقتصاد به شمار می‌روند و باید دولت حمایت‌های گسترده‌ای از این بخش اقتصادی انجام دهد، گفت: متأسفانه هم‌اکنون دولت تنها با پرداخت یارانه از بخش تعاون حمایت می‌کند، یارانه بهترین وسیله‌ای است که نهادهای اقتصادی کشور را در درازمدت فلج می‌کند و آنها را به مرور زمان از بین می‌برد. سهم بخش تعاون از اقتصاد کشور باید ۲۵درصد باشد که در حال حاضر این سهم ۷ درصد است.

آن‌روی سکه

ظرفیت‌های داخلی باطل‌السحر تحریم‌های خارجی

□ **محمد نوری/** اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و از سوی کشورهای غربی، سابقه‌ای طولانی دارد و به دوران پس از ملی شدن صنعت نفت از سوی انگلیس بازمی‌گردد. تحریم اقتصادی ایران، رویکردی بود که سران کاخ سفید آن را از ۱۳ آبان ۵۸ و برای جلوگیری از روند پیشرفت و اعتلای انقلاب اسلامی در پیش گرفتند و به مدت بیش از ۳۹ سال ادامه دادند تا با تحت فشار قرار دادن کشورمان به مقصود خود برسند. سیاستی که در عمل نتوانست آرزوی سیاست‌گذارانش را برآورده کند و با شکست روبه‌رو شد؛ چرا که با وضع تحریم در عرصه‌های گوناگون، ساختارهای متناسب با آن نیز در کشور شکل می‌گرفت و همچنین تلاشی همه‌جانبه برای یافتن راه‌های گوناگون مقابله با آثار و نتایج تحریم‌ها آغاز می‌شد. بی‌شک بازگشت تحریم‌ها و حتی وضع تحریم‌های جدید از سوی رئیس‌جمهور کم خرد آمریکا نیز همانند گذشته با اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و اتکا به توان جهادی جوانان با استعداد کشور بی‌اثر خواهد شد.

تحریم‌های خصمانه‌ای که آمریکا علیه ایران در سال‌های گذشته و به شکل وسیعی وضع کرده تا به هدف دیرین خود که همان اسقاط نظام جمهوری اسلامی است، دست پیدا کند، نه تنها تاکنون نتوانسته به آن دست یابد و خللی در روند رو به رشد انقلاب اسلامی وارد آورد، بلکه در موارد بسیاری این تحریم‌ها فوایدی هم به همراه داشته است. از جمله مهم‌ترین موارد این فواید، خودکفایی کشور در حوزه تولیدات دفاعی ـ نظامی است. بر کسی پوشیده نیست که ایران در دوران دفاع مقدس واردکننده تجهیزات نظامی بود تا در برابر دشمن متجاوز از سرزمین و ملت خود دفاع کند؛ ولی دشمنان این کشور به سردمداری آمریکا از فروش تجهیزات و ادوات نظامی به ما خودداری می‌کردند. این در حالی است که ایران اسلامی در حال حاضر در حوزه تولیدات نظامی نه تنها به واردات نیازی ندارد؛ بلکه صادرکننده برخی اقلام نظامی نیز به شمار می‌رود و این خودکفایی از برکات پنهان تحریم‌های ظالمانه آمریکا بوده است.

در آستانه سال ۱۳۹۰، آمریکا برای رسیدن به اهداف شوم خود تحریم فروش بنزین به ایران را در دستور کار قرار داد تا از این طریق مشکلات داخلی را در کشور دوچندان کند؛ اما با درایت و تدبیر مناسب مسئولان در مدیریت مصرف بنزین و با حمایت از تولید داخلی بنزین تلاش شد ضمن ارتقای کیفیت بنزین تولیدی، به میزان مناسبی تولید این فرآورده نفتی نیز افزوده شده و این تحریم آمریکا بی‌اثر شود.

در حالی گزینه‌های تحریمی ایران روی میز رئیس‌جمهوری آمریکاست که ایران اسلامی در آستانه خودکفایی بنزین قرار دارد. جوانان مؤمن، متعهد و متخصص کشور عزیزمان در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) با عزم ملی و مدیریت جهادی مجموعه پالایشگاه‌های ستاره خلیج‌فارس را راه‌اندازی کردند تا ثابت کنند ایرانی در شرایط سخت و دشوار هم می‌تواند جلوی زیاده‌خواهی استکبار بایستد و باج ندهد. پس از افتتاح فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، تولید و عرضه روزانه ۱۲ میلیون لیتر بنزین یورو ۵، ایران را در مرز خودکفایی تولید بنزین قرار داد و در ادامه فرآیندهای توسعه‌ای، فاز دوم این پالایشگاه برای تولید و عرضه روزانه ۱۲ میلیون لیتر بنزین یورو ۵ دیگر در حال انجام و در آستانه افتتاح قرار دارد.

با بهره‌برداری از این فاز (فاز دوم)، به طور کامل و به صورت پایدار در تأمین نیاز داخلی بنزین خودکفا می‌شویم و ان‌شاءالله با اجرای فاز سوم، یکی از صادرکنندگان بزرگ بنزین خواهیم شد. پس می‌توان با اتکا به ظرفیت‌های درونی و مقاومت در مقابل زیاده‌خواهی و جنگ اقتصادی آمریکا ایستاد و تحریم‌های ظالمانه را به فرصت تبدیل کرد.

اخبار اقتصادی

اجرای FATF به‌منزله نصب دیده‌بان دشمن در خاک خودی

سیدجواد ساداتی‌نژاد، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات و نماینده مردم کاشان، آران و بیدگل در مجلس گفت: «ایالات متحده از چند دهه پیش با ادعای واهی مبارزه با گروه‌های تروریستی اقدام به استفاده از ابزار پولی و بانکی کرده است.» ساداتی‌نژاد افزود: «اجرای FATF به‌منزله نصب دیده‌بان دشمن در خاک خودی است.» وی با ابراز اینکه این اقدام آمریکا ساخت سلاح پولی است، گفت: «دستیابی وزارت خزانه‌داری آمریکا به تمامی اطلاعات بانک‌های گوناگون سبب تسلط کامل این کشور بر نظام مالی بین‌المللی می‌شود.»

ورودی ارز ناشی از صادرات در سامانه «نیما» افزایش یافت

ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به عرضه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری ارز ناشی از صادرات غیر نفتی در سامانه نیما و نظام بانکی کشور گفت: «با وجود برخی مقاومت‌ها از سوی تعدادی از صادرکنندگان، پس از گذشت یک ماه از تصمیم جدید در حوزه ارز شاهد افزایش عرضه ارز ناشی از صادرات از سوی صادرکنندگان در سامانه نیما و نظام بانکی هستیم.»

قرارگاه خاتم‌الانبیاء و آستان قدس مالیات پرداخت می‌کنند

یک مقام مسئول در سازمان امور مالیاتی گفت: «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و آستان قدس رضوی مالیاتی‌های قانونی خود را می‌پردازند.» وی افزود: «آستان قدس رضوی باید مالیات تکلیفی و ارزش‌افزوده خود را بدهد؛ ولی بخش دیگری از مالیات را اگرچه اظهارنامه‌های آن را ارائه می‌دهد، اما با سازمان برنامه و بودجه در برخی موارد تهاتر می‌کند. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء نیز مطابق قانون مالیات‌های خود را پرداخت می‌کند و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.»

نفت بدون مشتری روی آب نداریم

سید پیروز موسوی، مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران گفت: «سال گذشته بارگیری حدود ۸ میلیون بشکه نفت از هشت پهلوگاه و دو عملیات کشتی به کشتی با استاندارد و ایمنی کامل در پایانه نفتی خارک به طور همزمان انجام شد که یک رکورد است و اکنون آمادگی لازم برای افزایش این ظرفیت وجود دارد.» وی افزود: «ایران هیچ نفت روی آب و بدون مشتری ندارد که این موضوع نشان‌دهنده توان امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران است.»

شناسایی واردکننده ۳۰ هزار خودرو بدون مالیات

غلامرضا قبله‌ای، مقام مسئول در سازمان امور مالیاتی گفت: «به کمک سامانه‌های طرح جامع مالیاتی، آن دسته از افرادی که فرارهای مالیاتی داشته‌اند، شناسایی و مالیات آنها را دریافت کرده‌ایم.» وی افزود: «بر اساس این، یک خانواده سال گذشته شناسایی شدند که ۳۰ هزار خودرو وارد کرده و یک ریال هم مالیات نداده بودند، اما به کمک این سامانه آنها شناسایی شده و افزون بر اخذ مالیات به مراجع قضای معرفی شدند. همچنین ۷۷ نفر شناسایی شده‌اند که معادل ۹۹۰ میلیارد تومان از آنها مالیات اخذ شده است.»

عدم وصول مطالبه ۴۰۰ میلیاردی شرکت توزیع برق

حسین صبوری، مدیرعامل شرکت توزیع برق تهران گفت: «شرکت توزیع برق تهران به ۴/۵ میلیون مشترک خدمات ارائه می‌دهد که ۱۵ درصد مشترکان کشور را شامل می‌شود. با توجه به قرار گرفتن ۶۵۰ مرکز حیاتی و حساس در تهران، اولویت نخست ارائه برق به صورت پایدار است.» وی افزود: «میزان مطالبات شرکت توزیع برق از نهادها و سازمان‌ها به ۴۰۰ میلیارد تومان رسیده و هنوز این مبلغ وصول نشده است.»

تأثیر منفی خانه‌های خالی بر اقتصاد

افضلی، عضو کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر ضرورت پیگیری دلیل اجرا نکردن قانون اخذ مالیات از خانه‌های خالی، گفت: «وجود این خانه‌ها در رشد قیمت مسکن و اجاره‌بها تأثیر داشته است. در نتیجه هر کسی که خانه‌اش را خالی نگه می‌دارد، باید هزینه اثری را که بر اقتصاد جامعه می‌گذارد، بپردازد.»

بررسی نقش مردم و مسئولان در تحقق شعار سال ـ ۷

بهبود فضای کسب‌وکار پیش‌شرط حمایت از کالای ایرانی

□ **محمدابراهیم میانجی/** در سه شماره گذشته نشریه بخشی از نقش مسئولان در تحقق شعار سال بررسی شد. تأمین مایحتاج مورد نیاز دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی به منظور حمایت مستقیم دولت از کالای ایرانی و باور و اعتقاد به حمایت از کالای ایرانی، جلوگیری از واردات کالای مشابه ساخت داخل، حمایت خاص از تولید با حمایت‌های تعرفه‌ای، انتقال بار مالیاتی از تولید به مصرف، لزوم بازبینی سیاست‌های مالیاتی در دوران رکود و دستگیری از واحدهای کوچک تولیدی در سیاست‌های کلان اقتصادی به منزله بخشی از حمایت‌های غیر مستقیم دولت از کالای ایرانی بررسی شد. در این شماره مصادیق دیگری از حمایت غیر مستقیم دولت و مسئولان از کالای ایرانی مرور می‌شود.

اصلاح فضای کسب‌وکار، پیش‌شرط حمایت از کالای ایرانی

مهم‌ترین پیش‌شرط حمایت از «کالای ایرانی»، اصلاح فضای کسب‌وکار است. بی‌شک، برای تولید یک کالای با کیفیت و با قیمت مناسب، باید فضای کسب‌وکار در جامعه مناسب باشد. متأسفانه، این محیط در وضعیت فعلی، مناسب توسعه کسب‌وکار نیست. بنابراین، برای تحقق رونق تولید ملی و تحقق شعار سال باید فضای کسب‌وکار در جامعه اصلاح شود. سال‌هاست که از رکود در فضای کسب‌وکار در کشور سخن گفته می‌شود و در دولت‌های گوناگون این موضوع مورد بحث بوده است، اما تاکنون گام مثبتی برای اصلاح روند کنونی برداشته نشده و اقدامات مقطعی بوده است. همچنان غلظت بیش از حد این فضا، بر ظرفیت‌های انسانی، معدنی، صنعتی، کشاورزی و... کشور سایه افکنده است.

فضای کسب‌وکار بر اساس ۱۰ شاخصه؛ آغاز کسب‌وکار، دریافت مجوز ساخت‌وساز، هزینه دریافت اشتراک برق از سوی شرکت‌ها، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات یا دریافت وام، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت کالا در جهان، سهولت اجرای قراردادها و ورشکستگی و تعطیلی شرکت‌ها محاسبه می‌شود. این شاخصه‌ها نشان‌دهنده سهولت و مناسب بودن هر کشور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است، که متأسفانه رتبه ایران در هر یک از این شاخصه‌ها در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

بنا بر اظهارات حمیدرضا فولادگر، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی در مجلس «از ۵۳ حکم موجود در قانون حمایت از کسب‌وکار، نزدیک به ۱۰ مورد اجرایی شده و اجرای ۱۷ مورد به طور ناقص بوده و مابقی نیز اجرا نشده که در نتیجه حدود ۲۰ درصد قانون اجرا شده است.» بهبود فضای کسب‌وکار مهم‌ترین موضوعی است که بر تولید داخلی سایه انداخته و تا زمانی که فضای کسب‌وکار مطلوب نشود، نمی‌توان از تولید داخلی حمایت کرد.

با توجه به اینکه عمده اشتغال کشور مربوط به صنایع کوچک و متوسط است، دولت برای حفظ اشتغال و پایداری تولید باید به معنای واقعی کلمه با بهبود فضای نامناسب کسب‌وکار از این بنگاه‌ها حمایت کند.

ضرورت رفع موانع کسب‌وکار

در حال حاضر، انواع قوانین و مقررات عمدتاً دولتی موانع متعدد دست‌وپاگیری را در مسیر تولید رقابتی کالای ایرانی قرار داده است که تولیدکننده کالا یا خدمات ایرانی را با مشقت و سختی روبه‌رو کرده است. چنانچه بدون توجه به ضرورت رفع موانع کسب‌وکار و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی بر حمایت از کالای ایرانی به منزله فشار بر مصرف کالای ایرانی تأکید شود، نتیجه‌ای جز تحمیل و انتقال بخشی از مشکلات تولیدکنندگان داخلی به مصرف‌کنندگان داخلی را در پی نخواهد داشت. این حمایت نیز حتی در صورت نتیجه‌بخش بودن آثار آن پر هزینه و کم دوام خواهد بود. دولت باید با حمایت واقعی از کالای ایرانی، اصلاح ساختارها و چارچوب‌های مخرب و مانع تولید از جمله اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی، شناسایی و برطرف کردن کانون‌های فساد، اصلاح قوانین به ویژه قانون کار و بازنشستگی، اصلاح نظام بودجه‌نویسی و مالی دولت، کاهش نقش دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد و... را در اولویت قرار دهد.

پرهیز از شعار محوری در اصلاح فضای کسب‌وکار

در بهبود فضای کسب‌وکار ورود و حمایت دولت از کالای ایرانی صرفاً نباید به شکل شعار باشد و برای تحقق آن همه سیاست‌گذاران اقتصادی و تولیدکنندگان باید گام بردارند؛ به گونه‌ای که تولیدکننده داخلی نسبت به اثرات کاهش تولید بر افزایش بیکاری، ورشکستگی واحدهای تولیدی، افزایش فساد و رانت اقتصادی بی‌تفاوت نباشد. دولتمردان نیز با تبیین و تعریف سیاست‌های عملی مناسب و رعایت انضباط مالی، کاهش ریسک، مقررات‌زدایی و کاهش مداخله دولت، اقدامات مثبتی را در راستای بهبود فضای کسب‌وکار انجام دهند.

عزم جدی سیاستگذاران برای ریشه‌کن کردن فساد

از دیگر مصادیق فضای نامناسب کسب‌وکار وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های اجرایی است. وجود این فضا وضعیت نامطلوبی را برای واحدهای تولیدی فراهم آورده که برای برون‌رفت از آن و اصلاح وضعیت موجود، کشور به عزم جدی سیاستگذاران برای ریشه‌کن کردن فساد اداری و اقتصادی نیاز دارد. البته، مبارزه به شکل غیرمنطقی می‌تواند سبب ترس سرمایه‌گذاران و برهم خوردن امنیت سرمایه‌گذاری شود. بنابراین، برای کاهش مفاسد اقتصادی باید قانونی مستقل از اراده شخص یا گروه یا سلایق خاص تبیین شود و به منزله فصل‌الخطاب به اجرا درآید. در این راستا، استفاده از ابزارهای نظارتی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و اجرای بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه کاهش فساد اداری و اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار را فراهم کند.

تقویت تعامل بانک‌ها با بخش‌های تولیدی

«مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها»، «ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید» و «نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار» مهم‌ترین مشکل اداره واحدهای تولیدی در کشور است. این چالش نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب میزان نقدینگی و گردش تشکل‌های اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی آنها برای افق‌های بلندمدت است. مهم‌ترین اقدامی که سیاستگذار پولی در دولت می‌تواند برای حمایت از تولیدکننده کالای ایرانی انجام دهد، تقویت تعامل بانک‌ها با فعالان اقتصادی و تلاش به منظور سازگاری هرچه بیشتر میان منابع شبکه بانکی و نیازهای واقعی بخش‌های تولیدی و نظارت بر عملکرد آنها است.

برای تحقق این امر، شناسایی تولیدکنندگان واقعی و تأمین نقدینگی آنها با سود تسهیلات پایین، اختصاص بخشی از یارانه‌ها به تولید و همچنین ترغیب و تشویق تولیدکنندگان به استفاده از بازار سرمایه برای تأمین مالی امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا، وزارت صنایع می‌تواند دستورالعمل‌ها و قوانینی را برای شناسایی تولیدکنندگان واقعی، تعریف و تبیین کند. سپس بانک مرکزی با همکاری این وزارتخانه می‌توانند با اولویت در تأمین سرمایه در گردش این واحدها، بسترهای استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌های تولیدی را فراهم کنند.

کارشناسان و فعالان اقتصادی معتقدند، بانک‌ها می‌توانند با جلوگیری از «بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه» بر فضای کسب‌وکار تأثیر داشته باشند. سیاستگذاران پولی و مالی در دولت می‌توانند از بی‌ثباتی در سطح کلان اقتصاد کشور جلوگیری کنند. دولت با مدیریت و کاهش نوسانات نرخ ارز، کاهش میزان دخالت خود در قیمت‌گذاری و ایجاد فضای رقابتی در عرصه تولید، می‌تواند توانایی پیش‌بینی قیمت محصولات و نهاده‌های تولید از سوی واحدهای تولیدی را افزایش داده و زمینه برنامه‌ریزی بلندمدت برای افزایش تولید و ارتقای کیفیت را فراهم آورد.

تکاپو

بازنشسته فعال اقتصادی ارسنجانی در گفت‌وگو با صبح صادق

روزانه ۲ تن شیر تولید می‌کنیم

□ **اکبر کریمی/** صنعت گاوداری یکی از مشاغل پر سود اقتصادی است که امروزه برخی از کشورهای جهان با روی آوردن به آن توانسته‌اند سرمایه ارزی بالایی در این حوزه کسب کنند. کشورهایی مانند برزیل، استرالیا و آمریکا از جمله این کشورها هستند که در این صنعت سرمایه‌گذاری بالایی داشته‌اند و توانسته‌اند بخش زیادی از بازار فرآورده‌های این حوزه را به دست گیرند. کشور ما ایران نیز ظرفیت‌های اقتصادی فراوانی دارد که گاوداری یکی از این موارد به شمار می‌آید. در این گزارش یکی از فعالان این حوزه از شهرستان ارسنجان استان فارس را معرفی می‌کنیم.

سیف‌الدین محمودی پاسدار بازنشسته‌ای است که پیش از اتمام دوره خدمت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دوران بازنشستگی خود برنامه‌ریزی کرد و در بهمن سال ۱۳۸۳ طرح گاوداری شیرده را با آغاز به کار ساخت گاوداری در زمین روستایی خود شروع کرد. او هر چند خود کشاورز زاده است؛ ولی امور دامی و پرورش گاو را تا آن زمان تجربه نکرده بود؛ به همین دلیل، برای کسب تجربه لازم، به همراه شروع کار، از فعالان این عرصه که در منطقه فعالیت می‌کردند، کمک و راهنمایی گرفت. محمودی این فعالیت را از صاحبان دیگر گاوداری‌های مجاور یاد گرفت و الآن یکی از تولیدکنندگان بزرگ شیر در ارسنجان محسوب می‌شود.

آقای محمودی با وجود ۱۳ سال سابقه در این فعالیت، همچنان پا به پای کارگران خود در گاوداری کار می‌کند و شاید بیشتر از آنها سختی‌های کار را به جان می‌خرد. این یک فرضیه اثبات شده است که اگر می‌خواهید در کارتان موفق باشید، باید برای آن دل بسوزانید، وگرنه کسی برای کار شما دل نخواهد سوزاند.

***در ابتدا توضیح دهید چگونه وارد این فعالیت شدید؟**

گام اول برای راه‌اندازی گاوداری، گرفتن مجوزهای لازم است که برای این کار باید از طریق امور دام جهاد کشاورزی شهرستان خود اقدام کنید برای اینکه بتوانید مراحل پر پیچ و خم اداری را طی کنید و مجوزهای سازمان محیط زیست، مرکز بهداشت، اداره منابع طبیعی یا احتمالاً اداره اوقاف را بگیرید، تنها راه حل، پیگیری مستمر روزانه است. من با همین شیوه توانستم یک ماهه تمامی مجوزهای این فعالیت را بگیرم. ما زمین مورد نیاز برای گاوداری را داشتیم و با اندوخته خود توانستیم ساختمان گاوداری را نیز بسازیم؛ ولی برای خرید گاو سرمایه‌ای نداشتیم که با دریافت ۲۹ میلیون تومان وام مضاربه بانکی و خرید ۱۰ گاو شیرده فعالیتی را در سال ۱۳۸۴ شروع کردیم. در سال ۱۳۸۵ توانستیم با دریافت ۳۵ میلیون تومان تسهیلات از صندوق بنگاه‌های زودبازده، گاوداری را توسعه دهیم. در سال ۱۳۸۶ نیز ۱۰۰ میلیون تومان از همین صندوق تسهیلات دریافت کردیم.

از درآمد این فعالیت راضی هستیم و اکنون با بیش از ۱۳ سال تلاش و پشتکار در این حوزه، توانسته‌ایم افزون بر پرداخت کامل بدهی‌های بانکی خود، صاحب ۱۷۰ گاو و گوساله، دو دستگاه تراکتور، ماشین حمل شیر و سایر وسایل و دستگاه‌های مورد نیاز این شغل، مانند خوراک‌ریز و دیلر شویم. این میزان سرمایه ارزش‌افزوده گاوداری شیری است که همه با تسهیلات بانکی راه‌اندازی شده و با تلاش‌های ما به بار نشسته است.

***در کنار گاوداری فعالیت دیگری هم انجام می‌دهید؟**

در کنار گاوداری زمین ۹ هکتاری کشاورزی هم داریم که برای تأمین بخشی از آذوقه دام‌ها در آن یونجه می‌کاریم. البته این میزان تولید یونجه کفاف گاوداری را نمی‌دهد و برای تأمین بخش دیگر خوراک دام سالیانه بیش از ۱۵۰۰ تن ذرت و علوفه نیز از کشاورزان منطقه تهیه می‌کنیم.

گاوداری ما ۴۰۰۰ متر مربع است که حدود ۱۲۰۰ متر مربع آن را فضای سرپوشیده تشکیل می‌دهد. در این گاوداری روزانه دو تن شیر تولید می‌شود. افزون بر این، سالیانه حدود ۵۰ تن گوشت و ۵۰۰ تن کود حیوانی از همین گاوداری به دست می‌آید.

با ایجاد این چرخه تولید که شامل گاوداری و زمین زراعتی می‌شود، توانسته‌ایم برای پنج نفر شغل مستقیم ایجاد کنیم. در زمان برداشت یونجه نیز بیش از ۱۵ نفر به صورت فصلی در زمین کشاورزی ما کار می‌کنند.

***توصیه شما به کسانی که علاقه دارند وارد این فعالیت شوند، چیست؟**

شغل گاوداری شغل پرسودی است؛ ولی علاقه‌مندان این فعالیت باید به چند نکته توجه کنند؛

اول، منطقه جغرافیایی؛ منطقه‌ای که قرار است این فعالیت در آن انجام شود، باید از شهر فاصله داشته باشد تا بتوان مجوزهای بهداشتی و محیط زیستی آن را گرفت. همچنین باید منطقه‌ای خوش آب‌وهوا و دارای خوراک دام باشد تا مجبور به خرید علوفه مورد نیاز و انتقال آن از مناطق دوردست نباشید؛ چون این کار هزینه‌های شما را افزایش می‌دهد و میزان سود حاصله را کمتر می‌کند.

دوم، آشنایی کافی با شغل گاوداری؛ هر کاری به آگاهی و تخصص کافی نیاز دارد. شغل گاوداری نیز از جمله مشاغلی است که اگر افراد بدون تجربه به آن وارد شوند، ممکن است ضررهای مالی بالایی متقبل شوند. در بازار فعلی ارزش هر گاو بیش از ۸ میلیون تومان است.

سوم، شروع کردن فعالیت با تعداد کم؛ گاوداری را پس از کسب مهارت‌های لازم و آشنایی کامل با بازار محصولات تولیدی آن و سنجش میزان درآمد حاصله توسعه دهید. حتی با پنج گاو شیرده هم می‌توان هزینه‌های زندگی یک خانواده را به راحتی تأمین کرد.

چهارم، انتظار یک شبه پولدار شدن را نداشته باشید. این کار سختی‌های خودش را دارد و فرد علاقه‌مند به این حوزه، برای موفق شدن باید پشتکار و تلاش شبانه‌روزی داشته باشد. چه بسا شما چندین شب برای وضع حمل یک گاو از خواب‌تان بزنید یا برای مراقبت از گاو مریض وقت زیادی سپری کنید.

پنجم، خودتان را معاف از کار و فعالیت ندانید. امروزه، هر چند با ابداع ماشین‌آلات گوناگون در حوزه گاوداری و به‌کارگیری نیروهای ماهر در این حوزه، سختی کار برای تولیدکننده به مراتب کمتر از گذشته شده است؛ ولی نباید فکر کنید تنها با استفاده از این ابزار یا با استفاده از کارگر ماهر می‌توانید خودتان در گوشه‌ای بنشینید و درآمد بالایی را کسب کنید.

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

کلید واژه

بیماری هلندی در اقتصاد

بیماری هلندی (Dutch disease) یک مفهوم اقتصادی است که تلاش می‌کند رابطه بین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و رکود در بخش صنعت را توضیح دهد.

در سال ۱۹۵۹ برای اولین بار در هلند ذخایر گاز کشف شد، این موضوع سبب افزایش درآمدهای ارزی در هلند و تقویت بی‌سابقه پول ملی آن کشور شد. ولی این فرصت به دلیل ایجاد رونق در اقتصاد کالاهای مبادله‌پذیر، مزیت تولید دیگر کالاهای صنعتی هلند را تضعیف کرد. در اثر این امر در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ صنایع مهم کشور هلند تقریباً از بین رفتند، یا قدرت رقابت بین‌المللی خود را از دست دادند. به همین دلیل پس از سال ۱۹۷۷ به چنین پدیده‌ای اصطلاحاً «بیماری هلندی» گفته می‌شود.

در چرخه طبیعی و سالم اقتصاد، با افزایش درآمد، تقاضا هم افزایش پیدا می‌کند. اگر این افزایش تقاضا به صورت ناگهانی انجام شود، عرضه جوابگو نبوده و تعادل به هم می‌خورد و در یک روند عادی، قیمت‌ها افزایش می‌یابد و با یک تأخیر زمانی، تولید هم افزایش یافته و در نهایت قیمت‌ها پایین خواهد آمد. اما بیماری هلندی زمانی رخ می‌دهد که دولت در جایگاه متولی اقتصاد کلان وارد کارزار می‌شود و سعی می‌کند از طریقی به جز افزایش تولید، قیمت‌ها را پایین نگه دارد. در واقع، دولت متوسل به واردات کالاهای مصرفی ارزان می‌شود تا قیمت‌ها را مهار کند.

از سویی، سرمایه‌گذاری جدید در آن بخش‌های صنعتی که با واردات قیمت‌شان مهار شده انجام نمی‌شود و سرمایه‌ها به سمت کالاهایی مثل زمین و مسکن هدایت می‌شود، در نتیجه این امر، تقاضای کاذبی برای این کالا ایجاد شده و قیمت آنها با سرعت بیشتر می‌شود و به صورت غیر طبیعی رشد می‌کند.

در ایران نیز این پدیده رخ داده است. در سال ۱۹۷۰ میلادی در اثر جنگ اعراب با صهیونیست‌ها قیمت نفت در جهان چهار برابر شد و بودجه عمومی کشور به دو برابر افزایش یافت. رژیم پهلوی در آن زمان با طرح شعار آموزش رایگان و کاهش قیمت کالاهای اساسی، انتظارات عمومی را افزایش داد، اما به دلیل رشد واردات و کاهش سطح تولیدات داخلی، همزمان با کاهش درآمدهای نفتی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، دوره‌ای از رکود اقتصادی آغاز شد و به دلیل افزایش نقدینگی، نرخ تورم سالیانه کشور تا سال ۱۳۵۷ به طور متوسط به ۳۵ درصد رسید.

پس از انقلاب نیز برخی اقتصاددانان معتقدند تصمیمات اتخاذ شده در دولت‌های نهم و دهم شرایطی را ایجاد کرد که می‌توان گفت اقتصاد ایران دچار بیماری هلندی شد. در این دولت‌ها درآمدهای نفتی به نحو معناداری افزایش یافت و دولت نیز تصمیم به هزینه آن در قالب بودجه گرفت که در نهایت به بروز بیماری هلندی در اقتصاد ایران منجر شد.

درباره راه‌های درمان بیماری هلندی در اقتصاد باید نوشت، نروژی‌ها از بلایی که بر سر هلندی‌ها آمد، درس گرفتند و با تأسیس صندوق ذخیره ارزی، به جای اینکه درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را در بودجه‌های سالیانه ریخته و بودجه را آلوده کنند، آن را به این صندوق فروختند و به بیماری هلندی دچار نشدند. صندوق یاد شده چند کاربرد عمده دارد؛ موجب توزیع مناسب بین‌نسلی درآمد حاصل از ثروت ملی کشور و سبب تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از شوک‌های ناشی از نوسان نرخ ارز می‌شود. همچنین کمک کار دولت در ایجاد کارایی اقتصادی بخش خصوصی و مالیاتی کشور می‌شود. دولت را به دولتی پاسخگو و کوچک و با تمرکز حداقلی بر اقتصاد تبدیل می‌کند و موجب کسب اعتبار جهانی برای کشور و تسهیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور می‌شود.

به ایران ضمانتی نمی‌دهیم

«فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پاسخ به این پرسش که آیا اتحادیه اروپا «می‌تواند حفظ همین سطح فعلی از تجارت با ایران در ماه‌ها و سال‌های پیش رو را تضمین کند، اعلام کرد: «این اتحادیه قادر نیست ضمانت‌های حقوقی و اقتصادی به ایران بدهد؛ اما برای یافتن راهی به منظور حفظ سرمایه‌گذاری‌های پسابرجام اروپایی‌ها در ایران جدی است.»

پژواک

شبکه‌های اجتماعی و سیاست ـ ۵

□ **مهدی فرهادی/** در شماره گذشته درباره تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر انتخابات، مواردی را مورد بحث قرار دادیم. در این شماره ادامه نکات ذکر شده را بیان می‌کنیم؛

۶ـ پیش‌بینی‌پذیری سیاست؛ شبکه‌های اجتماعی سبب شده‌اند که رفتارهای سیاسی مردم، مسئولان و حتی نهادهای بین‌المللی به نحو محسوسی قابل پیش‌بینی باشد؛ از آنجایی که رسانه‌های اجتماعی سبب می‌شوند افراد اطلاعات بیشتری درباره عادت‌ها، دغدغه‌ها و انتظارات خود به نمایش بگذارند، مهندسی آرا و دیدگاه‌های آنان نیز راحت‌تر صورت می‌گیرد و به این ترتیب تهیه محتوای مناسب برای آن فرد راحت‌تر انجام می‌شود.

۷ـ دسترس‌پذیر بودن توده‌ها: رسانه‌های اجتماعی سبب شده‌اند توده‌ها که در گذشته گمنام و کم‌مراجعه بودند، امروزه به راحتی در دسترس تبلیغات سیاسی و انتخاباتی باشند؛ از آنجایی که هر فردی در صفحه خود در رسانه‌های اجتماعی بخشی از اطلاعات خود را منتشر کرده، به راحتی یک دام اطلاعاتی برای خود تهیه کرده و خود را در معرض هجوم کانون‌های تبلیغاتی قرار داده است.

۸ـ اقلیت‌های گمنام: رسانه‌های اجتماعی عرصه بروز اقلیت‌های گمنامی را فراهم می‌کنند که تاکنون امکان عرض اندام سیاسی نداشته‌اند. آنها با سخنان شیرین، عکس‌های معنادار و حتی بیان سرگذشت خود به شکل کاملاً عامیانه می‌توانند برای خود دنبال‌کنندگان و اعضایی را پیدا کنند که بتوانند آنها را وارد گود سیاست کرده و حتی در انتخابات بتوانند آرای مردم را به خود جلب کنند.

۹ـ ایجاد توفان‌های سیاسی: توفان‌های سیاسی در عرصه واقعی و حقیقی به روزها زمینه‌چینی نیاز دارد؛ اما در توفان‌های سایبری مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی ایجاد کمپین‌ها و توفان‌های سایبری در دقایق کوتاهی اثرگذار می‌شود. این توفان‌ها که با علامت # به طور مشخص موضوع خاصی را مورد حمله قرار می‌دهند، در اصطلاح «ترند شدن» نام گرفته‌اند. در حالی که در صنعت مُد و پوشاک، وقتی از ترند شدن یا ترند بودن صحبت می‌شود، همواره منظور افزایش استفاده و رواج یافتن و فراگیر (Popular) بودن است. تعداد لایک‌ها، بازدیدها و به اشتراک‌گذاری‌های یک موضوع بالا می‌رود تا شبکه‌ای مانند فیس‌بوک، اخبار خود را برای دیگر کاربرها نمایش بدهد. به این ترتیب، در یک چشم بر هم زدن همه از موضوع باخبر شده و کنجکاو می‌شوند تا درباره آن اتفاق یا شخصیت بیشتر بدانند. ترندها همچنین یکی از پرکاربردترین ابزارهای توئیتر به شمار می‌آیند، به ویژه در زمینه اطلاع‌رسانی یا خبررسانی از طریق توئیتر و معمولاً ترندهای مهم و روز و سرتیتر خبرها در جست‌وجوهای گوگل به طور اختصاصی نمایش داده می‌شوند.

۱۰ـ اهمیت یافتن افکار عمومی: شبکه‌های اجتماعی سبب شده‌اند که شنیده شدن حرف افکار عمومی برای مردم جهان به یک اصل مهم تبدیل شود. اگر رسانه‌های بزرگ مانع شنیده شدن صدای مردم هستند، این رسانه‌های کوچک هستند که وظیفه اطلاع‌رسانی این سخنان نگفته را به عموم جهانیان عهده‌دار می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی سبب می‌شوند سخن نشنیده‌ای در جهان باقی نماند و مردم سخنان گفته شده خود را در این شبکه‌ها حتی با اشاره یک انگشت که به یک لایک تبدیل می‌شوند، بدون اینکه هویت‌شان گم شود، درباره یک موضوع ابراز دارند.

۱۱ـ تغییر چرخه رایج خبررسانی: چرخه رایج خبررسانی در گذشته بر روی دوش تعدادی از خبرنگاران و رسانه‌ها بود؛ اما امروز همه مردم در عرضه خبر فعال شده‌اند و از همه پستوهای عالم خبرهایی را تولید می‌کنند که در همه عمر اطلاع‌رسانی و خبر سابقه نداشته است. با چنین وضعیتی ما دیگر با آدم‌های خاموش، ساکت و بدون شناسنامه ارتباطی روبه‌رو نیستیم. بیش از نیمی از مردم جهان امروز شناسنامه هویتی مستقل دارند که مواضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان را بیان می‌کند.

کنکاش

گزارش صبح صادق به بهانه هشدار مجدد رهبر معظم انقلاب درباره اجرای مخفیانه سند ۲۰۳۰

جدال دو سند پای تخته سیاه

□ **شهناز سلطانی/** رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۹ اردیبهشت ماه برای چندمین بار به صورت آشکار و با عتاب فراوان درباره اجرای سند ۲۰۳۰ هشدار دادند. ایشان در دانشگاه فرهنگیان فرمودند: «من سال گذشته، رسماً و علناً و با قاطعیت، اجرای این سند انحرافی را منع کردم که با استقبال مسئولان هم مواجه شد، اما شنیده‌ام در بخش‌های مختلف، برخی مفاد سند ۲۰۳۰ در حال اجرا است که این به معنای قرار دادن مهم‌ترین مسئله کشور، در اختیار بیگانگان است. معنی ندارد کشوری همچون ایران با این سابقه و فرهنگ و با این نظام مقتدر، برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را از دیگران بگیرد.»

سند چهار رقمی یونسکو (۲۰۳۰) از وقتی در کشورمان خبرساز شد که رهبر معظم انقلاب اسلامی سال گذشته با نکته‌سنجی دقیق با صراحت از آن نام بردند و نسبت به آن انتقاد کردند؛ سندی که یونسکو در ۱۷ سرفصل آن را تدوین کرده و در اختیار کشورهای عضو خود قرار داده است. یونسکو که از آن به یک نهاد بین‌المللی در عرصه آموزش یاد می‌شود، قرار است با سند ۲۰۳۰ خود شرایط و چگونگی تحصیل و سطح سواد در بین جمعیت کشورهای ذیل خود را ترسیم کند که یکی از این کشورها هم ایران است. البته در یک فاصله زمانی مشخص، یعنی از سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۳۰.

وقتی آذر ۹۵ این سند پرحاشیه با حضور وزیران علوم و آموزش و پرورش رونمایی و رسانه‌ای شد، هرگز تصور نمی‌شد که در بطن خود تا این حد و اندازه مخالفت‌هایی داشته باشد. اما وقتی رهبر معظم انقلاب بی‌پرده از آن سخن گفت، ورق برگشت و نگاه‌ها از خوش‌بینی تمام و کمال فاصله گرفت. هر چند این سند هنوز حامیان پنهانی هم همراه دارد که از موضع خود به هیچ وجه کوتاه نمی‌آیند که گاهی در نیت پافشاری آنها هم باید تردید کرد، ولی هنگامی که رهبر معظم با ریزبینی از آن انتقاد می‌کنند باید در اهداف و شفابخشی این‌گونه نسخه‌های خارجی شک کرد.

اما چرا باید این سند را که مورد تأیید چندین کشور است (البته باید دید چه کشورهایی آن را تأیید و اجرا می‌کنند و چه کشورهایی که خود برنامه‌های یونسکو و بالادست آن سازمان ملل را تدوین می‌کنند زیر بار چنین تعهداتی نمی‌روند.) زیر ذره‌بین برد، آن هم وقتی سرفصل‌ها و اهداف و برنامه‌های آن به نظر پیش برنده است. (از جمله این سرفصل‌ها تضمین کیفیت آموزش فراگیر و عادلانه و ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه، پایان دادن به فقر در تمامی اشکال آن در همه جا و تضمین الگوی تولید و مصرف پایدار) واقعیت این است که شاید بتوان نظام آموزشی هر کشوری را مهم‌ترین نهاد آن کشور قلمداد کرد؛ چرا که بی‌شک اگر قرار باشد کشوری به پیشرفت و توسعه دست یابد، باید از این مسیر عبور کند و اگر در این میانه سر از جایی به غیر از توسعه همه‌جانبه درآورد، پس جایی از این نهاد دچار اشکال و کاستی است که باید بیماری‌یابی و درمان کرد.

از سویی، هر کشوری فرهنگ، خرده‌فرهنگ‌ها، هنجارها و ارزش‌هایی در خود نهفته دارد که مختص همان کشور است. بنابراین نظام آموزشی آن بر همین اساس تعریف می‌شود. پس نمی‌توان نسخه کشور دیگری را برای آن تجویز کرد، چه رسد به تک‌نسخه‌ای برای چند کشور که گاهی پیدا کردن

هنوز سند تحول که برای آن هزینه بسیاری از بیت‌المال، چه مادی و چه غیر مادی صرف شده است، جدی تلقی نمی‌شود و برای اجرای آن مقاومت وجود دارد که البته هر تغییری دشوار است، ولی وقتی به درستی انجام شود، ثمراتش بیش از حد انتظار است

شباهت‌های میان آن به مثابه پیدا کردن سوزن در انبار کاه است و چه بسا فراتر از این. پیدا کردن شباهت میان ما و یک کشور زیر پونزی آفریقا چیزی کمتر از اثبات قضیه فیثاغورث نیست!

وقتی امیرکبیر سنگ بنای دارالفنون را گذاشت، چه بسا می‌دانست با این کار نظام آموزشی را وارد سبک و سیاق جدیدی می‌کند، طوری که آموزش و پرورش به شیوه جدید خود همسن دارالفنون است؛ یعنی ۱۶۸ سال عمر دارد و چهار سال کمتر از این روزگار سپری شده وزارت علوم است. بنابراین در قدمت دو نظام آموزشی کشور (وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم) هیچ شکی نیست؛ اما مسئله این است که چرا با این پیشینه ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم؟ اما اشتباه نکنیم که راه عبور از این کوچه این نیست که مرغ همسایه (همسایه که چه عرض کنیم کدخدا بیشتر برازنده سندنویسان ۲۰۳۰ است!) را غاز بپنداریم.

«شورای عالی آموزش و پرورش» را اگر اتاق فکر نظام آموزشی کشور قلمداد کنیم، اشتباه نکرده و بیراهه نرفته‌ایم؛ شورایی که قدمتی بیش از یک قرن دارد، یعنی ۱۲۰ سال. مهم‌ترین قوانین این شورا را آن هم در سال ۵۸ افرادی صاحب‌فکر همچون شهید رجایی و باهنر تدوین کردند که در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب شد. بنابراین در اهمیت این شورا و تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های آن می‌توان با اطمینان صحبت کرد. از جمله این برنامه‌ها تأییدیه شورای عالی آموزش و پرورش روی برنامه‌ای جامع با عنوان «سند تحول بنیادین» است. سندی که به همت ۵۰۰ نفر کارشناس و صاحب‌نظر در حوزه تعلیم و تربیت در یک کارگروه و در طول هفت سال تدوین شده و پس از تأیید در این شورا به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و هفت سال پیش رئیس‌جمهور وقت کشور آن را رونمایی و برای اجرا ابلاغ کرد. سندی همه‌جانبه‌نگر که حکم قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت کشور را بر پیشانی دارد. سندی علمی و پژوهشی که در آن همه ساحت‌های یک نظام آموزشی مورد کنکاش قرار گرفته و بر همین اساس طرح و برنامه برای آن تعریف شده است. حال با وجود این راهنما اگر مشکلات نظام آموزشی ماچندان رنگ نباخته به این دلیل است که هنوز سند تحول که برای آن هزینه بسیاری از بیت‌المال، چه مادی و چه غیر مادی صرف شده است، جدی تلقی نمی‌شود و برای اجرای آن مقاومت وجود دارد که البته هر تغییری دشوار است، ولی وقتی به درستی انجام شود، ثمراتش بیش از حد انتظار است.

اما اگر بخواهیم بدانیم این سندی که برای تدوین آن چه راه‌های طویل و درازی که نیامده‌ایم چقدر اجرایی شده است و تا چه اندازه نقشه راه بوده است، هیچ کس بهتر از محمد بطحایی وزیر فعلی آموزش و پرورش که خود سال‌های طولانی در شورای عالی آموزش و پرورش بوده است، پاسخ آن را نمی‌داند. وی همین امسال بود که گفت، کمتر از ۳۰ درصد آن اجرایی شده است و البته به نظر، این خوش‌بینانه‌ترین حالت است؛ چرا که برخی از صاحب‌نظران این رقم را کمتر از ۱۰ درصد هم اعلام کرده‌اند.

با این تفاسیر باید گفت، هیچ منطق و عقل سلیمی نمی‌پذیرد وقتی دوای درد یکی از مهم‌ترین نهادهای زیرساخت کشورمان را خودمان آن هم با دست‌های خودمان پیدا کرده‌ایم، چرا آن را از بیگانه‌ای طلب می‌کنیم که قطعاً دلسوزی آنها برای ما در طول تاریخ به اثبات رسیده و باید در آن شک کرد. به علاوه اینکه می‌دانیم با رفتن زیر بار تعهد انجام برنامه‌هایی از این دست (سند ۲۰۳۰) نه تنها به استقلال‌مان خدشه وارد کرده‌ایم که باید پاسخگوی کدخداهایی باشیم که برای تربیت نسل‌های آینده به روش و با اهداف خاص خود، برنامه‌ها دارند.

پایش

تاریخ را نمی‌توان تغییر داد

□ **سید فخرالدین موسوی/** «تطهیر رژیم پهلوی» یک اتفاق نیست. جریان‌های غرب‌زده و مدعی روشنفکری که حسرت فرصت تماماً غربی کردن ایران آن هم تنها در ظاهر و پوسته را که با انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۵۷ از دست رفت، می‌خورند، به دنبال آن بوده و هستند تا سیاهی نزدیک به مطلق دوران پهلوی را سفیدی مطلق نشان دهند. این گروه به اعتبار حافظه کوتاه‌مدت تاریخی ما به بازسازی و اصلاح تاریخ دست زده تا از دیکتاتورهای پهلوی قهرمانان بی‌بدیل بسازند، موضوعی که البته پیشتر فقط در فضای دانشگاهی رواج داشت.

در آن سوی مرزها، شبکه‌های فارسی‌زبان که با سرمایه مردم ایران که سران رژیم پهلوی و باقی‌ماندگان خاندان پهلوی از ایران خارج کرده و به سرقت برده‌اند و البته حمایت مالی ایالات متحده راه‌اندازی شده‌اند، این ماجرا را وارد مرحله جدیدی کردند، که دیگر نمی‌توان نام دلبستگی و تعریف‌های کوچه و بازاری بر آن گذاشت؛ بلکه یک سناریوی جدی است که به شکلی کاملاً حساب شده و با دروغ‌پردازی‌های حرفه‌ای رسانه‌ای در حال پیگیری است، اما فراتر از این تلاش، آنچه موجب تأسف است، اینکه همگام با این جریان خارجی در داخل نیز بعضی از چهره‌های سیاسی با این پروژه همراه شده‌اند. این افراد با برخی از رسانه‌های جریان خاص با این پیش‌فرض و اشتباه محاسباتی که می‌توان با سود جستن از این حربه جریان رقیب را در موضع ضعف قرار داد، به این فضا دامن زدند و به طبع با داغ شدن ماجرای سلبریتی‌های حامی آن جریان سیاسی نیز پای‌شان به میان کشیده شد تا این‌گونه رؤیاپردازی کنند که در سایه طرح این مسئله، اهداف‌شان در دسترس‌تر از همیشه قرار خواهد گرفت؛ اما غافل از آنکه ماجرا جای دیگر در حال طراحی و اجراست و نتیجه این خطای راهبردی در ناآرامی‌های دی ماه سال گذشته خود را نشان داد؛ یعنی عبور از جریان سیاسی مورد اشاره و ستایش و حمایت از دیکتاتور اول پهلوی!

در آن زمان بسیاری از افراد و رسانه‌ها به اشتباه خود پی بردند؛ اما افراد دیگری هنوز هستند که بر این روش پافشاری می‌کنند و تلاش دارند خوب را بد و بد را خوب جلوه دهند و از هیچ قهرمان بسازند. یکی از چهره‌هایی که عنوان دانشگاهی، استاد، فعال سیاسی، تحلیلگر و... را نیز به یدک می‌کشد و از مشهورترین چهره‌های پیش‌برنده این موضوع است، آقای

جریان‌های غرب‌زده و مدعی روشنفکری که حسرت فرصت تماماً غربی کردن ایران را که با انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۵۷ از دست رفت، می‌خورند، به دنبال آن هستند تا سیاهی نزدیک به مطلق دوران پهلوی را سفیدی مطلق نشان دهند. این گروه به اعتبار حافظه کوتاه‌مدت تاریخی ما به بازسازی و اصلاح تاریخ دست زده تا از دیکتاتورهای پهلوی قهرمانان بی‌بدیل بسازند

صادق زیباکلام است. او به صراحت می‌گوید: «ما مدیون چکمه‌های رضا شاهیم.» او حتی نقش انگلیس در روی کار آمدن رضاشاه با وجود اسناد متعدد و متواتر تاریخی را منکر می‌شود و در عین ناباوری می‌گوید: «زمانی‌که رضاخان میرپنج از قریه آق‌بابا قزوین به راه می‌افتاد به طرف تهران که کودتا کند، روح دولت انگلستان و وزارت خارجه آن کشور هم در جریان این کار نبود.» برای زیباکلام و همراهانش موضوع کشف جسد مومیایی دیکتاتور اول پهلوی موقعیت مناسبی برای تکرار این سخنان بود؛ اما این بار این تکرار به جای آنکه مورد حمایت قرار گیرد و تیتر یک شود، به نوعی تقابل در این جریان تبدیل شد؛ تقابلی که روزنامه «شرق» بیشترین سهم را در آن داشت و ابتدا به قلم سردبیر خود، «احمد غلامی» می‌نویسد: رضاخان همچون غالبِ چهره‌های تاریخی دیگر ایران چهره‌ای چندوجهی است. اما آنچه همگان به آن باور دارند و اکثر روشنفکران در آن اتفاق‌نظر، این است که رضاخان دیکتاتوری تمام‌عیار بوده است، گیرم اصلاح‌طلبانی از جمله صادق زیباکلام و تئوریسین‌های «لیبرال» با ایده دیکتاتوری مصلح بخواهند نقاب بر چهره رضاخان بگذارند و تاریک‌ترین وقایع تاریخی آن دوره را با این الفاظ نادیده بگیرند و واقعیت را مخدوش کنند. شاید برای اینکه مخاطبان بتوانند چهره واقعی رضاخان را فارغ از هرگونه پیش‌داوری به قضاوت بنشینند، این گفته گرامشی قابل‌اعتنا باشد: «قیصرگرایی [ها] از اهمیت تاریخی یکسانی برخوردار نیستند. در تاریخ می‌توان اشکال مترقی و مرتجع قیصرگرایی را سراغ گرفت. در تحلیل نهایی، اهمیت ویژه هر یک از این اشکال را صرفاً می‌توان از بستر تاریخ عینی و نه تنها به مدد قوانین جامعه‌شناختی استنتاج کرد. قیصرگرایی زمانی مترقی است که ظهور و حضور آن به پیروزی نیروهای مترقی انجامد. در مقابل، قیصرگرایی زمانی ارتجاعی است که ظهور و حضور آن مؤید پیروزی نیروهای ارتجاعی باشد.» و این تصویرسازی را که ایران نیازمند یک قهرمان تمامیت‌خواه است، یک انتحار می‌داند. این روزنامه همچنین در چند شماره بعدتر بار دیگر با عنوان «در خدمت و خیانت مومیایی» با اشاره به آثار ادبیات مانده از دوران پهلوی اول می‌نویسد: «رضاخان، نمادِ «بورژوازیِ کمپرادور» در ایران و متحد تمام‌عیارِ انگلیس‌ها و عامل اجرای قرارداد ۱۹۱۹، در ابتدا با داعیه «جمهوری‌خواهی» پا به میدان سیاست گذاشت و در برابر قاجاریه به مبارزه پرداخت و برای جلب نظر روشنفکران و انقلابیون نقاب جمهوریخواه بر چهره زد، اما دیری نپایید که با حمایتِ انگلیس‌ها و با هدفِ جلوگیری از نفوذ بلشویسم در ایران، بر تختِ سلطنت نشست و ناگزیر، نقاب از چهره انداخت. سرکوب شدید و گسترده مخالفان از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، به شرحی که کشتار و شدت و حدتِ آن در تاریخ آمده است، حقیقتِ این «قهرمان ملی» را افشا می‌کند. قهرمانی که به‌قولِ آ. سلطان‌زاده دربست در دست ارتجاع بود.» خصلتِ ارتجاعی رویکرد زیباکلام، در داستانِ «آذری غریبِ» او که از قضا در آستانه سال ۸۸ درآمد، خود را بیشتر عیان می‌کند. داستان با این جمله آغاز می‌شود: «هنوز هر بار که وارد کریدورهای دانشکده حقوق و علوم سیاسی می‌شوم و از پله‌های قدیمی که از زمان رضاشاه تا به حال خم به ابرو نیاورده‌اند بالا می‌روم...» باقی داستان بماند، همین تک‌جمله نشان‌دهنده تلقی زیباکلام از رضاخانی است که در خدمت به خلق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را بنا کرد. این رسانه‌ها و جریان مطلوب‌شان نگران بازماندگان سناریوی تغییر کرده تغییر تاریخ برای تطهیر شاهان پهلوی هستند و خود درصدد برآمده‌اند راه را تا پیش از آنکه دیرتر شود، از این جماعت جدا کنند.

ژرفا

واکاوی پروژه نفوذ در سازمان محیط زیست ـ ۳

جاسوسی از منابع استراتژیک آب

□ **محمدرضا فرهادی/** طی سال‌های اخیر، کاووس سیدامامی و تیم او با تشکیل یک سازمان مردم‌نهاد، از مراجع مربوط مجوز دریافت کرده و در برخی اماکنی که به فعالیت‌های نظامی کشور مشکوک بودند، اقدام به تحقیقات علمی روی محیط منطقه می‌کردند. به طور مشخص، نصب دوربین‌های پیشرفته در اطراف مناطقی که به فعالیت موشکی مشکوکند و تجزیه و تحلیل زمین این مناطق، از جمله فعالیت‌های این تیم با هدایت وی بوده است. فناوری GEOINT که در جهان مورد استفاده سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی قرار می‌گیرد، بر اساس تصاویر گوناگون به دست آمده از سطح زمین در نقاط متعدد تغییرات ایجاد شده از سوی انسان در آن مناطق را بررسی می‌کند. با استفاده از این فناوری می‌توان از هر گونه تغییر ایجاد شده انسانی در منطقه مد نظر، از جاده‌کشی، تونل‌سازی و... خبردار شد. به طور مشخص ساخت سیلوی زیرزمینی موشکی یا انبار و شهرهای موشکی، امری است که در هر حال سبب بروز برخی از تغییرات در شکل زمین در اطراف مناطق ساخت می‌شود که شاید خیلی اوقات در تصاویر هوایی یا ماهواره‌ای مشخص نباشد؛ اما تصاویر تهیه شده از زوایای پایین‌تر، مانند همین دوربین‌ها می‌تواند نقطه وصل و کامل شدن جورچین اطلاعاتی و امنیتی طرف مقابل باشد.

با آزمایش خاک یا گونه‌های گیاهی آن، می‌توان متوجه نوع سوخت مورد استفاده در موشک‌های جدید ایرانی و تحولات آن شد. اقدامی که حتی از عهده پرنده‌های ویژه جاسوسی آمریکا، مانند پهپاد آرکیو ۱۷۰ نیز برنمی‌آید.

برخی پرسش‌ها و گزاره‌ها از طریق این ماهواره‌ها یا پهپادها قابل بررسی نبوده است و نیازمند تیم‌های جاسوسی روی زمین هستند؛ پرسش‌هایی از قبیل اینکه یک پایگاه زیرزمینی موشکی، چند خروجی دارد؟ آیا تمام خروجی‌ها فعال هستند؟ نقل و انتقالات اطراف پایگاه مد نظر چقدر حقیقی و چقدر در راستای عملیات فریب است؟ در صورت بروز جنگ و لزوم نفوذ به عمق پایگاه یا نقطه مد نظر بهترین مسیر چه خواهد بود؟ نقطه‌های مناسب برای فرود بالگردها و پرش چتربازها کجا هستند؟ خاک منطقه مد نظر آیا توان پذیرش برخی از هواپیماهای سنگین ترابری با قابلیت فرود در شرایط نامناسب را دارد؟ همه این اطلاعات مسائلی هستند که در کنار تصاویر هوایی و ماهواره‌ای همچنان به نیروی انسانی در روی زمین نیاز دارد.

تیم سیدامامی به دنبال چه اهدافی بودند؟

با توجه به نقش زیست‌محیطی مؤسسه پارسیان، این تیم تمرکز خود را بر روی مسائل زیست‌محیطی قرار داده بود که از قِبَل آن بتواند از مسائل موشکی جاسوسی کند. اهم اقدامات آنها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ـ یکی از زمینه‌های فعالیت سیدامامی و همکارانش در این پرونده، بحث جاسوسی از منابع استراتژیک آبی ایران بوده است. اینکه وضعیت ایران در دهه‌های آتی چگونه خواهد بود، از موضوعات اصلی این تیم و دادن اطلاعات به سازمان سیا بوده است.

۲ـ مبارزه با بحران‌های زیست‌محیطی در ایران همچون تالاب‌ها و قضیه خشکسالی که برای موجه جلوه دادن اقدامات خود از برند سازمان ملل استفاده کردند. یکی از نقاط مبهم پرونده سیدامامی، ارتباطات نزدیک او با فردی به نام «گری لوئیس»، نماینده سازمان ملل در ایران (پست سازمانی: هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل در ایران) است. نکته تأمل‌برانگیز درباره آقای لوئیس این است که در چند سالی که در ایران حضور دارد، علاقه عجیبی به محیط زیست ایران و مسائل محیط زیستی نشان می‌دهد و بارها با مسئولان ارشد سازمان محیط زیست به نقاط بحرانی محیط زیستی، چون تالاب هورالعظیم و دریاچه ارومیه سفر کرده است.

۳ـ داخل کردن کشور به بحران‌های زیست‌محیطی از دیگر اقدامات آنها به شمار می‌آید. یکی از مسائلی که اکنون کشور درگیر آن شده است، مسائل زیست‌محیطی در زمینه خشکسالی است. خشکسالی در دریاچه‌ها و تالاب‌ها به همراه پدیده گردوغبار است. یکی از احتمالاتی که کارشناسان مطرح می‌کنند، دادن اطلاعات نادرست به سازمان حفاظت محیط زیست در بحث مسائل زیست‌محیطی از سوی این تیم و وجود پدیده‌های گردوغبار در استان‌های مرزی کشور است.

انعکاس

گمرک و تولید کالای داخلی

□ **حسین کبیری/** پدیده قاچاق یکی از معضلات اقتصادی کشور است که در این سال‌ها گریبانگیر اقتصاد کلان کشور شده و برای کاهش آثار و پیامدهای آن برنامه‌های متعددی به اجرا درآمده است؛ اما هیچ یک از برنامه‌ها نتوانسته میزان آن را کاهش دهد. ناگفته نماند که نبود اراده راهبردی، رانت و ویژه‌خواری و ضعف زیرساختی دلایل عمده این مسئله است. تداوم این وضعیت به قدری نگران‌کننده است که رهبر معظم انقلاب خطاب به وزیر کار می‌فرمایند: «اگر جای شما بودم یقه خودم را در هیئت دولت پاره می‌کردم.» هدف حضرت آقا این است که دولت به صورت جدی با قاچاق مبارزه کرده و آب را از سرچشمه پاک کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تولید در داخل مبارزه با قاچاق در گمرک است. آمار واردات کالای قاچاق تا حدود ۲۱ میلیارد دلار برآورد شده است و حتی گفته می‌شود بیش از نیمی از محصولات قاچاق از مبادی رسمی وارد کشور می‌شود.

امروزه، اهمیت و تأثیر گمرک در اقتصاد کشورها تا جایی است که کارشناسان مهم‌ترین علل توسعه آلمان را وجود سیاست گمرکی مؤثر و مفید می‌دانند. کشور آلمان با وضع سیستم تعرفه‌ای مناسب از صنایع تولیدی خود حمایت کرد و هرگز اجازه ورود کالاهای بی‌کیفیت و ارزان کشورهای دیگر را نداد. در واقع، نبود سیستم گمرکی مناسب سبب آن خواهد شد که اقتصاد کشورها به دست رقبای خارجی بلعیده شود، بلایی که امروز بر سر کشورهای جهان سوم آمده است. در سال‌های اخیر، بانک جهانی وضعیت گمرکی کشورهای جهان را بررسی کرد تا از آن طریق بتواند بازده گمرکی و شفافیت مرزی کشورها را ارزیابی کند. در گزارش بانک جهانی توسعه‌یافته‌ترین کشورها در ردیف اول یا دهم بازده گمرکی قرار گرفته‌اند. در واقع، این گزارش از تأثیر شگرف گمرک در توسعه اقتصادی حکایت دارد. یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در امر گمرک، کشور سنگاپور است. این کشور از سال ۲۰۰۳ با تغییر ساختار در اداره گمرکی خود توانست بهترین سیستم گمرکی جهان را راه‌اندازی کند و با ایجاد پست‌های بازرسی در زمین، هوا و دریا نقش قابل توجهی در توسعه امروزی سنگاپور برعهده بگیرد. با نگاهی به وضعیت اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به خوبی قابل درک است که قاچاق کالا عامل مهم در عدم توسعه اقتصادی کشور است. در واقع، با مقایسه اعلام گمرک کشورهای صادرکننده کالا به مقصد ایران با آمار گمرک ایران نشان می‌دهد، در سال ۹۵ نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد ایران شده است که این مسئله سبب شده است تولید در کشور به حاشیه رانده شود. به بیان بهتر، بی‌توجهی به گمرک سبب شده است قاچاق کالا از طریق مبادی گمرکی به سهولت انجام گیرد و در نتیجه گمرک به جای توجه به صادرات، مشغول خدمات‌دهی به قاچاق کالا باشد. در واقع، برای رونق تولید ملی همواره باید سیستم گمرکی و مرز اقتصادی کشور با جامعه بین‌المللی را تقویت کنیم. این سیستم باید طوری طراحی شود که به سهولت صادرات صورت گیرد و در عین حال از سیستم تعرفه‌ای مناسبی نیز برخوردار شود.

برای کارآمد کردن و در عین حال تقویت سیستم گمرکی موارد زیر پیشنهاد می‌شود: ۱ـ استفاده از روش‌های کنترلی و نظارتی قوی؛ ۲ـ تجهیز گمرکات به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ ۳ـ اصلاح نظام تعیین ارزش؛ ۴ـ ایجاد امنیت شغلی و ارتقای روحیه خدمتی کارکنان گمرک؛ ۵ـ ایجاد ساختار قوی همچون وزارت یا حداقل اختصاص یکی از معاونت‌های وزارت اقتصاد به اسم گمرک؛ ۶ـ بهره‌گیری مناسب از فناوری اطلاعات و ارتباطات.

گفتنی است، موضوع مهم نبود نگاه راهبردی برای حل این معضل در بین متولیان امر است که باید ابتدا تغییر نگاه و باور در مبارزه با این پدیده صورت بگیرد و بعد راهکارهای اعلامی عملیاتی شود.

سرقت زندگی انسانی در غزه!

خانم آلیس واکر، شاعر، نویسنده و فعال اجتماعی سیاه‌پوست آمریکایی در نامه‌ای خطاب به کودکان غزه، ضمن انتقاد از سیاست رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا می‌نویسد: «جهان به همان سمتی می‌رود که غزه می‌رود. آنچه در غزه رخ می‌دهد، وحشی‌گری، سرقت زندگی انسان‌ها و معیشت مردم است. تمام انسان‌ها به مردم غزه، برای آنچه از سر می‌گذرانند، مدیون هستند. جهان به دلیل غفلت ، در آینده رنج خواهد برد و در آینده همه ما را خفه خواهد کرد.»

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی صاحب جواهر ـ۱

زندگی و زمانه سیاسی

□ **فتح الله پریشان/** محمدحسن نجفی، از فقیهان و اندیشمندان بزرگ قرن سیزدهم است که با تألیف بزرگ‌ترین دائرةالمعارف فقهی به نام «جواهرالکلام» در احیای نظام کامل و جامع اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی بشر کوشیده و به همین دلیل به «صاحب جواهر» شهره است. اندیشه‌های فقهی سیاسی این اندیشمند سترگ که برگرفته از منابع دینی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) است، در راستای ترسیم یک نظام سیاسی مطلوب و ارائه عوامل ثبات و پایداری آن اهمیت ویژه‌ای دارد. ما در این سلسله مقالات تلاش خواهیم کرد دیدگاه فقهی و سیاسی این فقیه بلندمرتبه را با تأکید بر جایگاه ولایت فقیه بررسی کنیم تا پس از تبیین بستر و اهمیت چنین کاوشی، تأثیر آن را در ابواب گوناگون فقهی تحلیل و به این دستاورد نایل شویم که در اندیشه جواهری، ولایت‌مداری فقیهان در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، هسته مرکزی تدبیر و رهبری جامعه را تشکیل می‌دهد تا آنجا که اندیشه ولایی حضرت امام خمینی(ره) به گونه‌ای تکامل علمی و عملی نگرش‌های صاحب جواهر تلقی می‌شود.

محمدحسن دوران کودکی خود را در دامان خاندان علم و فضیلت سپری کرد و کودکی بیش نبود که وارد حوزه علمیه نجف شد. او دروس مقدماتی را به سرعت فرا گرفت و در سایه تلاش زیاد در نوجوانی به درس خارج فقه و اصول راه یافت. محمدحسن سالیان دراز در درس‌های استادان بزرگ، چون آیت‌الله شیخ‌جعفر کاشف‌الغطا، آیت‌الله سیدمهدی بحرالعلوم، آیت‌الله سیدجواد عاملی و آیت‌الله شیخ‌موسی کاشف‌الغطا شرکت کرد و در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید و به تدریس علوم اسلامی همت گمارد. آغابزرگ تهرانی درباره او می‌گوید: «صاحب جواهر این امتیاز را داشت که همه شاگردانش از علمای بزرگ و سرشناس بودند و به گوشه و کنار جهان اسلام پخش شدند و به مرجعیت رسیدند.» تعداد شاگردان حوزه درسی صاحب جواهر را نمی‌توان به شماره آورد. برخی از شاگردان او عبارتند از: آیت‌الله سیدحسین کوه‌کمری، آیت‌الله شیخ‌جعفر شوشتری، ملاعلی کنی و شیخ‌محمد ایروانی.

صاحب جواهر تألیفات متعددی دارد که مهم‌ترین آنها کتاب «جواهرالکلام» است. صاحب جواهر از ۲۵ سالگی شروع به نوشتن آن کرد و طی ۳۲ سال این کتاب را نگاشت.[۱] شیخ انصاری درباره جواهر گفت: «برای مجتهدی که می‌خواهد احکام الهی را استنباط کند، کافی است که جواهر و وسائل‌الشیعه داشته باشد.» صاحب جواهر در اواخر رجب سال ۱۲۶۶ ه.ق به بستر بیماری افتاد و زمام امور دینی را به شاگردش شیخ انصاری سپرد. صاحب جواهر افزون بر چند دختر، هشت پسر دانشمند داشت: شیخ محمد، شیخ عبدالعلی، شیخ عبدالحسین، شیخ باقر، شیخ موسی، شیخ حسین، شیخ حسن و شیخ ابراهیم.

با گسترش اندیشه اخباری‌گری، تفکر مجتهدان اصولی اندک اندک در انزوا قرار گرفت. با ظهور وحید بهبهانی بار دیگر مکتب اصولی رشد یافت و سیدمهدی بحرالعلوم و شیخ‌جعفر کاشف‌الغطا، از شاگردان بهبهانی، مکتب و اندیشه‌های استاد را گسترش دادند. پس از وفات شیخ‌جعفر کاشف‌الغطا و فرزندانش، ریاست حوزه علمیه در اختیار محمدحسن نجفی قرار گرفت. در این میان، بسیاری از علمای شیعه از وی حمایت کردند که می‌توان از کسانی همچون ملا کتاب، شیخ‌محسن خنفر، شیخ‌محسن اعسم، شیخ‌خضر شلال، شیخ‌مشکور حولاوی و شیخ‌حسن صاحب انوارالولایه و فرزند کاشف‌الغطا نام برد.[۲]

مکتب فقهی که محمدحسن از آن پیروی می‌کرد و تا زمان شاگرد برجسته وی، شیخ انصاری نیز کماکان ادامه داشت، وارد کردن قواعد اصولی در شیوه استنباط و اجتهاد است. در مقابل مکتب فقهی جواهر اخباری‌گری قرار داشت که معتقد بود یگانه منبع استنباط فقه شیعه باید کتاب و سنت باشد و وارد کردن قاعده‌های اصولی برای عمل اجتهاد امری باطل است. در دوره‌ای که ایشان می‌زیسته‌اند، به‌تدریج جریان اخباری‌گری رواج پیدا می‌کند. کتاب جواهر به مثابه نماینده تفکر اصولی و نیز اجتهاد اصولی دقیقاً در مقابل کتاب «حدائق‌الناظره» شیخ‌یوسف بحرانی قرار می‌گیرد. وی از استقلال سیاسی مسلمانان و نفی سلطه کافران بر سرزمین‌های اسلامی بر اساس قواعد فقهی دفاع می‌کند. برای نمونه، درباره مرتفع نبودن منازل کفار نسبت به مسلمانان بر این باور است که نباید بنای ساختمان کافر از ساختمان مسلمان بلندتر باشد که مبتنی بر بلندمرتبگی مسلمان است.[۳] وی همچنین معتقد است، فروش بنده مسلمان به شخص کافر صحیح نیست. از موارد دیگری که محمدحسن نجفی در فقه سیاسی به آن باور دارد، ظلم‌ستیزی است. در نظر وی، وجوب رفع ظلم و حکم کردن به عدل حتی در داوری بین یک مسلمان و غیر مسلمان نیز باید رعایت شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ صاحب جواهر فقیه جاودانه، ابراهیم اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، ج اول ۱۳۷۳ ش، صص ۲۱ـ ۲۲.

۲ـ سیدمحسن امین، اعیان‌الشیعه، ج۹، ص ۱۴۹.

۳ـ اندیشه سیاسی صاحب جواهر، سیدسجاد ایزدهی، بوستان کتاب قم، ج سوم، ۱۳۸۶ش، صص۴۲ـ ۴۴.

کتابخوان

بازگشت از نیمه راه

واقعیتی که هم در سنجش‌های علمی به دست آمده و هم در اجتماع قابل رؤیت است، روند نگران‌کننده کاهش سرانه مطالعه در جامعه امروز ایرانی است. بی‌شک یکی از علل این معضل، ناشی از خوب نشناختن کتاب‌ها، یا نشناختن کتاب خوب است.

کتاب «بازگشت از نیمه راه: جریان‌شناسی مخالفت‌ها با نظام و رهبری جمهوری اسلامی ایران» را محمدعلی الفت‌پور در سال ۱۳۹۴ تألیف و منتشر کرده و تاکنون به چاپ سی‌ودوم رسیده است. اگرچه برخی تمایل دارند این کتاب پرفروش را که در شش چاپ ۲۵۰۰ نسخه‌ای ۱۵ هزار نسخه از آن تنها در یک ماه به بازار عرضه شده، با عنوان «تاریخ‌نگاری عامه‌پسند» مورد نقد قرار دهند، اما استقبال از آن نشانه این پیام است که در کانون توجه مخاطبان قرار گرفته است.

مروری بر اسناد، نشان از اسرار و ناگفته‌های جاماندگان قافله انقلاب دارد؛ آنچه در ادبیات رهبر معظم انقلاب بارها تعبیر به ریزش‌های انقلاب می‌شود. البته انقلاب اسلامی رویش‌های جدید و بیشتری از ریزش‌ها در حوزه‌های مختلف دارد که در جای خود قابل بحث و بررسی است. اما موضوع کتاب بازگشت از نیمه راه، بررسی سوابق و سرنوشت سیاسی و اجتماعی ۳۲ چهره انقلابی چون؛ بازرگان، سروش، منتظری، خاتمی و... است که به مرور و کم‌کم با انقلاب و رهبری زاویه پیدا کرده‌اند و به نوعی به ضد انقلابی تبدیل شده‌اند که روزگاری خود در مسیر مبارزه برای رسیدن به آن زحماتی طاقت‌فرسا متحمل شده‌اند.

مطالعه این قبیل کتاب‌ها که با استنادات متقن و تحلیل‌های درست انجام می‌شود در روزگاری که دشمن به دنبال وارونه‌نمایی واقعیت‌های انقلاب اسلامی است، ضرورت امروز نسل جدید، هادیان، مربیان و عموم پاسداران و خانواده‌های آنان است. ما تلاش خواهیم کرد از مطالب این کتاب در ستون جدیدی که به مناسبت چهل سالگی انقلاب در مورد ریزش‌ها ایجاد شده، به صورت سریالی بهره ببریم همچنین می‌توانید جهت خرید پیامکی این محصول، کد محصول، نام و نام خانوادگی، آدرس و کد پستی خود را به شماره ۹۸۱۰۰۰۳۰۲۲ ارسال نمایید.

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی انجمن حجتیه ـ۱۵

فعالیت‌های فرهنگی با اهداف و مسیر انحرافی

سروش

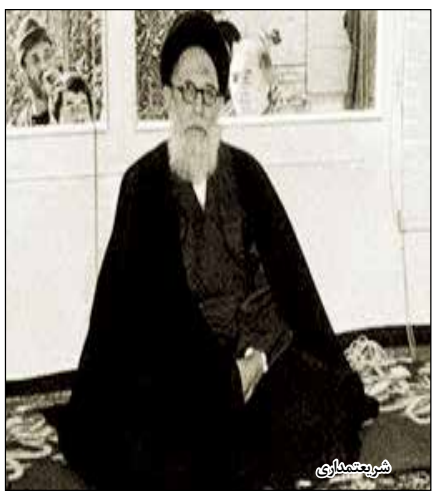
شریعتمداری

□ **عبدالله نوری گلجایی/** در راستای بررسی و مطالعه عملکرد انجمن حجتیه در زمان پهلوی دوم، در این مطلب با فعالیت‌های فرهنگی آنها آشنا می‌شویم. انجمن حجتیه برای کادرسازی، تقویت روحیهٔ مشارکت، ایجاد تفاهم و همدلی در میان اعضا، نظام‌مندکردن فعالیت‌های گروهی و تبدیل آن به فعالیت‌های سازمانی، اقدام به یک‌سری فعالیت‌ها، از جمله ساخت مدرسه، انتخاب دانش‌آموزان مستعد، تشکیل کانون‌های بحث و مناظره می‌کرد، به طوری که تربیت‌شدگان این انجمن در قالب این فعالیت‌ها برنامه‌های انجمن را یاد می‌گرفتند.

۱ـ ساخت مدرسه: انجمن حجتیه به جز معرفی خودش برای اعضای رسمی و خاص، در هیچ جایی خود را با نام انجمن حجتیه معرفی نمی‌کرد و این سنت را تا امروز هم، حفظ کرده است. آنها با ساخت مدارسی مانند مدرسهٔ علوی، مکتب صادقیه، دبیرستان احمدیه و کانون تعلیمات علمی و فرهنگی در شهرهای مختلف اهداف خود را دنبال می‌کردند.

۲ـ انتخاب دانش‌آموزان مستعد: یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که انجمن پیش از برپایی و تشکیل جلسات و کلاس‌های تدریس در زمینهٔ مباحث اعتقادی سرلوحهٔ کار خود قرار می‌داد، جذب نیرو از میان جوانان مستعد و باهوش بود. یکی از مراکز عمده برای شناسایی و جذب نیروهای انجمنی، مدرسهٔ علوی بود. حاج‌فرج دباغ، معروف به عبدالکریم سروش، یکی از همین افراد جذب شده است. وی دربارهٔ چگونگی جذب خود به این انجمن می‌گوید: «من سال ششم دبیرستان بودم، در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ در مدرسهٔ علوی و من در سنین ۱۸ـ۱۷ سالگی بودم. انجمن حجتیه از مدرسهٔ علوی عضوگیری کلانی می‌کرد و برخی از هم‌مدرسه‌ای‌ها و هم‌کلاسی‌های ما که بعداً در عالم سیاست و در جمهوری اسلامی وارد شدند و صاحب مقام‌های بالایی شدند از اینجا پا به انجمن حجتیه گذاشتند.»[۱]

۳ـ ایجاد مکان‌های فرهنگی: بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های فعال در کشورهای مختلف برای نشر عقاید خود و همچنین جذب نیرو، برای ایجاد گستردگی دامنهٔ فعالیت‌های خود، دفاتر یا نمایندگی‌های بسیاری را در شهرهای گوناگون تأسیس می‌کنند؛ انجمن نیز در هر شهری که بهائیت در آنجا فعالیت بیشتری داشت دفتری با عنوان «بیت امام زمان(عج)» راه‌اندازی می‌کرد. این بیت مسئول داشت و زیر نظر گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می‌کرد.[۲]

۴ـ انتشار کتاب: انجمن حجتیه با استفاده از آثار مکتوب خود در میان اقشار مختلف نفوذ می‌کرد. التوحید و العدل، تقریرات شیخ‌محمود حلبی، نشریهٔ انتظار، همگام با انقلاب اسلامی و روزنامهٔ احزاب از جمله کتاب‌ها و نشریاتی بود که به دست هواداران انجمن پیش از انقلاب اسلامی منتشر شد. با بررسی آثار جریان انجمن حجتیه در قبل از انقلاب اسلامی، به این نتیجه می‌رسیم که نگاه و جهت‌گیری نویسندگان این جریان فکری، در دوران قبل از انقلاب اسلامی، همگی همسو با حرکت لیبرالیسم و اباحه‌گری فرهنگی بود؛ زیرا تفکرات مردم را فقط به خطر بهائیت معطوف می‌کرد. این در حالی بود که فرهنگ بی‌بندوباری، فرهنگ اسلام‌ستیزی و اسلام‌گریزی، جایگزین فرهنگ ضد استکباری و استعماری شده بود. از سوی دیگر، آثار آنها از آن نظر که متأثر از سیاست‌های حمایتی از رژیم طاغوت بود؛ با مخالفت طیف عظیمی از انقلابیون و افرادی که پیرو خط حضرت امام(ره) بودند، مواجه می‌شد و پس از انقلاب اسلامی، آثار آنها که بیشتر معطوف به مباحث اعتقادی مانند مفهوم انتظار و مهدویت بود، با رویکردی منفعلانه ارائه می‌شد.

۵ـ راه‌اندازی جلسات بحث، گفت‌وگو و مناظره: یکی دیگر از روش‌های نفوذ انجمن حجتیه، برقراری جلسات بحث، گفت‌وگو و مناظره بود؛ مثلاً، کنفرانسی با عنوان حقانیت اسلام، سالیان بسیاری بود که در نواحی مختلف تهران تشکیل می‌شد و شخصیت‌های گوناگونی مانند شیخ‌محمود حلبی در آن شرکت می‌کردند و در آنجا به طرح مباحث خود دربارهٔ مسائل مذهبی با محوریت مبارزه با فرقهٔ بهائیت می‌پرداختند.[۳]

۶ـ برگزاری جشن نیمهٔ شعبان: یکی از فعالیت‌های بارز انجمن حجتیه پیش از انقلاب برگزاری جشن نیمه شعبان بود، اما انجمن که خود را در مسیر حق دیده و دیگر جریان‌ها از جمله فعالیت‌های ضد استعماری و ضد استبدادی امام خمینی(ره) را برخلاف باورها و اعتقادات خود می‌دانست، در این موضوع نیز با روند انقلاب به مخالفت برخاسته و خلاف رهبری نهضت اسلامی حرکت می‌کردند؛ برای نمونه، در نیمهٔ شعبان سال ۱۳۵۷ حضرت امام خمینی(ره) فرمان دادند: «اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ما عزا شده است، بدون هیچ‌گونه تشریفات، که نشانگر عید و شادمانی باشد، در تمام ایران، در مراکز عمومی مثلاً مسجد بزرگ، اجتماعات عظیم برپا کنند و گویندگان شجاع و محترم مصایب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند.»[۴]

افزون بر این، امام(ره) در آن زمان و در شهر نجف اشرف، حفظ حرمت خون شهیدان را واجب دانسته، برپایی هرگونه جشنی را توهین به مقام والای شهیدان دانستند؛ ایشان در این باره فرمودند: «ما که هنوز مادرهای داغدار جوانان‌مان سیاه‌پوشند، ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزرگ و کشور اسلامی هستیم، جشنی نداریم.»[۵]

اما انجمن حجتیه با اعلامیهٔ امام خمینی(ره) مخالفت کرده و با لحنی توهین‌آمیز سخنان ایشان را چنین به سخره گرفتند: «می‌خواهند تا مسلمانان و دوستان علی و آل‌علی(ع) را از افتخار برگزاری این جشن بزرگ، این جشن مذهبی، این جشن ملی و این جشن انسانی محروم سازند. زهی تصور باطل، زهی خیال محال.»[۶]

انجمن حجتیه به مخالفت کلامی با حضرت امام(ره) اکتفا نکرد و همگام با رژیم ستمشاهی برای مقابله با فرمان ایشان کوشش‌های فراوانی برای برگزاری جشن‌های نیمهٔ شعبان مبذول داشت؛ به طوری که همراه با رژیم در مقابل فرمان امام ایستاد و در تهران و شهرستان‌ها جشن‌های دلخواه خود را برگزار کرد و برای اینکه پاسخی برای عمل خود داشته باشند، هیئتی را به سرپرستی حسین تاجری، از مسئولان انجمن، نزد آیت‌الله شریعتمداری فرستاد و از وی کسب تکلیف کرد.[۷]

با وجود مخالفت جدی امام و انقلابیون، آنها نه تنها هرگز از عملکرد خود در همراهی با رژیم طاغوت در برگزاری مراسم‌هایی مانند نیمهٔ شعبان ابراز پشیمانی نکردند؛ بلکه آن را نقطه قوت خود معرفی می‌کردند. اما امام خمینی(ره) چنین حرکاتی را ولو با اسم قرآن مجید و ولیّ‌الله اعظم، منحرف دانستند و تأکید کردند: «ملت ایران بیدار است و راه خود را یافته و با هوشمندی می‌داند که هر نغمه با هر اسم، او را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است، منحرف کند، شیطانی است. اگرچه با اسم قرآن مجید و یا ولی‌الله اعظم(عج) باشد. ما روزی را جشن می‌گیریم که بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم و دست دودمان ستمکار پهلوی را از کشور قطع نماییم».[۸]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ روزنامهٔ جامعه، شمارهٔ ۱۰۰، ۱۳۷۷/۴/۸.

۲ـ لایه‌های پنهان انجمن حجتیه، همان.

۳ـ آرشیو مرکز اسناد، پروندهٔ شیخ‌محمود حلبی، کد ۱۶۱۵.

۴ـ سیدروح‌الله موسوی‌خمینی صحیفهٔ امام، همان، ج۳، ص۴۲۷.

۵ـ همان.

۶ـ «سالی که ایران عید نیمه‌شعبان ندارد»، محاکمه، دسترسی در: http:/mohakeme.com/news/۱۳۳۱.html، ۱۳۹۳/۳/۲۸

۷ـ اصغر حیدری، آیت‌الله شریعتمداری به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص۹۲۶ـ ۹۲۱.

۸ـ همان.

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت یکصدوچهارم

وام‌گیری بازیگران جنگ نرم از نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی

اسملسر

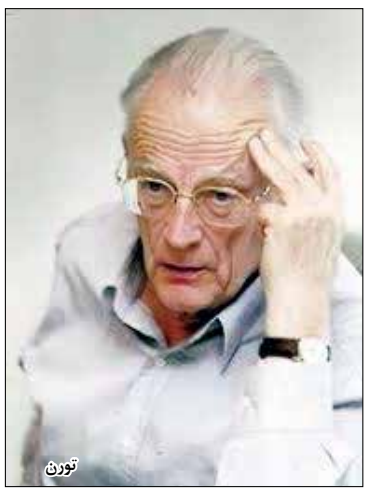
تورن

□ **دکتر سیامک باقری چوکامی/** نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی با خاستگاه غالباً آمریکایی از سال ۱۹۶۰ میلادی توجه نظریه‌پردازان بسیاری را به خود جلب کرده است. ایده‌های این نظریه‌پردازان به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد بهره‌برداری بازیگران جنگ نرم قرار گرفته است. دو نمونه از آنها به شرح زیر است.

نظریه اسملسر و عوامل بروز جنبش‌های اجتماعی

«نیل اسملسر» یک جامعه‌شناس آمریکایی است که در نظریه خود بر شش عامل اساسی مؤثر که سبب بروز و ظهور جنبش‌های اجتماعی می‌شود، تأکید دارد.(قاسمی، ۱۳۸۶، ص ۶۵) این عوامل عبارتند از:

یک ـ زمینه ساختاری: ساختار جامعه باید به گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. در واقع، زمینه ساختاری به شرایط کلی اجتماعی گفته می‌شود که مشوق یا مانع تشکیل انواع مختلف جنبش‌های اجتماعی است.

دو ـ فشار ساختاری: این عامل زمینه‌های ساختاری را فعال می‌کند. نوسانات بازار، جنگ و منازعات گروه‌های اجتماعی از این قبیل هستند؛ زیرا فشار ساختاری به تنش‌هایی گفته می‌شود که سبب ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌شود. برای نمونه بحران اقتصادی در جامعه، افراد را دچار ناراحتی‌های روحی کرده و آنها را با یکدیگر در سرپیچی از نظم حاکم متحد می‌کند؛ لذا تنش ساختاری هنگامی اتفاق می‌افتد که ساختار اجتماعی و شرایط موجود، نیازها و انتظارات افراد را محقق نکند و نوعی نارضایتی در میان جمع منتشر شده باشد.

سه ـ رشد عقاید تعمیم یافته و باور همگانی شده: پیش از اینکه راه‌حلی دسته جمعی برای یک مسئله پیدا شود، نخست همه باید به این باور برسند که وضع موجود غیر قابل قبول است. از نظر اسملسر این اعتقادات ناشی از فشارهای ساختاری است و ممکن است سال‌ها در بطن جامعه وجود داشته باشد.

چهار ـ عوامل شتاب‌دهنده: عوامل شتاب‌دهنده همان حوادث و رویدادهایی است که افراد را به واکنش جمعی برمی‌انگیزاند. این رویداد خاص اغلب با شایعه و مبالغه به صورت برجسته جلوه می‌کند تا زمینه ورود مستقیم کسانی که در جنبش شرکت می‌کنند، را فراهم کند.

پنج ـ بسیج مردم به عمل جمعی: این عامل ناظر بر گروه‌های هماهنگ‌ساز یا رهبری است که سازماندهی و بسیج جنبش اجتماعی را بر عهده دارد. هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد، گروه برای اقدام، بسیج می‌شود. رهبران به پیش می‌آیند و مسیری را برای حرکت معین می‌کنند، یا هنجاری نوظهور را به وجود آورده تا افراد را تحریک به انجام رفتاری مشترک کنند.

شش ـ فقدان کنترل اجتماعی قوی: این عامل مربوط به پاسخ قدرت حاکم سیاسی در برابر جنبش است. در این رابطه مسئولان و مقامات، ممکن است با مداخله و تعدیل زمینه ساختاری و فشار، که انگیزه ظهور جنبش را ایجاد کرده است، به جنبش پاسخ دهند. یا اینکه جنبش با واکنش پلیس و نیروهای مسلح روبه‌رو شود. چگونگی هدایت و کنترل اجتماعی از سوی نخبگان جامعه مشخص می‌کند که آیا جنبشی که شروع شده تداوم می‌یابد، یا اینکه چگونه موفق خواهد شد؟ اگر قدرتمندان جامعه، مصمم به مقابله باشند و پلیس منظم و کارآ و کنترل اجتماعی دقیق و نظارت بر رسانه‌ها همه‌جانبه باشد، جنبش در نطفه مهار خواهد شد، در غیر این صورت امکان دارد جنبش شکل دیگری به خود بگیرد. در هر صورت در مرحله نهایی، چگونگی هدایت کنترل اجتماعی، عامل تعیین‌کننده به راه افتادن و تداوم یا عدم تداوم جنبش به شمار می‌رود.(اسملسر، ۱۳۸۰، ص ۲۶ـ ۲۰)

یافته‌های نظری اسملسر به اشکال مختلف در راهبردهای براندازانه بازیگران جنگ نرم قابل جست‌وجو است. به کارگیری برخی از این یافته‌ها در تحولات سیاسی لهستان، چکسلواکی و اوکراین قابل مشاهده بود.

نظریه تورن و اصول سه‌گانه جنبش‌های اجتماعی

نظریه آلن تورن، جامعه‌شناس فرانسوی توجه بسیاری از نظریه‌پردازان جنگ نرم و بازیگران داخلی و خارجی نبرد نرم را به خود جلب کرده است. او در پایان زمستان ۱۳۸۰ به دعوت عطاءالله مهاجرانی به تهران آمد و معتقد بود: «ایران، مکان ایده‌آلی برای دانشجویان و جنبش‌های دانشجویی به خصوص جنبش دانشجویی دختران است، چون این جنبش نظرگاه خاصی در مورد یک مشکل اجتماعی دارد؛ تحصیل کرده‌اند، مدرن فکر می‌کنند، تفکرات‌شان شکلی جهانی دارد و در پی ایجاد نهادهای سیاسی جدید هستند. به اعتقاد من شما می‌توانید نخستین کشوری در جهان باشید که انقلابی برپایه حمایت از حقوق زنان به وجود می‌آورد؛ چرا که برحسب آنچه دیده‌ام ایران از معدود کشورهایی است که مسئله زنان در کانون مسائل آن قرار دارد. همچنین ابراز کرد که راه تجدّد ایران از مرزهای ترکیه عبور می‌کند. ترکیه برای ما آزمایشگاه است. آزمایشگاه خوبی‌ها و بدی‌های تجدّد و چالش‌ها و برون‌رفت‌های روشنفکران دینی از آن.»(فضلی‌نژاد، همان، ص ۶۱ـ ۴۸)

با توجه به اینکه بخشی از مبانی سیاسی ـ اجتماعی جنگ نرم بر پایه جامعه مدنی و جنبش‌های اجتماعی است و بازیگران جنگ نرم نیز به این نظریه‌ها ازجمله نظریه تورن توجه دارند، آگاهی از نظریه جامعه مدنی یا جنبش‌های اجتماعی آلن تورن گشایش‌دهنده فهم رفتار بازیگران جنگ نرم خواهد بود. تورن معتقد است که موجودیت جنبش‌های اجتماعی بر اصول سه‌گانه زیر مبتنی است:

یک ـ اصل ضدیت یا مخالفت: اصل «ضدیت یا مخالفت» در اندیشه آلن تورن اشاره به عناصری دارد که افراد جامعه با آنها مخالفند، همین عناصر زمینه‌های ساختاری را برای تشکیل جنبش‌های اجتماعی و در نهایت هویت‌یابی این جنبش‌ها فراهم می‌کند. به همین دلیل از نظر وی بیشتر جنبش‌های اجتماعی اهداف خود را با وضع موجود در تعارض می‌بینند و همیشه با وضع موجود مخالفند.

دو ـ اصل هویت: به اعتقاد تورن لازمه جنبش‌های اجتماعی داشتن هویتی مشخص است. هویت جنبش نیز جمع جبری عناصری است که جنبش در مخالفت با آنها شکل گرفته است.

سه ـ اصل همگانی یا عمومیت: از نظر تورن جنبش‌های اجتماعی با توسل به ایده‌ها یا ارزش‌های برتر آغاز به فعالیت می‌کنند. ایده‌ها و آرمان‌های برتری مانند منافع ملی، آزادی، رفاه و خوشبختی جمعی، حقوق انسانی، سلامت همگانی و... عوامل اصلی کنش اجتماعی هستند. به بیان دیگر، جنبش‌های اجتماعی معمولاً برای معرفی «هویت» خویش به اهداف و آرمان‌هایی چنگ می‌زنند که از زمره ارزش‌های مطلق و مورد قبول همگان است، همانند آزادی، استقلال، عدالت، برادری و برابری که آلن تورن برای تشریح این فرآیند از مفهوم «همگانی بودن» سود می‌جوید.(روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱)

یکی از دلایلی که سبب می‌شود بازیگران جنگ نرم به نظریه تورن توجه ویژه‌ای داشته باشند، تمرکز نظریه وی بر تحول است. وی به جنبش‌های اجتماعی به مثابه کنشگران اجتماعی می‌نگرد که تحول را ایجاد می‌کنند. به این ترتیب، جنبش‌ها به سه گروه جنبش‌های تاریخی، جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های فرهنگی تقسیم می‌شوند.

ریزش‌ها

«ریزش‌ها»ی عبرت‌آموز

□ **شهاب زمانی/** یکی از مشابه‌سازی‌ها و شبهات تردیدافکنی که از دهه‌های گذشته به ویژه در سال‌های اخیر، از سوی برخی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی درباره «انقلاب اسلامی» طرح و تولید شده و متأسفانه گاهی از سر جهل یا سودای سود یا قصدی مغرضانه از سوی افراد و جریان‌های سیاسی در محیط‌های علمی برای آن نظریه‌پردازی شده و سپس از طریق تلاش‌های رسانه‌ای و حلقه واسط جامعه روشنفکری و دانشجویی به افکار عمومی جامعه تعمیم و توسعه داده می‌شود، دامن زدن به بحثِ «پشیمانی و ریزش» انقلابیون از اطراف انقلاب و به تبعِ آن سیر مسیر فروپاشی از سوی انقلابِ اسلامی است.

گاهی چنان بر تنور آتش این ناامیدسازی مبتنی بر برداشتی ناقص و غلط از ترمیدور یا حرکت دوری انقلاب‌ها که حاکی از مرحله ارتجاعی انقلاب‌ها و حاکمیت ضدانقلاب‌هاست، دمیده می‌شود که گویی انقلاب اسلامی جشن پیروزی چهل سالگی خود را نخواهد دید. اما امروز انقلاب اسلامی در حالی وارد چهل سالگی؛ دوره پختگی و بلوغ می‌شود که تجربه عبور پیروزمندانه از صدها توطئه، بحران، فتنه و مسیر انحرافی، آن را به قدرتی تعیین‌کننده در مدیریت بحران‌ها در منطقه و جهان تبدیل کرده است. بنابراین انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی کرین برینتون در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» به کلی مستثناست. در انقلاب اسلامی پادزهرِ فرود انقلاب در خود این انقلاب و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» با نقش محوری مردم و مسئله ولایت فقیه و رهبری تعبیه شده است.

از قضا رهبری از ۱۹ سال پیش با تبیین بحث بسیار مهم «ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی» در خطبه تاریخی ۲۶ آذر ۱۳۷۸ آستین همت بالا زده و به خوبی با تبیین وضعیت گذشته، روندها و ترسیم موقعیت کنونی، پوچی نظر و تهی بودن دست دشمن خناس را برای مردم باز کرده است. از منظر ایشان، یکی از سنت‌های طبیعی و الهی در همه زمان‌ها و مکان‌ها درباره تحولات و تحرکات اجتماعی و سیاسی، ریزش‌هاست؛ یعنی به موازات سپری شدن مدت زمانی از شکل‌گیری حرکت، انقلاب یا نظامی سیاسی و اجتماعی، عده‌ای از انقلابیون و صاحبان آن حرکت به دلایل مختلف خسته و فرسوده می‌شوند و از ادامه «راه انقلاب» باز می‌مانند، یا کاملاً از راه رفته برمی‌گردند، یا گاهی در روندی رادیکال‌تر، بنا را بر انهدام بنایی می‌گذارند که خود برای استحکام و استواری‌اش مشقاتی را تحمل کرده و بهترین لحظات از سرمایه تکرارناپذیر عمر خود را صرف آن کرده‌اند.

اما آنچه دشمن نمی‌بیند، یکی دیگر از سنن طبیعی و الهی، یعنی بحث «رویش‌های جدید» است که با ادله مستدل و متقن می‌توان اثبات کرد که در انقلاب اسلامی برخلاف خواسته دشمنان، رویش‌های انقلاب در حوزه‌ها و ساحات مختلف از ریزش‌ها زیادتر هم بوده است و چه بسا یکی از دلایل تعبیر رهبری از زنده، جوان و رو به پیشرفت بودن انقلاب در همین نوشوندگی است.

بی‌شک در چنین فضایی، کسانی که انقلاب را از نزدیک ندیده‌اند، بیشتر در معرض تهدیدات مسموم دشمنان در ارائه الگوهای کاریکاتوری از انقلاب هستند. دشمن امروز می‌خواهد با سوءاستفاده از خلأ معرفتی و شناختی نسل جدید، انقلابی‌نماها را به جای انقلابی‌های واقعی جا بزند و مسیر را به مرور برای نابودی آن فراهم کند. به همین دلیل در چهل سالگی انقلاب به صورت ویژه به جای ستون پردازش، تحت عنوان «ریزش‌ها» به معرفی اجمالی برخی از رجال انقلاب خواهیم پرداخت که در پیمودن مسیر انقلاب با امام زاویه پیدا کردند و نه تنها تا پایان با امام و خلف صالحش نماندند؛ بلکه در پیش گرفتن روند جدایی یا مدعی شدن علیه انقلاب بر صورت گفتمان انقلاب پنجه کشیدند چرا که مروری بر تاریخ انقلاب نشان می‌دهد با معرفی برخی از این انقلابی‌نماها، جاماندگان از قافله انقلاب، منحرفان از راه انقلاب و وادادهها و پشیمان‌ها می‌توان بر حافظه تاریخی نسل‌های جدید، نوری از بصیرت تشخیص حق از باطل و روشنایی انباشت علمی و تحلیلی با جهت درست انقلابی تاباند.

پیروزی معجزه‌آسا

ما نباید فتح‌های بزرگ مثل خرمشهر را از یاد ببریم... رزمندگان عزیز ما نباید این پیروزی معجزه‌آسا را جز با مددهای الهی ببینند و اگر چنین شد، غرور آنها خلاصه می‌شود در اینکه ما مورد عنایت قادر متعال هستیم و از خود چیزی نداریم و آنچه داریم از اوست و باید به راه او نثار کنیم.
(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۸)

درنگ

جماران آغاز راه...

سامانه‌های دفاعی و رزمی، به ویژه سامانه‌هایی چون شناورهای جنگی به این صورت نیستند که یک بار ساخته شده و سپس رها شوند؛ بلکه پویایی این سامانه‌ها در به روز رسانی آنها است. امروزه علم با سرعت در حال رشد است و اگر ما بخواهیم راکد بمانیم، در بحث مهمی مانند رزم در دریا بازنده خواهیم بود.

پس از به آب‌اندازی ناو جماران در سال ۸۸ در حضور فرماندهی معظم کل قوا، ارتباط با شرکت‌های دانش‌بنیان و صنایع حفظ شده و هنوز هم گروه‌های علمی و تحقیقاتی به این ناو آمده و سامانه‌ها را بازرسی می‌کنند. برای نمونه ما الآن در بخش‌هایی از ناوشکن جماران، سامانه‌هایی را نصب کرده‌ایم که نسل پنجم در مقایسه با سامانه‌های نصب شده در سال ۱۳۸۸ هستند و در برخی از بخش‌ها نیز در حال انجام آزمایش سامانه‌های نسل ششم یا هفتم برای نصب بر روی این شناور هستیم که البته به دلایل حفاظتی نمی‌توانیم توضیحات بیشتری درباره آنها ارائه دهیم.

تمام این سامانه‌ها تولید داخل بوده و عموماً با همکاری مراکز دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه یافته است. در حال حاضر ۱۵۰۰ سامانه در این ناوشکن نصب شده است، که هر یک از آنها نه یک دستگاه بلکه چندین دستگاه هستند که به صورت دائم نیز تحت مراقبت و به روزرسانی هستند.

ناوشکن جماران چندین بار با هدف مقابله با پدیده دزدی دریایی و برقراری امنیت خطوط مواصلاتی، به آبهای بین‌المللی سفر کرده است. در ابتدا، این موضوع برای آنها(شناورها و یگان‌های خارجی) جای تعجب داشت، اما امروز یک بعد دیگر حضور جماران در مأموریت‌های بین‌المللی سبب تعجب است و آن اینکه، چگونه کشوری که تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و تسلیحاتی قرار دارد، ناو ساخت خود را به روزرسانی کرده و به مأموریت می‌فرستد. بنابر فرمایش رهبر معظم انقلاب که در دفتر فرماندهی ناوشکن جماران نیز ثبت شده است، «جماران» تنها آغاز راه است.

ناخدا رحیمیان فرمانده ناو جماران

تاریخ حماسه

فتح‌الفتوح رزمندگان اسلام

□ **حمیدرضا میری/** هفده ماه از انجام عملیات ناکام توکل در منطقه پل نادری و شرق رودخانه وحشی کرخه می‌گذشت و دشمن همچنان در منطقه گسترده فکه، شوش، عین‌خوش، چنانه و مناطق دیگری از جبهه جنوب به سر می‌برد، تا سرانجام عملیات فتح‌المبین در چهار مرحله برای آزادسازی بخش وسیعی از خاک میهن و خارج کردن شهرهای دزفول، اندیمشک و جاده اهواز- اندیمشک از برد توپخانه و پایگاه موشکی سنگین و پرکار عراق طرح‌ریزی شد. در عملیات طریق‌القدس زمینه مناسبی برای این کار بزرگ و سرنوشت‌ساز فراهم شده بود.

ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دوم فروردین ماه ۱۳۶۱ یکصد گردان از سپاه و ۳۵ گردان از ارتش ایران، در غرب دزفول و شوش با رمز یا زهرا(س) به قلب دشمن زدند. در مقابل ۱۷۰ گردان از قوای رزمی عراق صف کشیده بودند. نیروهای خودی در قالب چهار قرارگاه عملیاتی سازماندهی شده و از چهار محور شوش، رودخانه کرخه، کوه میشداغ در جاده اهواز- اندیمشک و غرب دزفول حمله را شروع کردند.

با انجام عملیات فتح‌المبین ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک ایران در شمال خوزستان آزاد و دستیابی به چاه‌های نفت ابوغریب حاصل شد.

همچنین شمار ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۱۶۵ قبضه توپ، شماری سلاح سبک و نیمه سنگین، یک پایگاه کامل موشک سام به همراه سه فروند موشک و انبوهی مهمات دیگر به دست رزمندگان اسلام افتاد. این عملیات با فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا سپاه و ارتش و چهار قرارگاه قدس به فرماندهی سردار محمدعلی (عزیز) جعفری، نصر به فرماندهی سردار شهید حسن باقری، فجر به فرماندهی سردار شهید مجید بقایی و قرارگاه فتح به فرماندهی سردار رحیم صفوی و سردار غلامعلی رشید انجام شد.

کارنامه

از اسارت تا آزادی زنان

چهل سالگی

□ **اکبر ادراکی/** زنان به مثابه بخشی از هویت اجتماعی و نیمه‌ای از پیکره جامعه از موضوعات مهم تاریخ بشریت هستند، تاریخی که در اغلب برگه‌های آن، حوادث تلخ و غیرانسانی بسیاری ثبت شده است. دین مبین اسلام را می‌توان پیام‌آور آزادی زن از اسارت زنجیرهایی دانست که روزگاری در قالب بردگی و بی‌اعتباری زن و روزگاری در قالب برهنگی و اباحه‌گری خودنمایی کرده است. البته آنچه در حکومت‌های مدعی اسلام در طول قرون اخیر اتفاق افتاده با آموزه‌های اسلام ناب محمدی(ص) فرسنگ‌ها فاصله داشته است که آخرین آن دوران ستمشاهی پهلوی است.

حضرت امام خمینی(ره) در تحلیل آنچه بر زندگی زنان گذشته است، فرموده‌اند: «زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در دوران جاهلیت و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که داشت بیرون کشید. مورد دیگر در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. با اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم‌ها کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزّت که داشت پایین کشیدند، زن را از آن مقام معنویت که داشت، شی‌ای کردند و به اسم آزادی، «آزاد زنان» و «آزاد مردان» آزادی را از زن و مرد سلب کردند و زن‌ها را و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند.»

رضاخان خیلی زود در مسیر استحاله فرهنگی جامعه ایرانی قرار گرفت و نسخه‌های اربابان انگلیسی خود را به بهانه حرکت در مسیر تمدن‌سازی در پیش گرفت و از مبارزه با مظاهر اسلامی آغاز کرد که اوج اقدامات انحرافی وی کلیدزدن پروژه «کشف حجاب» بود! فرمان کشف حجاب به صورت رسمی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ صادر شد. در این روز، علی‌اصغر حکمت که خود نقش فعال و مؤثری در این ماجرا داشت، در دانشسرای مقدماتی و در حضور رضاشاه جشنی برپا کرد. در این جشن همسر و دختران شاه و جمعی از همسران وزیران و وکیلان بدون حجاب شرکت داشتند. شاه طی نطقی همه زنان را به بی‌حجابی تشویق کرد و اعلام کرد که تاکنون نیمی از جمعیت کشور به حساب نمی‌آمدند؛ زیرا در پرده به سر می‌بردند و ادامه داد که نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست و زن روحاً و اخلاقاً می‌بایست عفیف باشد. از این تاریخ به بعد، استفاده از چادر یا هر سرپوشی، به جز کلاه‌های اروپایی، ممنوع اعلام شد. زنان محجبه حق ورود به خیابان‌ها یا استفاده از وسایل نقلیه را نداشتند. کسبه نیز مجاز به فروش اجناس به زنان محجبه نبودند. آنهایی که جرئت می‌کردند در مقابل این بی‌قانونی خشونت‌بار ایستادگی کنند، با حمله و بی‌حرمتی مأموران شهربانی مواجه می‌شدند.

سیاست‌های پدر از سوی پسر با عناوین دیگر و با سرعت بیشتر دنبال شد. رژیم پهلوی با دست‌اندازی به عبارت آزادی زن، عملاً سیاست‌های خود را در راستای به ابتذال کشاندن زنان و تزلزل در بنیان خانواده‌ها پایه‌ریزی کرد و با اقداماتی که انجام داد، شأن و جایگاه والای انسانی و معنوی زن را به پایین کشید و از زنیت زن و ویژگی‌های جسمانی او سوءاستفاده و زن را استثمار کرد. این اقدام آنها دقیقاً همان اهدافی را داشت که جوامع غربی نیز در راستای همان اهداف آزادی زنان را در برهنگی می‌دانند. با برهنگی زنان و مشغول کردن زنان و مردان به هرزگی، جامعه نیز به فساد کشیده می‌شود و با فاسد شدن جامعه و پرداختن به لذایذ جنسی و مادی، دیگر قدرت تفکری بین مردم باقی نمی‌ماند؛ دیگر قدرت تشخیص حق از باطل از بین خواهد رفت؛ دیگر انسان به دنبال کمال و جاودانگی نخواهد بود و به این ترتیب چپاول دارایی‌های انسان از سوی مستکبران آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد و استثمار و استعمار انسان‌ها اوج می‌گیرد.

در مسیر به فساد کشاندن زنان جامعه خانواده درباریان پیشگام بودند! زنان دربار و همسران محمدرضا در اماکن عمومی و در معرض دید مردم به صورت بی‌حجاب ظاهر می‌شدند و در بسیاری از اوقات حرکات زشت و شنیعی از خود بروز می‌دادند. راه‌اندازی خانه‌های عفاف و کاباره‌ها، برگزاری جشنواره‌ها و مسابقه‌هایی به منظور انتخاب برترین زنان و دختران از نظر زیبایی تحت عنوان «دختر شایسته»، سوءاستفاده از زنان در تبلیغات کالاهای تجاری، سوءاستفاده از زنان در عرصه هنر و سینما و تئاتر، رواج فساد و آزادی روابط دختر و پسر در محیط‌های آموزشی و دانشگاه‌ها از جمله اقدامات رایج در این دوران بود که در نهایت با واکنش ملت مسلمان ایران همراه شد و حاصل آن آغاز نهضت اسلامی و سقوط رژیم پهلوی بود.

انقلاب اسلامی موجب تحولاتی در فرهنگ و ساختار فکری جامعه و به طور اخص زنان شد که جهشی باور نکردنی را در وضعیت آنها پدید آورد و «خودباوری» و «هویت اسلامی» را برای ایشان به همراه داشت. این دو دستاورد زمینه رشد و تعالی زنان را در جامعه فراهم آورد و فرصت حضور آنها را در جامعه پررنگ‌تر کرد تا بتوانند به شکل توانمندتری در همه عرصه‌ها قدم بردارند. البته این حرکت‌های متعالی و مثبت باعث نشد که بنیان خانواده تحت تأثیر قرار گیرد و تهدید شود، بلکه به عکس با افزایش آگاهی بانوان بنیان خانواده و نقش مادرانه آنها تحکیم شد و بعد از انقلاب اسلامی خانواده به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد برای رشد و کرامت انسانی و همچنین زن در یک خانواده به عنوان موجودی انسان‌ساز معرفی شد.

پس از انقلاب اسلامی عرصه‌های مختلفی برای فعالیت اجتماعی زنان فراهم شد، ضمن آنکه سلامت محیط نیز با حفظ کرامت و شخصیت ایشان تضمین شد. یکی از عرصه‌های مهم اجتماعی که زنان توانستند حضور موفقی را در آن تجربه کنند، عرصه دانشگاه و محافل علمی است. مطابق آمار طی سال‌های ۵۵ تا ۵۹، ۱۳ هزار و ۶۹۰ نفر زن در آموزش عالی پذیرفته شدند. این تعداد در سال‌های ۶۵ تا ۶۶، ۵۱ هزار و ۷۷۶ نفر، در سال‌های ۷۵ تا ۷۶، ۱۳۲ هزار و ۲۲۹ نفر و در سال‌های ۸۵ تا ۸۶ به ۳۸۱ هزار و ۸۲۶ نفر رسید. داده‌های مذکور نشان می‌دهد که در آغاز انقلاب اسلامی، حدود یک‌سوم پذیرفته‌شدگان در آموزش عالی را زنان تشکیل می‌دادند و این رشد در سال ۸۵ تا ۸۶ حاکی از رشد ۵۱ درصدی زنان پذیرفته شده در آموزش عالی بود.

البته فعالیت و مشارکت سیاسی زنان نیز در دوران شکل‌گیری نظام اسلامی تغییرات جدی کرده است. زنان در همه سال‌های پس از انقلاب، هم در انتخابات مجلس قانونگذاری شرکت کرده و هم به عنوان نماینده برگزیده شده‌اند. خانم منیره گرجی‌فرد اولین زن نماینده مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی بود. وی از حوزه انتخابی تهران به مجلس راه یافت و به عضویت گروه سوم آن درآمد. این گروه اصول مربوط به حقوق ملت و نظارت عمومی را بررسی می‌کرد. مشارکت زنان در احراز سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی قابل توجه است. در ادوار انتخابات مجلس شورای اسلامی زنان توانستند به مجلس راه یابند.

با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) تدوین شد و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید.

رویش

الگوی متانت و نجابت

□ **مهدی دنگچی/** یکی دیگر از رویش‌های انقلاب اسلامی دلاورمردی از دیار لرستان بود که در روستای «دره گرگ» بروجرد به دنیا آمد و زودتر از آنچه گمان می‌رفت بزرگ شد و خود را برای مبارزه با دژخیم پهلوی آماده کرد. میرزای ۱۷ ساله که مخالف خدمت در نظام ستمشاهی بود، از خدمت سربازی گریخت و برای دیدار حضرت امام(ره) راهی «عراق» شد. در بازگشت دستگیر شد و به مدت شش ماه، در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم به سر برد.

با اتمام سربازی به طور جدی مبارزات سیاسی- نظامی خود را آغاز کرد و با چند نفر از همراهانش گروه توحیدی صف را راه انداخت. اعضای مسلح این گروه در تسخیر کلانتری‌ها، پادگان‌ها و دیگر نقاط تحت تصرف رژیم پهلوی تا ۲۲ بهمن ماه نقش مهمی را برعهده داشتند. گروه توحیدی صف در کنار شش گروه مبارز دیگر به توصیه رهبران انقلاب، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را برای دفاع مسلحانه از انقلاب و مقابله با گروهک‌های انحرافی و جریان منافقین راه‌اندازی کردند که در آن بروجردی از شخصیت‌های کلیدی به شمار می‌آمد.

بروجردی در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمانی که عوامل داخلی ابرقدرت‌ها، فتنه و آشوب را در مناطق کردنشین به راه انداختند، با فرمان تاریخی حضرت امام(ره) مبنی بر مقابله و سرکوب ضد انقلاب عازم پاوه شد. حضور وی در کردستان منشأ خیرات و برکات زیادی شد. پس از تصویب طرح تشکیل سازمان «پیشمرگان مسلمان کرد»، مسئولیت این کار از رهبران انقلاب به ایشان سپرده شد. اقدامات مؤثر این تشکیلات در کردستان، سازماندهی ضد انقلاب و نقشه‌های مزورانه اجنبی‌پرستان را به هم ریخت و آرزوی ایجاد اسرائیل دوم در کردستان را در دل آمریکا و ایادی‌اش دفن کرد. او که در این مدت با تشکیل یک ستاد عملیاتی در شمال غرب، فرماندهی پاسداران و بسیجیانی را که به کردستان می‌رفتند برعهده گرفته بود، موفق شد بیشتر مناطق آلوده را پاکسازی کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای که آن روزها در جایگاه نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع در مناطق حساس غرب حضور مستقیم و مستمر داشت درباره شخصیت برجسته شهید بروجردی می‌فرمایند: «مرحوم شهید بروجردی بسیار فعال بود. یک بار در سال ۱۳۵۹ یا اوایل ۱۳۶۰ رفتم منطقه غرب. ایشان آنوقت در باختران بود و من از نزدیک شاهد کار او بودم. اما چیزی که از شهید بروجردی در آنجا احساس کردم و یک احترام عمیقی از او در دل من به وجود آورد، این بود که دیدم این برادر، با کمال متانت و با کمال نجابت، به چیزی که فکر می‌کند، مسئولیت و وظیفه است.»

محمد بروجردی چنان مجذوب مردم کردستان شده بود که به وی لقب «مسیح کردستان» را داده بودند. شهید بروجردی برای همیشه در کردستان ماند و در جایگاه فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء امنیت کردستان و غرب کشور را برای مردم مظلوم و محروم این مناطق تأمین کرد، تا اینکه در تاریخ اول خرداد ۱۳۶۲ در حالی که با عده‌ای از همرزمانش در مسیر جاده مهاباد، نقده حرکت می‌کردند بر اثر انفجار مین به آرزوی دیرینه‌اش رسید و به فوز عظیم شهادت نائل شد.

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان- ۱۸۸

فتنه‌های بعد از سال ۸۸

□ **سید مهدی حسینی/** چنانکه گذشت پس از ماجرای فتنه سال ۸۸ و سفر امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به شهر مقدس قم و حضور در جمع علما، مدرسان و طلاب حوزه علمیه و انجام سخنرانی‌های متعدد و دیدارها با جمعیت‌های علمی متعدد و ایراد بیانات روشنگرانه و بصیرت‌افزا، معظم‌له بر فعالیت‌ها در راستای حفظ نظام تأکید کردند. امام خامنه‌ای در این ایام همواره خطر توطئه‌های دشمن را یادآور می‌شدند و بعضاً از فتنه بزرگ‌تری نسبت به فتنه سال ۸۸ نام می‌بردند. به نظر می‌آید که نقطه شروع از سال ۹۰ بود و یک سلسله اقداماتی به صورت جزیره‌ای، اما مرتبط به هم انجام گرفت و حوادث غم‌انگیزی را رقم زد که برای امام خامنه‌ای و امت مسلمان بسیار تأسف‌برانگیز بود. یکی از شاخص‌ترین انها ترور دانشمندان هسته‌ای و نخبگان انقلابی جامعه بود. اگرچه در ابتدا سعی فراوانی کردند تا نخبگان را در محاصره و تحریم علمی قرار دهند و پس از چندی روند جذب آنها را در پیش گرفتند و رفتار خبیثانه‌ای از خود نشان دادند، اما ناکام ماندند؛ چرا که آنها جوشیده از ملت ایران و به ارزش‌های اسلامی و ملی متعهد و معتقد بودند. در واقع آنها عزم راسخ خود را جذب کرده بودند که گام‌های بلندی در راستای استقلال و خودکفایی کشور بردارند و در حد توان ضعف‌های علمی کشور را جبران کنند. آنها در بحث انرژی هسته‌ای تلاش فراوانی کردند تا بنیان علمی کشور دور از وابستگی‌ها باشد. دشمنان به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی با استفاده از نفوذی‌های‌شان در دستگاه‌ها و قرار دادن عوامل‌شان اراده کرده بودند دانشمندان هسته‌ای ایران را از سر راه بردارند. البته پیش از سال ۸۸ هم عده‌ای از چهره‌های علمی به طور مشکوکی دچار مسمومیت‌ها و ترورهای بیولوژیکی شدند، مانند دکتر آشتیانی که این روش آنها بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. اما از سال ۹۰ برخی از دانشمندان هسته‌ای مانند دکتر شهریاری، احمدی‌روشن یا رضایی‌نژاد مورد هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند و بسیاری از دانشمندان دیگری که در عرصه‌های مهندسی و علمی در برنامه‌های‌شان بود که الحمدلله نقشه آنها با هوشیاری نیروهای اطلاعاتی و امنیتی خنثی شد.

در روند توطئه‌ها یکی از دسیسه‌های استراتژیک دشمن، به خصوص در فتنه ۸۸ مدیریت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها بود که به سرعت راه ناکارآمد کردن آن در دست گرفته شد، اما تمام نشد، بلکه به شکل فضای مجازی خیلی فعال‌تر شد و با به‌کارگیری امثال تلگرام و دیگر شبکه‌های خبررسانی علیه انقلاب و ارزش‌ها نظام ورود پیدا کردند و از این طریق بسیاری از جاسوس‌ها را جابه‌جا کردند و در واقع خطوط ارتباطی جایگزین جاسوس‌ها شدند و این‌گونه کار آنها تسهیل‌تر شد. روشی که تا حدودی هم موفق به ضربه زدن شد. اما امام خامنه‌ای تدابیری اندیشیدند و دستگاه‌ها موظف به اقدام پیشگیرانه‌ای در این زمینه شدند و فعالیت‌های خوبی انجام گرفت، اما دشمن در سال ۹۰ در ماجرای ترورها و با استفاده از عوامل نفوذی‌ها سعی داشتند دانشمندان فنی و مهندسی ما در عرصه‌های دفاعی را مورد هدف قرار دهند، از جمله آنها چهره فعال و بی‌نام و نشانی همچون حسن طهرانی‌مقدم بود، که در حالی او را شناسایی و ردیابی کردند که اصلاً در جامعه شناخته شده نبود، اما دشمن سال‌ها ردّ او را گرفته بود. او که در راستای ساخت و پرتاب موشک هنرمندانه امور دفاعی کشور را پیش می‌برد و هرگونه تهدید دشمنان را خنثی می‌کرد، گمنام بود، به شهادت رسید. این حادثه برای امام خامنه‌ای غم سنگینی بود که در پیامی به این مناسبت مرقوم فرمودند: «حادثه خونین در یکی از مراکز پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به شهادت جمعی از عناصر ممتاز آن سازمان و در پیشاپیش آنان سردار عالی‌قدر، دانشمند برجسته و پارسای بی‌ادعا سردار حسن طهرانی‌مقدم انجامید، واقعیتی تلخ و اندوه‌بار بود. آن جان‌برکفان نستوه با سینه گشاده و عزم راسخ همواره به پیشباز خطر شتافته و در دوران دفاع مقدس و پس از آن، هرگز احساس خستگی به خود راه ندادند. شهادت، بی‌شک برترین آرزوی آنان بود... ما همه در غم این عزیزان با خانواده‌های گرامی آنان شریک و همدردیم...»

در آیینه تاریخ

محافظان امام(ره)

مروری بر اقدامات انقلابی گروه توحیدی صف در مبارزه با رژیم پهلوی

□ **مهدی حسن‌زاده/** در ابتدای دهه ۱۳۵۰، در حالی که رژیم ستمشاهی حاکمیت مطلقه خود را بر کشور گسترانیده بود و با تسلط دستگاه‌های امنیتی و پلیسی فضا را برای هرگونه انتقاد و نظر مخالف به تنگ آورده بود و با سرلوحه قرار دادن توسعه غربی و گسترش فرهنگ غرب می‌خواست نشانه‌ای از دینداری و اسلام در این سرزمین نماند، جوانانی در دامان مطهر مادران این سرزمین تربیت یافتند که عشق‌شان به اسلام و وطن آنها را وارد عرصه مبارزه و جهاد علیه دستگاه فاسد حاکم کرد.

محمد بروجردی و جمع دوستانش از جمله این جوانان بودند که در محله مولوی از محله‌های جنوبی و فقیرنشین تهران زندگی می‌کردند و گروهی را برای مبارزه با رژیم طاغوتی به وجود آوردند. محمد بروجردی ۱۶ ساله رهبری و هدایت جمع را برعهده داشت و آشنایی با توضیح‌المسائل حضرت امام(ره) زمینه‌ساز ورود این جمع به عرصه مبارزه سیاسی شد. این گروه در کنار توزیع اعلامیه و نوارهای سخنرانی حضرت امام(ره)، با افکار انقلابی و مبارزاتی ایشان نیز آشنا شده، در مدت زمان کمی توانست با تهیه امکانات قابل توجه، حیطه فعالیت خود را به شهرستان‌ها نیز گسترش دهد.

در سال ۱۳۵۵، گروه توحیدی صف وارد مرحله مبارزات مسلحانه می‌شود و تصمیم می‌گیرد با مسلح کردن گروه و تهیه سلاح اقداماتی را علیه رژیم انجام دهد. آشنایی با مصطفی تحیری، افسر فراری ارتش که در مسائل نظامی تبحر خاصی داشت، گام مهمی در فعالیت‌های مسلحانه گروه صف بود که با حضور وی دوره‌های آموزش نظامی گروه آغاز شد. گفتنی است، تحیری، مسئولیت آموزش نظامی گروه را برعهده گرفت.

ملاقات با حضرت امام(ره)

گروه توحیدی صف با توجه به پرسش‌های فراوانی که طی مبارزه مطرح شده بود، تصمیم گرفت از نزدیک با حضرت امام(ره) ملاقات کرده و پاسخ‌های خویش را از ولی فقیه زمان دریافت کند. در اواخر سال ۵۶، شهید بروجردی موفق می‌شود از مرز گذشته و به محضر حضرت امام(ره) شرفیاب شود. امکان ملاقات فراهم می‌شود. در این جلسه ابتدا توضیحاتی درباره اوضاع سیاسی- اجتماعی ایران داده شد و سپس حضرت امام(ره) توضیحاتی را بیان کردند. ایشان در قسمتی از بیانات خویش درباره مقابله با ارتش چنین گفتند: «شما هنوز ارتش را نشناخته‌اید. ما باید بین ارتشی‌ها تفاوت قائل باشیم. این کار شما ارتش را عملاً به سوی شاه سوق خواهد داد و شاه انگیزه پیدا خواهد کرد که ارتش را مقابل شما قرار دهد. در میان ارتش افرادی هستند که تمام وجودشان تعلق به اسلام و ملت دارد.» سپس آیه ۱۹۰ سوره بقره را تلاوت کردند: «وقاتلوا فی سبیل‌الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین». پس از این دیدار و مخالفت حضرت امام(ره) با عملیات نظامی علیه ارتش، حمله و ضربه زدن به مستشاران نظامی آمریکایی در دستور کار قرار می‌گیرد.

انفجار هتل خان‌سالار

با اوج‌گیری نهضت اسلامی ملت ایران پس از ۱۹ دی ماه ۵۶، گروه توحیدی صف نیز بر فعالیت خود می‌افزاید. هتل خان‌سالار بالاتر از میدان آرژانتین، نرسیده به ساختمان تلویزیون واقع بود که به محلی برای تفریح و عیش و نوش آمریکایی‌ها تبدیل شده بود. آن روز (۱۳۵۷/۵/۲۲) مصطفی تحیری و عباسعلی احمدی مأموریت داشتند «خان‌سالار» را با بمبی دست‌ساز که در ساکی جاسازی شده بود، به آتش بکشند. این عملیات که برای اجرای آن زمان زیادی صرف شده بود، سرانجام با به هلاکت رسیدن ۷۰ نفر به پایان رسید، ولی متأسفانه عباسعلی احمدی بر اثر انفجار شهید شد و نام وی به منزله اولین شهید گروه توحیدی صف به ثبت رسید. فردای آن روز، اولین اطلاعیه نظامی گروه صف منتشر و به مستشاران آمریکایی هشدار داده شد تا ایران را ترک کنند.

انفجار بالگرد شنوک در آسمان شهر اصفهان

برنامه دیگر گروه به منظور ایجاد ناامنی برای مستشاران آمریکایی، طرح انفجار بالگرد حامل آمریکایی‌ها بود. بمب از طریق کارکنان هوانیروز به داخل بالگرد منتقل می‌شود. ۱۵ دقیقه پس از سوار شدن مستشاران آمریکایی، بالگرد بر فراز آسمان شهر اصفهان منفجر می‌شود و کلیه افراد آن به هلاکت رسیده، لاشه آن در حوالی شهر به زمین می‌افتد.

حمله به مینی‌بوس حامل مستشاران آمریکایی

بعدازظهر همان روز یک مینی‌بوس از ستاد نیروی هوایی وارد خیابان پیروزی شده و به شمال شهر تهران می‌رفت. این مینی‌بوس حامل مستشاران نظامی آمریکایی بود که از سوی گروه صف شناسایی می‌شود و مصطفی تحیری به همراه حسین شکوری آن را با نارنجک دستی که از پنجره نیمه‌باز به داخل انداخته شده بود، منفجر می‌کند و اجساد هفت آمریکایی بر زمین می‌افتد.

محافظت از امام(ره)

یکی از دغدغه‌های انقلابیون در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی هنگام ورود امام(ره) به کشور بود. تصمیم‌گیری درباره سپردن اقدامات امنیتی به ویژه محافظت از جان حضرت امام(ره) به گروهی که توانایی انجام این امر خطیر را داشته باشد، بر عهده شورای انقلاب بود که جلسه‌ای با حضور آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتح، مهندس بازرگان تشکیل شد. در این جلسه که مسئولان سازمان مجاهدین خلق (مسعود رجوی، مهدی ابریشم‌چی، موسی خیابانی) نیز حضور داشتند، ابتدا طرح آنها بررسی شد. درخواست آنها تهیه اسلحه بود و اینکه پرچم و آرم سازمان در طول مسیر مراسم نصب شود و هیچ کس در تصمیمات نظامی آنها دخالت نکند.

شهید بهشتی طرح گروه توحیدی صف را که از توانایی بالای گروه حکایت می‌کرد، تشریح کرد. توانایی مسلح کردن ۴۰۰۰ نفر، استفاده از ده دستگاه اتومبیل ضدگلوله، بهره‌گیری از سلاح‌هایی چون موشک‌انداز و آر.پی.جی برای مقابله با مقاومت احتمالی تانک‌ها و...، در آخر اینکه نامی از گروه توحیدی صف به عنوان مجری طرح برده نشود!

در نهایت با توجه به برتری‌های آشکاری که طرح پیشنهادی گروه توحیدی صف نسبت به سازمان مجاهدین خلق داشت، تصمیم شورای انقلاب بر این شد که گروه توحیدی صف عهده‌دار این وظیفه خطیر شود؛ افتخار بزرگی که به نام این گروه در تاریخ انقلاب به ثبت رسید.

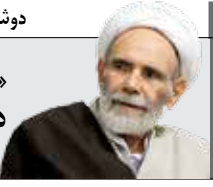

«بی‌حیا» دین ندارد

آیت‌الله مجتبی تهرانی می‌گوید: ممکن است برخی بخواهند اعمال وقیح خودشان را توجیه کنند، ولی شما فریب این چیزها را نخورید و بدانید که اینها از عدم تعادل قوای نفسانی نشئت گرفته است. یک نفر «آدم بی‌حیا و بی‌شرمی» است، اما می‌گویند: «مهم نیست، ادبیّاتش خوب نیست یا بدسلیقه است»؛ در حالی که «لَا إِیمَانَ لِمَنْ لَا حَیَاءَ لَهُ». در روایتی پیغمبر(ص) می‌گوید: «لا دینَ لِمَن لا حَیاءَ لَه»؛ هرکس حیا ندارد، اصلاً دین ندارد.

آیینه خواص

عثمان‌بن‌حنیف-۲
تعلیم توسل

طبق روایتی که از عثمان‌بن‌حنیف نقل شـــده است، نابینایی طبق تعلیم پیامبر اکرم(ص)، به ایشان متوسل شد و بینایی خود را به دست آورد. جریانی در اسلام که با توسل و زیارت قبور اولیای خدا مخالف هستند و آن را اشتباه می‌پندارند، در پاســخ به این روایت گفته‌اند که توسل در دوران حیات پیامبر اشکالی ندارد، اما پس از رحلت و شهادت ایشان دیگر جایز نیست!

اما شـــیعیان و بخش مهمی از اهل ســـنت این کلام را نمی‌پذیرند و در جای خود به آن پاسخ داده‌اند که در این نوشتار برای پاسخ، به نقل دیگری از عثمان‌بن‌حنیف بسنده می‌شود.

طبرانی از عثمان‌بن‌حنیف نقل می‌کند:

«مردی به جهت درخواستی، مکرر نزد خلیفه سوم می‌رفت، اما به او توجهی نمی‌شـــد. آن مرد به عثمان‌بن‌حنیف مراجعه کرد و مسئله‌اش را با او در میان گذاشت. عثمان‌بن‌حنیف به او گفت وضو بگیر و به مسجد برو و دو رکعت نماز بگذار. سپس این دعا را بخوان: «بنبینا محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم نبی‌الرحمه، یا محمد إنی أتوجه بک إلی ربی فتقضی لی حاجتی.» سپس خواسته‌ات را بگو. مرد رفت و همین کار را کرد. آنگاه به سوی خانه عثمان رفت دربان بیرون آمد و دست او را گرفت و نزد عثمان‌بن‌عفان برد. عثمان او را احترام کرد و خواسته‌اش را بر آورد. سپس عثمان گفت من همین حالا به یاد خواسته تو افتادم و از این به بعد هرگاه خواسته‌ای داشتی نزد ما بیا. آنگاه مرد نزد عثمان‌بن‌حنیف رفت و از او تشکر کرد. عثمان‌بن‌حنیف گفت این سفارش از من نبود، روزی خدمت رسول خدا بودم، مرد نابینایی نزد ایشان آمد و از پیامبر خواست برای بازگشت بینایی‌اش دعا کند. پیامبر(ص) همین دستور را به او دادند، مرد نابینا پس از انجام این دستور، در حالی که چشمانش می‌دید به ما ملحق شد.»

از آنجایی که طبق نظر اهل عامه و تمام صحابه رســـول خدا عادلند و با توجه به اینکه عثمان‌بن‌حنیف از صحابه است، پس عدالت عثمان‌بن‌حنیف امری قطعی نزد ایشان است. چنانچه در کتب روایی مهم اهل سنت روایاتی از جناب عثمان نقل شده است. البته ابن تیمیه هنگامی که از سر لجاجت بنای نقد شیعه را دارد، این اصل مهم نزد اهل سنت را نیز ندید می‌گیرد و به عثمان می‌تازد!

از روایـــت دوم این‌گونه فهمیده می‌شـــود که گویا صحابی جلیل‌القدری، مانند عثمان، برداشـــتش از روایت نبوی این بوده اســـت که توسل جستن به پیامبر تنها به زمان حیات ایشـــان محدود نمی‌شود. به نظر، اگر چنین فهمی در آن زمان شـــایع بود، ابن حنیف با توجه به تقوا و جایگاه علمی‌اش هیچ‌گاه چنین سفارشـــی را بیان نمی‌کرد. از فحوای روایت این‌گونه برداشت می‌شود که توســـل به پیامبر(ص) در آن زمان امری روشن بوده است؛ چنانچه آن فرد نیز بدون اعتراض و شـــبهه‌ای به دستورالعمل عثمان عمل می‌کند. در نتیجه از مجموع این دو روایت می‌توان این‌گونه بیان کرد که توســـل به پیامبر(ص) به طور مطلق جایز اســـت و فرقی ندارد به ذات و وجود مبارک ایشـــان توسل جســـت یا به مقام و جایگاه ایشان. از سوی دیگر، در توسل به ایشان فرقی در دوران حیات و ممات نیســـت. همچنین در توسل جستن تفاوتی میان حوایج دنیوی و معنوی وجود ندارد.

ضمن اینکه به اعتقاد شـــیعیان و مسلمانان راستین پیامبر اعظم، زنده و نزد پروردگار متنعم است! ضمن آنکه اگرچه این روایت توسل به نبی مکرم را ثابت می‌کند؛ اما طبق دیگر آیات و روایات همین‌گونه توسل را می‌توان نسبت به دیگر اولیای الهی و ائمه معصوم نیز داشت.

دریچه

امنیت اجتماعی زنان

این روزها در شـــبکه‌های اجتماعـــی هشـــتگ «امنیـــت اجتماعی زنان» حسابی داغ است.

مرتضی قربانی با انتشـــار تصویر گذرنامه یک خبرنگار زن خارجی دربـــاره وضعیت امنیت اجتماعی زنـــان از وی این‌گونه نقل قول کرده اســـت: برخلاف آنچه رسانه‌ها نشان می‌دهند من احساس امنیت بیشتری در ایران داشتم تا نیویورک. من در سفرهایم به شهرهای مختلف، دوســـتانی پیدا کردم و توانستم با اطمینان در خیابان‌ها قدم بزنم، آنها سعی می‌کردند به من کمک کنند و آزاری به من نرساندند.

یار مهربان

دوره ۱۵ جلدی «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»

شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد، نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی از جمله شـــهدای حادثه تروریســـتی هفتم تیر است. تحصیلات در حوزه طب، ســـطح مقدمات حوزوی و ادبیات عرب ســـبب شـــد تا وی بتواند پژوهش‌های خوبی در این حوزه داشـــته باشد. پاک‌نژاد رســـاله دکتری خود با عنوان «تمام برنامه‌های پزشـــکی در اسلام» در انطباق آموزه‌های اسلام با یافته‌های علمی روز را با درجه ممتاز گذراند. هر چند او با استناد به آیات و روایات مهر تأییدی بر یافته‌های بشـــر می‌زد؛ اما نمی‌خواســـت نظریه‌ها و فرضیه‌هـــای جدید دانشـــمندان را به هر قیمتی با احکام اســـلامی تطبیق دهد؛ از این رو معتقد بـــود «ما نمی‌خواهیم آیات قرآن را با نظریه‌ها و تئوری‌ها و حدسیات علمای غرب تطبیق کرده و مســـرت خود را با این عنـــوان که خدای نکرده آیه‌ای از قرآن به یادداشت و پیش‌نویس فلان دانشمندی تأیید می‌شود، ابراز داریم؛ بلکه می‌خواهیم بگوییم بسیاری از دانشمندان، با کوشش خستگی‌ناپذیر توانسته‌اند نقاب از چهره بعضی از رازهای نهان در آفرینش، آنچنان بردارند که مورد تأیید قرآن، یعنی خدا قرار گیرد.»

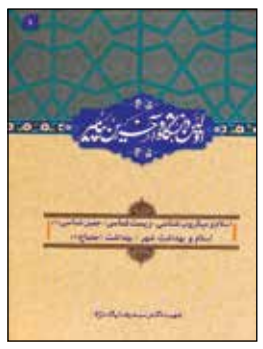

بررسی علمی احکام الهی آن هم با زبانی ساده و همه‌فهم و البته مستند، ویژگی منحصر به فردی اســـت که کمتر نوشـــته‌ای با این ویژگی‌ها دیده شده است. این کتاب می‌تواند منبع و مبنای خوبی برای تبیین سبک زندگی اسلامی قرار گیرد. شهید پاک‌نژاد برای این کتاب به تعداد ۱۱۰ جلد فیش‌برداری کرده بود و تنها موفق به چاپ ۳۷ جلد از آنها شـــد، که انتشارات اخلاق در یک دوره ۱۵جلدی به شـــرح زیر اقدام به تجمیع و چاپ آن در ســـال ۹۳ کرد. عناوین مجلدات کتاب به شرح زیر است:

جلد ۱: اسلام و میکروب‌شناسی، جنین‌شناسی، بهداشت شهر، بهداشت اجتماعی؛ جلد ۲: اسلام و تغذیه، بهداشت غذا و تغذیه؛ جلد ۳: عسل، شیر؛ جلد ۴: خرما و انگور، گوشت؛ جلد ۵: میوه و سبزی؛ جلد ۶: بهداشت بدن، تربیت بدنی؛ جلد ۷: بهداشت بدن، خواب؛ جلد ۸: بهداشت لباس؛ جلد ۹: بهداشت لباس، حجاب؛ جلد ۱۰: پاسخ به پرسش‌های مذهبی؛ جلد ۱۱: مظلومی گمشده در سقیفه؛ جلد ۱۲: مظلومی گمشده در سقیفه؛ جلد ۱۳: اسلام و سقط جنین، تنظیم خانواده؛ جلد ۱۴: ازدواج مکتب انسان‌سازی؛ جلد ۱۵: روش زن‌داری، روش شوهرداری.

بررسی جایگاه عدالت در حکومت اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی با حجت‌الاسلام حامد کاشانی

ولایت در مقابل تندروی‌ها می‌ایستد

□مجتبی برزگر/ انســـان در انتخاب و پیمودن راه زندگی، به هدایت، راهنمایی و رهبری نیاز فراوانی دارد. هدایت دو مرحله دارد؛ یکی مرحله راهنمایی و نشـــان دادن راه و دیگری مرحله رهبری؛ یعنی رهرو را با خود در صراط مستقیم بردن. معلم به انسان می‌آموزد؛ مربی انسان را در مسیر می‌برد؛ مرشد می‌آموزد و به انسان راه را نشان می‌دهد، اما پیر راه، انســـان را با خود در راه می‌برد و به همراه خود به ســـوی آنچه هست می‌کشاند. در زندگی اجتماعی، رهبر راه‌های سعادتمند زیستن را ترسیم می‌کند و انگیزه‌های به راه افتادن در این مســـیر را در انســـان برمی‌انگیزد و تقویت می‌کند با این هدف که انسان‌ها بدانند، راه سعادتمند زیستن از کجا می‌گذرد تا در این مسیر بیفتند و حرکت کنند. اما در مقام عدالت، انبیا پیام‌آوران عدل و قسط هستند و از مردم می‌خواهند که این ویژگی را رعایت کنند؛ چرا که عدل در درجه اول، عدل خود انسان است. عدل اخلاق، عدل فرهنگ، عدل معرفت، عدل ایمان. عدل در عمل مهم است؛ انبیا عادل سازند. شهید بهشتی در دوران ریاست بر قوه قضائیه می‌گفتند؛ «جمهوری اسلامی ما، مادام که موفق به ایجاد عدل اقتصادی و عدل سیاسی و اجتماعی نشود، این بُعد از رسالت انبیا را تحقق نداده است.» با این مقدمه و برای تبیین بهتر موضوع عدالت، در حکومت اسلامی و پاسخ به شبهاتی که این روزها عده‌ای با نام تقدم عدالت بر ولایت و امامت مطرح می‌کنند، به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی، استاد دانشگاه امام صادق(ع) رفتیم و با وی هم‌کلام شدیم. مشروح این گپ‌وگفت را در ادامه می‌خوانید.

عکس: حامد گودرزی

***در جایگاه پژوهشـــگر تاریخ معاصر و استاد دانشگاه بارها بحث عدالت و ولایت را از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اید، لطفاً بفرمایید عدالت و امامت و ولایت چه رابطه‌ای با هم دارند و دربـــاره کارکردها و تأثیرات تحقق این اصل دینی هم توضیح بدهید.**

بحث امروز جامعه این اســـت که بسیاری به اجرای عدالت انتقاد دارند و می‌گویند عدالت‌خواهی دچار تزلزل شده و ما به خاطر اینکه بعد از پیروزی انقلاب حکومتی را تشکیل داده‌ایـــم و برای حفـــظ حکومت حساسیت‌های‌مان را از دست داده‌ایم چون حفظ حکومت برای‌مان مهم بوده، بعضـــی از خطاهـــای افراد، جناح‌ها، جریان‌های همســـو را هم نادیده گرفته‌ایم. آنها این ســـؤال را مطرح می‌کننـــد که عدالت‌خواهی مقدم است، یا ولایتمداری؟ در گام اول باید جایگاه عدالت را بررســـی کرد که جزء اصول و شعار حضرت حجت(عج) هم هســـت و در میان برخی از ادیان مطرح است جهان را از ظلم و جور به سمت عدالت هدایت می‌کنند ـ ولایت را بیرون از فضای جهان اسلام متوجه نمی‌شوند، ولی عدالت را برخی از اهل فلسفه جزء محاسن ذاتی به شمار می‌آورند. در واقع، عدالت شـــاخصه‌ای است که مذهبی و غیرمذهبی ندارد و حضرت حجت(عـــج) آن را نیز جزء اصول و شعائر خود قرار داده‌اند.

امیر مؤمنان علی(ع) وقتی به حکومت رســـیدند درباره بسیاری از معضـــلات اجتماعی و موضوعات سیاسی، یا درباره حقانیت خودشان ســـخنی به میـــان نیاوردنـــد؛ اما دربـــاره عدالت‌خواهـــی مباحثـــی را مطـــرح کردند. نکته اینجاســـت حضـــرت امیر(ع) وقتی به حکومت می‌رسند، شـــعارهای غیر مذهبی ســـر می‌دهند. یکـــی از دلایل به کار نبردن شـــعار شیعی، این است کـــه امیرالمؤمنین(ع) را شـــیعیان و کســـانی که ایشـــان را افضل بر خلفای دیگر می‌دانستند بر سر کار نیاوردند، بلکه اهل تسننی بودند که او را قبول نداشتند. تمام دغدغه و فریادشان این بود که خسته شدیم از این همه تبعیض و فســـاد!! حتی برخی از سقیفه و حقانیت حضرت می‌گویند، امیرالمؤمنین(ع) آنها را توبیخ می‌کنند. نه اینکه مهم نباشد، نه، ولی حضرت می‌فرمایند این چه سؤالی است و جای آن نیست. من قبول کـــردم که دوبـــاره جام زهر دیگری را بنوشم؛ چرا که اگر حضرت امیر(ع) نمی‌آمدند، طلحه حکومت را به دست می‌گرفت؛ کسی که دستش به خون عثمان آغشته بود. معاویه با طلحه درگیر می‌شد و از آنجا که توان نظامی نداشت، معاویه حاکم مسلمانان می‌شد. امیرالمؤمنین(ع) وقتی به حکومت می‌رسند، شعارها عموماً شعارهای عدالت‌خواهانه است و ایشان به دنبال وحدت مسلمانان هستند. جامعه منتظر اتفاقات جدید و متفاوت است؛ حضرت(ع) به دنبال این هســـتند که مشکلات را کمتر کنند و در عین حـــال می‌فرمایند جلوی حرام‌خواری‌هـــا را می‌گیرم و کارگزاران حکومت من باید میان مردم زندگی کنند.

***به عدالت و ولایت در دوره حضرت امیر(ع) پرداختید، به نظر شما چقدر توانسته‌ایم در زیر پرچم انقلاب اسلامی این دو اصل دینی را نهادینه کنیم؟**

ساده‌زیستی و پرهیز از تبختر مســـئولان، تبعیض‌هـــا را کاهش می‌دهد. بی‌شـــک ایـــن ویژگی‌ها جزء فلســـفه حکومت‌هـــا و بعثت انبیاست؛ لذا اگر مسئولی عدالت‌خواه نباشد، ما او را منافق می‌دانیم. حالا متأسفم بگویم بعد از انقلاب افرادی بوده‌اند و هســـتند که ظاهرشان را حفظ کرده‌انـــد، ولی تفکر امام(ره) و رهبـــر معظـــم انقـــلاب را قبول نداشـــته و ندارند. مـــا در طول این سال‌ها می‌بینیم یک وزیر اطلاعات، یک معاون اول رئیس‌جمهور، یک نائب‌رئیس مجلس، یک وزیر ارشاد، یک وزیر بهداشت وقتی شعارهای امیرالمؤمنین(ع) را به آنها می‌دهید می‌گویند شـــعارهای مارکسیستی ندهید. مطمئنـــاً آنها نهج‌البلاغه را نخوانده‌اند؛ و ســـطح زندگی‌شـــان با زندگـــی عمومی مـــردم تفاوت زیادی دارد. سالیان اخیر این افراد بیشتر شده‌اند و درباره ساده‌زیستی مسئولان بحث می‌کنند و این اصول را زیر سؤال می‌برند. در صورتی که جزء اصـــول حکومتی امیر مؤمنان علی(ع) اســـت. حضرت(ع) وقتی وارد کوفه می‌شوند یک کاخ بسیار باشکوه به ایشان پیشنهاد می‌دهند، ولی ایشـــان ترجیـــح می‌دهند به منزل یکی از آشنایان‌شـــان بروند. برخی می‌گفتند این کاخ ســـاخته شده و اسراف می‌شود!! حضرت(ع) می‌فرماینـــد اگـــر یـــک فقیری از کارگزاران شـــکایت کند و این کاخ را ببیند دیگر نمی‌تواند حق و باطل را تشخیص بدهد. من نمی‌خواهم غـــم دل فقـــرا را بیشـــتر کنم. لذا حضـــرت(ع) این‌طور نیســـت که اعتقـــادی به حکومـــت‌داری افراد ثروتمند نداشـــته باشـــند، اما در دوره حکومت‌داری نباید به واسطه پولـــداری تفاخر کنـــد. برخی فکر می‌کنند در بحـــث عدالت‌خواهی، پولدارها حق حکومت‌داری ندارند؛ در صورتی که خود امیر مؤمنان(ع) هم ثروتمند بودند.

تیغ مطالبه‌گری ما باید چند برابر مطالبه‌گری رهبری باشد؛ چرا که ایشـــان در مقام ولایت ممکن است مصلحت‌مدار باشند. ایشان بســـیاری از اوقات، ترمز یک‌سری تندروی‌ها را می‌گیرد؛ اما عده‌ای خیلـــی مواقع ارثی و ســـطحی‌گرایانه عدالت‌خواه هســـتند؛ از این رو مطالبه‌گری از جانب مـــا باید به طور واقعی و نه براساس مسائل سیاسی و انتقام‌جویی صورت بگیرد

*** افـــراد متمـــول وقتی در مســـئولیت یا مقامی قرار می‌گیرند چگونه باید در دولت و حکومـــت، رفتار کنند که در مظانّ انتقاد مردم قرار نگیرند؟**

درســـت اســـت کـــه حضرت علی(ع) به حضـــور ثروتمندان در عرصه حکومـــت ایرادی نگرفته‌اند، امـــا فرموده‌اند این امـــر از دو نظر دچار اشکال است. اینکه این ثروت را از کجـــا آورده؟ ما نمی‌گوییم اگر کســـی پولی دارد حق دولتمردی و حکومت‌داری ندارد. اگر اســـتعداد و تدبیر هدایت و مدیریت حکومت را دارد، بـــه میـــدان بیاید. در وهله بعدی اگر ثروت او حلال و از طریق کارآفرینی به دســـت آمده مشکلی نـــدارد، اما اگر با زد و بند و رانت به این ثروت رسیده این ثروت نامشروع است و اشکال دارد. در دوره حکومت حق ندارد از ماشـــین‌های لوکس و اصطلاحاً میلیاردی اســـتفاده کند. در دوره مســـئولیت نباید در مکان اشرافی زندگی کند. حضرت شعار عدالت‌خواهی ســـر می‌دهند، ولی به این معنا نیســـت که ثروتمند یا کســـی که قبلاً دچار فساد شده به طور کامل باید کنار گذاشته شود. در باب کلی اگر کســـی درد مردم را می‌فهمد، حکومـــت‌داری کند، این‌طور نیست که حضرت با پولدار مخالف باشند. در حکومت حضرت علی(ع) شعار عدالت‌خواهی و بحث ساده‌زیستی و دست دراز نکردن به بیت‌المال خیلی پررنگ اســـت. اگر کسی در باب عدالت‌خواهی کم‌فروغ عمل کند، در واقع حکومت اسلامی را زیر سؤال برده است. حقیقتاً کسی که اموال مسلمانان و بیت‌المال برای او اهمیت نداشته باشد، نفاق دارد. در مطالبـــات رهبری به طور جدی آمده است که پرچم عدالت‌خواهی به دست کســـانی داده شود، که به حفظ نظام پایبندند.

باید برای حفـــظ نظام و احترام به مردم به دنبال عدالت باشیم، نه برای اهداف سیاسی و انتقام‌جویـــی از دولت‌ها. از سویی عدالت‌خواهی نباید به صورت موسمی باشد یا اینکه عدالت‌خواهی وسیله‌ای شود تا از گروه‌ها و جریان‌ها باج بگیریم

***نقـــش مردم بـــه منزله «امت» و ولایت به منزله «امام» را چطور می‌بینید؟**

تیغ مطالبه‌گری باید چند برابر مطالبه‌گری رهبری باشـــد؛ چرا که ایشان در مقام ولایت ممکن است مصلحت‌مدار باشند. ایشان بسیاری از اوقات، ترمز یک‌سری تندروی‌ها را می‌گیرد؛ اما عده‌ای خیلی مواقع ارثی و سطحی‌گرایانه عدالت‌خواه هستند؛ بنابراین مطالبه‌گری از جانب ما باید به طور واقعی و نه براساس مسائل سیاسی و انتقام‌جویی صورت بگیرد؛ یعنی باید برای حفظ نظام و احترام به مردم به دنبال عدالت باشیم، نه برای اهداف سیاسی و انتقام‌جویی از دولت‌ها. از سویی عدالت‌خواهی نباید به صورت موســـمی باشـــد یا اینکه عدالت‌خواهی وسیله‌ای شود تا از گروه‌ها و جریان‌ها باج بگیریم. امیرالمؤمنین علی(ع) خودشان فساد را علنی می‌کنند؛ نه اینکه بترسند! برخورد نکردن با مفســـدان اشتباه اســـت؛ چنانچه امیرالمؤمنین(ع) و پیامبر(ص) فســـادی را می‌دیدند، پنهان نمی‌کردنـــد. برخورد نکردن آبرو و اعتبار یک دولت را زیر سؤال می‌برد. آیا واقعاً در نظام ما این‌طور است؟! اینها یکی از ضعف‌هایی است که نقد به رئیس‌جمهور نمی‌شـــود و نقد بـــه برخـــی از نهادها و نقد منصفانه به مسئولان!! عدالت‌خواهی باید در جامعه اصل باشـــد و اعمال سلیقه نشـــود. ما در سالیان اخیر از رهبری بســـیار هزینـــه کردیم؛ چرا که بقیه وظایف‌شـــان را انجام ندادنـــد. عدالت‌خواهـــی، به خاطر اینکـــه معیارمان انقلابـــی نماند، فسادستیزی‌مان در دستگاه قضایی در جاهایی کلید مصلحت‌ســـنجی داشـــت. به همین دلیـــل ما باب را برای عدالت‌خواهی بـــاز کردیم؛ از ایـــن رو باید حرف عدالت‌خواه‌های واقعی را فهمید، اگرچه امروز پرچم عدالت‌خواهی را کسانی بلند کرده‌اند که خودشان فساد کرده‌اند!

ولایت فقیه فصل‌الخطاب است؛ یعنـــی اینکه وقتی امـــام فرمودند ولی‌فقیه می‌تواند نماز را تعطیل کند، بسیاری وحشت کردند و خواستند او را زیر سؤال ببرند. اگر کسی حقیقت ولایت فقیه را بفهمد، متوجه می‌شود و دیگـــر اختلاف‌نظر پیدا نمی‌کند. هرکسی یک تفکری دارد؛ به همین دلیل باید شـــخص باشد و نه گروه، که تشتت درون آن وجود دارد. اگر ولایت فقیه جا بیفتد، تشـــخیص مصلحت آسان‌تر خواهد بود.

یکی از ضعف‌ها این است که نقـــد به رئیس‌جمهـــور و نقد به برخی از نهادها و نقد منصفانه به مسئولان نمی‌شود!! عدالت‌خواهی باید در جامعه اصل باشد و اعمال سلیقه نشود. ما در سالیان اخیر از رهبری بسیار هزینه کردیم؛ چرا که بقیه وظایف‌شان را انجام ندادند. به خاطر اینکه معیارمان انقلابی نماند، به خاطر اینکه فسادستیزی‌مان در دستگاه قضایی در جاهایی کلید مصلحت‌سنجی داشت

***چطور مصلحت‌اندیشی را برای ولایت ارزشمند می‌دانید؛ امـــا برای فرد دیگـــر این‌طور نمی‌دانید؟**

مصلحت معنای قبیح هم دارد؛ یعنـــی ولی‌فقیه طـــوری صحبت نمی‌کند که دنیایش تضمین بشود و بـــه مصلحت امت می‌اندیشـــد. مصلحـــت جامعه یعنی اینکه کدام یک از اینهـــا برای جامعه مصلحت اســـت؛ چون برای جامعه تصمیم می‌گیرد. البته ولی‌فقیه در مورد یا مواردی به شخص یا گروه‌ها تفویض اختیار می‌کنند؛ مانند بحث آتش به اختیار که مطرح کردند. بحث ولایت فقیه کاملاً عقلانی است که جامعه انســـجام خودش را از دست ندهد. در واقع، ولایت فقیه آمده است که جلوی تزاحم را بگیرد.

***با توجه به آنچه گفته شد، آیا شورای نگهبان به خودی خود نمی‌تواند مصلحت‌اندیشی کند؟**

عملکرد شورای نگهبان به طور قطع عملکرد صد درصدی نیست و شورای نگهبان هم خطاهایی دارد. ما با ولی‌فقیه می‌توانیم اختلاف‌نظر داشته باشیم؟! آزادی اندیشه اشکالی نـــدارد، ولـــی وقتـــی او اعمال‌نظر می‌کند، مـــا حجت داریم که التزام عملی داشته باشیم.

***ممکن است فردی منصوب رهبری باشـــد، اما در وظایفش مشکلاتی را برای جامعه پدید می‌آورد که مردم می‌گویند او منصوب رهبری اســـت، به نظر شما آیا در زمان پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هم این اتفاق افتاده است؟**

پیامبر در ماجـــرای تنگه احد خطاب به یاران لشکر گفتند که همه کشته شـــدند اینجا را ترک نکنید. عالم و آدم برای امتحان است. اینجا پیامبر(ص) می‌توانســـتند آدم‌هایی را بگذارند که یقیناً ترک نمی‌کنند؛ ولی باید امتحان بـــرای آدم‌ها قائل شوند. آیا کســـی حق را نمی‌دانست و نمی‌دانســـتند باید به حق چگونه عمل کننـــد؟ امروز هم هزینه برخی عملکردها را باید رهبـــری بپردازد. خیلی‌هـــا هـــم اقدامات خـــود را به رهبری منســـوب می‌کنند تا از زیر بار مسئولیت شـــانه خالی کنند. در مســـئله برجام از یک ســـو آن را به رهبری منســـوب می‌کنند و از سوی دیگر می‌گویند این اتفاق افتاد تا افکار عمومی با اهداف پنهان آمریکا و جهان غرب آشنایی بیشتری پیدا کند.

***برخی‌هـــا می‌گویند در شـــرایط فعلی باید از الگوی صلح امام حســـن مجتبی(ع) پیروی کرد یا عده‌ای از عاشورا به‌عنـــوان درس مذاکـــره یاد می‌کنند این دو موضوع تا چه حد بر هم منطبق هستند؟**

اصلاً تطبیق آن دوران با شرایط فعلی از اساس ایراد دارد؛ چرا که ما الآن رژیم صهیونیســـتی را تهدید نظامی می‌کنیم. آیا امام حسین(ع) شـــرایط تهدید یزید را داشتند؟! ما الآن امنیـــت داخلـــی و خارجی را توسعه می‌دهیم. ۳۰ سال پیش ما در خطر رژیم صهیونیستی بودیم؛ امـــروز آنها از ما می‌ترســـند. الآن جوانان ما در دفاع از حرم به فرمان ولایـــت لبیک می‌گویند. شـــرایط لشکر امام حسن(ع) متفاوت از امروز است. ما در بسیاری از مواقع پیروز هستیم اگر شرایط امام حسن(ع) و امام حسین(ع) درست تبیین شود؛ هیچ‌گاه این‌طور تحلیل نمی‌کنیم. امام ســـجاد(ع) مصلحت دیدند در دوره یزید یک ســـخنی هم نداشته باشند. اگر شـــرایط خدای ناکرده به جایی برســـد که انقلاب اسلامی نیـــروی امیـــن و هوادار پـــا به کار نداشـــته باشد، آن شـــرایط تکرار می‌شود.

نقطه‌نظر

ماه بازگشت به قرآن

□ **احمد جمالی/** قرآن کریم کامل‌ترین و آخرین کتاب آســـمانی برای هدایت بشـــر است. اگرچه برای رســـیدن به سعادت و کمال حقیقی، تلاوت این کتاب نورانی و تدبر در آن در تمام ماه‌های ســـال امری ضروری اســـت؛ ولی خواندن قـــرآن و انس با آن در ماه مبـــارک رمضان ضرورتی مضاعف دارد.

قرآن کریم در ماه مبارک رمضان نازل شـــده و نزول آن در شـــب قدر دانسته شده است. بنابراین، میان ماه رمضان و قرآن کریم، پیوندی آسمانی و ناگسستنی وجود دارد. روزه گرفتن در این ماه مبارک، زمینه‌ساز رسیدن به تقواست و انسان باتقوا شایستگی آن را پیدا می‌کند که از هدایت قرآن کریم بهـــره گرفته، به هدف آفرینش دست یابد.

تدبر در قرآن کریم و انس با آن، دو فایده عظیم را بهره انسان می‌کند:

۱ـ زدودن جهـــل: جهـــل بزرگ‌ترین مانع رشد و تکامل انسان است. بسیاری از محرومیت‌های واقعی و معنوی انســـان‌ها از آن روست که برخـــی از حقایق جهان را نمی‌دانند. قرآن کریم با تبیین مهم‌ترین حقایقی که انسان برای تکامل به آنها نیاز دارد، در ســـه عرصه «عقاید»، «اخلاق» و «اعمـــال»، این مانع بزرگ را از میان برمی‌دارد.

۲ـ زدودن غفلت: گاهی انســـان برخی از حقایق را می‌داند؛ ولی انس با دنیا و مظاهـــر فریبنده آن موجب می‌شـــود از آنها غافل شده، از تکامل بازماند. قرآن کریم با تکرار و تذکر پی در پی حقایقی، مانند توحید، مرگ، قیامت و حساب و کتاب آخرت، قاری را از خطر غفلت نجات می‌دهد.

تدبـــر در قرآن کریـــم و انس با آن، در نهایت موجب انس با محبوب حقیقـــی و خدای مهربان می‌شـــود؛ انسی که شیرین‌ترین و شورانگیزترین لحظات زندگی انسان را رقم می‌زند و وی تا آنجا پیش می‌رود که لحظه‌ای مناجات با حضرت حق را با تمام دنیا عوض نمی‌کند.

پژوهشگر قرآنی
بنیاد علوم وحیانی اسراء

راه نرفته

تعادل رفتاری با نسل جوان

گوشـــه‌گیری و سرگرم شدن به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و همچنیـــن حضـــور در کنـــار گروه همســـالان در نوجوانان به موضوعی جدی تبدیل شده که بسیاری از اوقات موجب نگرانی خانواده‌ها می‌شود.

این نوجوانان و جوانان علاقه‌ای به ســـپری کردن وقت خود با اعضای خانواده ندارند به راستی در برخورد با آن چه باید کرد؟

با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و افزایش مخاطبان، گسترش و توسعه شـــبکه مجازی و اجتماعـــی آنان به اصلی‌ترین ابزار پر کردن اوقات فراغت تبدیل شده‌اند. از سوی دیگر، گرفتاری اقتصـــادی خانواده‌ها و در بســـیاری از موارد اشـــتغال بـــه کار مادر و پدر موجب شده است آنان در ایجاد رابطه با فرزندان، همفکری و هدایت آنان با کمبود وقت روبه‌رو شـــوند؛ به همین دلیل شاهد ظهور نسل‌هایی هستیم که تلفن همراه و دوستان خود را مهم‌ترین تکیه‌گاه عاطفی خود می‌دانند و کمتر از والدین الگوبرداری می‌کنند.

در ایـــن میان، کاهـــش روابط گفتاری در خانواده و توجه محض به آموزش در نهـــاد آموزش و پرورش و توجه به مســـائل سیاسی و اقتصادی بیـــش از هر چیزی در رســـانه وجود دارد که موجب شده است خانواده‌ها از فرزندان خود فاصله گرفته و بی‌خبر بمانند.

البته در صورتی کـــه بخواهیم تعادل رفتاری بین این نسل‌ها برقرار کنیم، نمی‌توان همه آنان را در یک نگاه ارزیابی کـــرد. همین جوانان عزاداران محرم و صفر، مســـافران راهیان نور، اعضـــای اعتکاف و مســـافران اربعین هســـتند؛ از ایـــن رو نباید از وضعیت جامعه و این نسل ناامید شد.

دکتر مجید ابهری،
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

گروه «زندگی» صبح صادق آماده است تا پلی بین شما خوانندگان با مشاوران خبره و امین ایجاد کند.
سؤالات خود را از طریق سامانه پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ برای ما ارسال کنید.

سه لایه جنگ زیستی

در دفاع بیولوژیک ۲۴ دستگاه مسئول هستند و برای شان وظیفه تعیین شده است، ما باید با انضباط جدی و فرماندهی چند دستگاه را به کار بگیریم تا بتوانیم دفاع کنیم. جنگ زیستی با ایجاد ناامنی می‌تواند چهارچوب‌های اقتصادی را بر هم بزند. این جنگ سه لایه دارد؛ لایه اول این تهدیدات بیماری است که نظام بهداشت و درمان آن را دنبال می‌کند، لایه دوم بیوتروریسم است که نظام اطلاعاتی پیگیر آن است و لایه سوم پدافند زیستی است که باید یک دفاع زیستی را دنبال کند.

یادداشت

تقوا مبنای اقدام ناهمتراز

□ **علیرضا جلالیان/** اقدام ناهمتراز نوعی کنش است که در آن مبتنی بر نقاط ضعف دشمن و نقاط قوت خودی عملکردها تنظیم شده و این اقدامات چون به شناسایی نقاط ضعف دشمن و شناخت دقیق از مزیت‌های خودی معطوف است، نمی‌تواند بدون اشراف اطلاعاتی و نیز مطالعه و تفکر صورت گیرد. در جمهوری اسلامی ایران در تفکیک رده‌های نیروهای مسلح هشت رده اصلی نیرویی مطرح می‌شود که چهار نیرو مربوط به ارتش و چهار نیرو مربوط به سپاه است. تفاوت بین این نیروها هم در نوع اقدام تراز و ناهمتراز است. در این میان وظیفه ارتش در جایگاه یک مجموعه کلاسیک و مدرن شده با تجهیزات مربوطه کاملاً مشخص است. اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک مجموعه چند بعدی است که متناسب با نیاز انقلاب عمل می‌کند. سپاه در بعد نظامی مجموعه‌ای از نیروهای با عملکرد ناهمتراز را در مقابل دشمن دارد که عمده توجه این نوشته مربوط به همین موضوع است. دکترین و قاعده اصلی سپاه در امور نظامی مبتنی بر آیه‌ای است که در آرام آن آمده؛ «واعدوا لهم مااستطعتم من قوه...». از سویی در سپاه مؤلفه مهم در نبرد مقابل دشمن میزان اتصال رزمندگان و مجموعه سپاه به قدرت حقیقی و لایزال است و این مؤلفه کلیدی مبتنی بر ایمان فردی و جمعی می‌تواند مسئله «کَم مِن فِئَةٍ قَلیلَةٍ غَلَبَت فِئَةً کَثیرَةً بِإِذنِ اللهِ» را رقم بزند که در معیت الهی ممکن است. البته قید در اینجا «مقاومت» یا به اعتبار قرآنی آن «صبر» بعد از ایمان است. بر همین اساس انفاس قدسی شهیدانی چون غلامحسین افشردی یا شیخ عبدالله میثمی روی ایمان و معنویت رزمندگان تأکید فراوان داشتند. در تبیین این موضوع می‌توان مثالی جالب آورد که هر آنچه از تجهیزات و توان دفاعی اعم از سلاح‌های سبک و سنگین، خودرو، ابزار هوشمند و... در مقابله با ضعف‌های دشمن تدارک دیده شده را می‌توان به عنوان عددهای صفری کنار هم دانست. آنچه در قرآن هم بر آن تأکید شده همین عمل صالح است، اما تا وقتی که یک عدد غیر از صفر قبل از همه این صفرها قرار نگیرد، این عدد همان صفر و فاقد ارزش است، این عدد همان ایمان است که در بحث حیات طیبه به عمل صالح ارزش می‌دهد و در رابطه با امور نظامی در اقدام ناهمتراز قدرت مؤمنان را افزون می‌کند. البته نباید لزوم وجود قدرت ایمان را در اقدامات تراز هم نادیده گرفت.

بر اساس این یک رکن اصلی در مجموعه نیروهای مسلح و مجاهدان جبهه حق ایمان الهی است و میزان این ایمان قدرت را افزون‌تر می‌کند. عوامل دخیل در افزایش این ایمان هم فراوان است؛ از لقمه حلال تا توسل و کسب معرفت، نیکی به دیگران و... که همگی در تقوا، یعنی انجام واجبات و ترک محرمات خلاصه شده است. بر اساس همین است که در قرآن در هر امری که واکاوی می‌شود، یکی از نقاط اصلی تکیه بر تقوای الهی است، مثلاً در همین امر معیت الهی در کنار صبر و مقاومت تأکید بر «اِنّ اللهَ مَعَ المُتّقین» شده است. بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت ریشه موفقیت در اقدام مبتنی بر شناخت احکام پنج‌گانه و عمل بر اساس آن است و اینجاست که پیوند فقه و امور دفاعی ناگسستنی می‌شود.

نقطه سرخط

نخ تسبیح!

می‌گفت ولایتمداری باید در عمل باشد، نه فقط در کلام. گفتم حرف شما یک بخشش درست است و بخش دیگرش اگر اصلاح شود، درست می‌شود. ولایتمداری نباید در کلام بماند و باید در عمل هم جاری باشد. بعد برایش یک مثال زدم و گفتم در همین تیپ خودمان در نظر بگیر مثلاً فرمانده گردان «ولی» است، اما اگر او را نشناسید و نحوه اطاعت از او و فهم دستوراتش را نداشته باشید، عملاً گردان مفهوم ندارد. اگر او را شناختید و اطاعت نکردید هم گردان از هم می‌پاشد. پس فرمانده به شرط شناخت و تبعیت نیروها می‌شود نخ تسبیح.

گزارش صبح صادق از افتتاح اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی کشور

سپاه نهادی انسان‌محور و الگوساز است

عکس: حامد گودرزی

□ **حسن ابراهیمی/** اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی کشور و چهارمین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی جهان با نام «بیمارستان شهید دکتر بهرام شکری» به همت دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) با حضور سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران و ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت و درمان در پردیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) افتتاح شد. در ادامه گزارشی از مراسم افتتاح این بیمارستان که با سخنرانی فرمانده کل سپاه، معاون وزیر بهداشت و فرمانده دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) همراه بود را می‌خوانید.

چهارمین بیمارستان دندانپزشکی جهان

سرلشکر محمدعلی جعفری ضمن تبریک فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، اظهار داشت: «یاد شهید شکری عزیز را که این بیمارستان اوست، گرامی می‌داریم.»

وی گفت: «اهمیت این بیمارستان به این دلیل است که اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی محسوب می‌شود و آن‌طور که سردار عبداللهی گفتند، چهارمین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی در جهان پس از آمریکا، انگلیس و کره جنوبی است.»

فرمانده کل سپاه تصریح کرد: «توجه سپاه به خدمات درمانی به این دلیل است که سپاه سازمانی انسان‌محور و نه تجهیزات‌محور است؛ سازمان‌های نظامی دیگر جهان اگر قدرتی دارند، محوریت آنها به دلیل بهره‌گیری فناوری نظامی، تجهیزات و قدرت آتش‌شان است، اما سپاه پاسداران که نیرویی فرهنگی، سیاسی، امنیتی و نظامی است، ایجاب می‌کند بیش از گذشته نسبت به نیروی انسانی توجه داشته باشد و محوریت سازمانی خود را بیش از گذشته در رابطه با نیروی انسانی گسترش دهد.»

سرلشکر جعفری با اشاره به ویژگی‌های انقلابی، مؤمن و بصیر بودن پاسداران گفت: «مردمی بودن پاسداران یکی از شاخصه‌های انقلابی بودن آن است و این از ویژگی‌های سپاه است.»

وی افزود: «چالش‌هایی که ما در حفظ این ویژگی‌ها داریم؛ الگوگیری و تقلید از سیستم‌های رایج در داخل کشور و جهان است. این موضوع اشتباه است که ما در بحث نظامی از کشورهای دیگر الگو بگیریم؛ زیرا سپاه به تأکید فرمانده معظم کل قوا پیش از اینکه سازمانی نظامی باشد، سازمانی فرهنگی، سیاسی و امنیتی است.»

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه ارائه خدمات ما در مراکز پزشکی وابسته به سپاه باید نمونه و درجه یک باشد، گفت: «اولویت ما در سپاه، نباید منافع اقتصادی و درآمدزایی باشد و نباید الگوی ما سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی باشند که نگاه آنها تنها کسب منافع مالی بیشتر است.»

وی یادآور شد: «هنر ما به عنوان بازو و صیانت‌کننده انقلاب این است که در این مجموعه حاکمیتی خدمات ارزان و همراه با کیفیت را همراه با رضایتمندی بیماران ارائه کنیم. البته هدف دیگر در این مرکز موضوع آموزش است، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) باید بتواند کادر متخصص پزشکی را برای سپاه و انقلاب اسلامی تربیت کند.»

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: «سپاه در جایگاه یک مجموعه خط‌شکن باید در این عرصه و سایر عرصه‌ها نمونه باشد. از آنجا که وظیفه سپاه الگوسازی است؛ لذا باید در هر کاری بهترین باشد که بحمدالله بر اساس گزارش‌ها و اطلاعاتی که داریم، مجموعه دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) این‌گونه است.»

اولویت خدمات فقرا هستند

در ادامه این مراسم نیز دکتر ایرج حریرچی قائم‌مقام وزیر بهداشت ضمن قدردانی از این اقدام سپاه در حوزه دندانپزشکی اظهار داشت: «خدمات دندانپزشکی بسیار گران است و بسیاری از مردم استطاعت پرداخت هزینه‌های آن را ندارند؛ لذا هیچ اقدامی در حوزه سلامت از سوی دولت و نهادهای حاکمیتی نباید صورت بگیرد، مگر آنکه فقرا از آن بهره‌مند شوند و ما در هیچ کاری نباید «حامی فقرا بودن» را فراموش کنیم.»

قائم‌مقام وزارت بهداشت گفت: «پیشگیری و ارائه خدمات ارزان به مردم، باید راهبرد ما در حوزه دندانپزشکی باشد.»

وی در پایان افزود: «پاسداران و نیروهای مسلح هم از قشری هستند که استطاعت مالی بالایی ندارند و این بیمارستان قدم خوبی برای این قشر محسوب می‌شود؛ اما از مسئولان مربوط می‌خواهم در این بیمارستان خدمت‌رسانی به دیگر اقشار محروم را هم مد نظر داشته باشند.»

هشت طبقه با تجهیزات مدرن

دکتر علیرضا جلالی فرمانده دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله‌الاعظم(عج) هم در این مراسم ضمن ارائه گزارشی از وضعیت مجموعه دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) طی ۲۰ ماه تصدی خود در این مجموعه، اظهار داشت: «باید از خدمات عزیزانم دکتر خاتمی و دکتر اصلانی که پیش از من در این مسند زحمات فراوانی کشیدند و این مجموعه را به اینجا رساندند و تحویل ما دادند، تشکر کنم.»

وی گفت: «بیمارستان تخصصی دندانپزشکی شهید شکری در هشت طبقه و مساحتی بیش از ۱۲ هزار متر مربع در مجاورت بیمارستان بقیه‌الله(عج) و در مجموعه پردیس دانشگاه ساخته شده است.»

جلالی ادامه داد: «این بیمارستان دارای هشت طبقه است، که دو طبقه زیرزمین مربوط به تأسیسات بوده، طبقه همکف مربوط به اروژانس و تریاژ، یک طبقه مربوط به کودکان و یک طبقه هم مربوط به بانوان است. مرکز تصویربرداری، بخش جراحی و لیزر و... دیگر بخش‌های این بیمارستان است.»

به گفته دکتر جلالی، ساخت بیمارستان شهید شکری از سال ۸۹ شروع شد که پس از وقفه‌ای چند ساله ادامه یافت و در مدت کوتاهی تکمیل شد.

۷۰ درصد تجهیزات و ۹۰ درصد بنا

وی افزود: «حدود ۷۰ درصد تجهیزات این بیمارستان و نیز ۹۰ درصد بنای ساختمان از تجهیزات کاملاً ایرانی است.»

رئیس بیمارستان بقیه‌الله(عج) افزود: «در حال حاضر ۳۵ یونیت در این بیمارستان فعال می‌شود و در آینده نزدیک این ظرفیت به ۱۰۰ یونیت می‌رسد و خدمات این بیمارستان شبانه‌روزی خواهد بود.»

وی افزود: «این بیمارستان در مساحتی حدود یک هزار و ۶۵۰ متر مربع با استانداردهای روز جهان ساخته شده و از عالی‌ترین سطح خدمات دندانپزشکی با برترین کیفیت و ایمنی با رویکرد سلامت‌محور، مبتنی با سبک زندگی اسلامی و ایرانی برخوردار است.»

بیان برخی دیگر از پروژه‌های در دست ساخت دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج)، وضعیت علمی و پژوهشی دانشگاه و وضعیت رتبه‌بندی بیمارستان‌های زیرمجموعه این دانشگاه بخش‌های دیگر سخنرانی دکتر جلالی را تشکیل می‌داد و همگی نشان از ارتقای این مجموعه در سطح منطقه‌ای و جهانی دارد.

گفتنی است، شهید دکتر بهرام شکری نخستین دندانپزشک رسمی سپاه بود که در سال ۱۳۶۰ به دست گروهک مجاهدین خلق(منافقین) ترور و به درجه رفیع شهادت نائل شد.

پاسداران خورشید

پدر شهید مدافع حرم علی عابدینی

سجده‌های طولانی‌اش برایم عجیب بود

□ **احسان امیری/** اردیبهشت ماه سال ۹۵ خبر شهادت ۱۳ شهید ایرانی در خان‌طومان سوریه منتشر شد. «علی عابدینی» یکی از این شهدای نیروهای یگان ویژه صابرین بود که پیکرش در منطقه ماند و در زمره شهدای جاویدالاثر قرار گرفت. یوسف عابدینی پدر شهید درباره فرزندش می‌گوید: «علی اولین ثمره زندگی مشترک‌مان است که در صبح ۲۵ مرداد ماه سال ۱۳۶۷ به دنیا آمد. قبل از به دنیا آمدنش، نذر کردیم اگر بچه سالم به دنیا بیاید، او را بیمه اهل بیت(ع) کنیم. هر سال در روز عاشورا به یاد حضرت علی اصغر(ع) بین عزاداران با دست خودش نذری پخش می‌کرد؛ علی این کار را خیلی دوست داشت و چون یکی از عموهایش به نام «علی‌اصغر» در جبهه به شهادت رسیده بود، راه و روش زندگی را از عمویش الگو گرفت. سجده‌های طولانی‌اش پس از نماز حتی زمانی که به سن تکلیف نرسیده بود، برایم عجیب بود. یکی از اعضای فعال بسیج محل بود. سال ۱۳۸۵ طی فراخوان استخدام سپاه پاسداران عضو این نیرو شد. پوشیدن لباس پاسداری را خیلی دوست داشت و همیشه خودش را سرباز امام زمان(عج) می‌دانست. پیش از استخدام سپاه مدتی برق‌کار بود و در شرکتی کار می‌کرد که حقوق خوبی داشت؛ اما پس از یک هفته دیگر سر کار نرفت و گفت صاحب‌کارم اهل نماز و روزه نیست. گفتم او اهل نماز و روزه نیست، تو که هستی، اشکالی ندارد. در جواب گفت از کجا بدانم که حقوقم حلال است؟

وارد گردان صابرین ساری شد و چندین بار به مأموریت‌های مرزی رفت و در درگیری با گروهک‌های تروریستی ریگی و پژاک حضور داشت. یک روز به ما گفت داعش به سوریه حمله کرده و جنایت‌هایی را که انجام داده، هر روز از رسانه‌ها می‌بیند. پس از چند بار نام‌نویسی و با اصرار زیاد بالاخره با درخواستش برای رفتن به سوریه موافقت کردیم. علی دو بار به سوریه رفت. آبان سال ۹۴ در یک حمله که سبب آزادی منطقه خان‌طومان شد، از ناحیه کتف چپ با اصابت تیر مستقیم دشمن مجروح شد و پس از ۳۰ روز به ایران بازگشت. وقتی به تهران آمد، به اتفاق خانواده به تهران رفتیم و خواستیم او را به خانه برگردانیم، اما حاضر نشد با آمبولانس سپاه به خانه بازگردد و با ماشین خودمان برگشتیم می‌گفت تا می‌توانیم نباید از بیت‌المال استفاده کنیم.

درمانش کامل نشده بود که باز اصرار داشت برود. ۱۵ فروردین ماه در یک مهمانی بودیم که تلفنش زنگ خورد، شام را نخورده رها کرد و بلند شد تا برای اعزام آماده شود. همان شب ساعت ۱۲ جزء اولین کسانی بود که خود را به پادگان رساند. همانند مرغی که از قفس آزاد شده باشد، پروازکنان می‌رفت و ما تنها نظاره‌گرش بودیم. یک ماه بعد با ما تماس گرفت و خبر سلامتی‌اش را داد. شب جمعه‌اش هم با خانواده صحبت کرد. فردایش خبر درگیری در خان‌طومان از طریق شبکه‌های مجازی پخش شد. چند دقیقه بعد تصویر مجروحیتش را دیدم و روز شنبه قطعی شد که علی و چند نفر از نیروهای سپاه استان مازندران به شهادت رسیده‌اند.

گلی از باغ

مجید بربری حرّ مدافعان حرم شد

«مجید بربری» با زیر عنوان «زندگی داستانی حرّ مدافعان حرم مجید قربان‌خانی» نام کتابی است به قلم کبری خدابخش که نشر دارخوین آن را منتشر کرده است.

داستان کتاب از زمان شهادت مجید شروع می‌شود، زمانی که خبر می‌رسد عده‌ای از رزمندگان ایرانی در خان‌طومان به شهادت رسیده‌اند و کسی از پسر شر و شور ولی با مرام محله یافت‌آباد که به سوریه اعزام شده بود، خبر دقیقی نداشت. کتاب شامل ۱۸ داستان از زندگی شهید مجید قربان‌خانی است که در هر بخش نویسنده اشاره‌ای به ویژگی‌های شهید با توجه به روایت‌هایی که آورده می‌کند. اما نویسنده خط تعلیق داستان را به شکل تاریخی پیش نبرده و در هر قسمت با بازگشت به ماجراهای پیش از شهادت مجید آشنایی بیشتری به خواننده کتاب درباره شهید می‌دهد.

اگرچه در ابتدا خواننده کتاب سردرگم می‌شود، اما زمانی که خواندن کتاب به پایان می‌رسد، درک درستی از این شهید پیدا می‌کند. شهید قربان‌خانی اگرچه ظاهری شبیه به سایر شهدای مدافع حرم نداشت، اما دلی پاک داشت که همین دل پاک سبب شد در مواجهه با دشمن تکفیری غیرت شیعی‌اش به جوش بیاید و وارد کارزار دفاع از حرم شود؛ امری که شاید در ابتدا برای خیلی از فرماندهان گردان‌های مربوط به دلیل سوابق و ظاهر مجید پذیرفته نبود، اما بالاخره مجید در خان‌طومان عاقبت به خیر شد. در انتهای کتاب نیز تصاویری از شهید آمده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «حاجی قبل از رفتن مجید می‌دانست رفتنش به شهادت ختم می‌شود، روزهای آخر بدجوری نوربالا می‌زد. بنر تبریک و تسلیت شهادت مجید را همراه‌شان برده بودند و داخل تویوتای سپاه گذاشته بودند...»

قبیله عشق

یا زهرا(س) خودت کمک‌مون کن

با احمد شیخ‌حسینی و شهید عباس رضایی در آب در حال عملیات بودیم که ناگهان کوسه ما را دور زد، اگر صدایی می‌آمد، عراقی‌ها ما را سوراخ سوراخ می‌کردند و اگر نه دندان‌های کوسه ما را تکه‌تکه می‌کرد. امیر با آن صدای پرامیدش در حال ذکر بود و ناگهان گفت یا فاطمةالزهرا(س) خودت کمک‌مون کن؛ همین‌جا بود که کوسه از کنار ما دور شد و رفت و او در آب گریه‌اش گرفت. در آن کارزار هر کجا نام بی‌بی را می‌شنید، گریه امانش را می‌گرفت...

به نقل از همرزم شهید محمدامیر فرهادیان‌فرد

امیر در بهار سال ۱۳۴۲ در یکی از محله‌های شیراز دیده به پهنای این جهان گشود. آرام، متین و بردبار بود. از همان کودکی به خاندان عصمت و طهارت بسیار علاقه‌مند بود و با نوای قرآن انس داشت. دوران ابتدایی و راهنمایی را سپری کرد. با سن کمش در دوران انقلاب به همراه دوستانش به راه‌پیمایی می‌رفت. در اوایل دوران دبیرستان بود که پس از شنیدن خبر حمله دشمن بعثی به خاک ایران جنگ سلحشوری، او را به خود خواند و به منزله یک بسیجی به خود جلب کرد، او ماه‌ها در جبهه به مبارزه با دشمن بعثی مشغول بود. همه فنون کار را آموخت و به جمع سپاهیان سبزپوش پیوست و از کارکشته‌های اطلاعات و شناسایی شد.

روحیه رازداری بالایی داشت؛ از این رو حتی زمانی که در عملیات‌ها زخمی می‌شد، به خانواده خود در این باره چیزی نمی‌گفت. توسل به ائمه اطهار از ویژگی‌های بارز او بود. وی که از فرماندهان واحد اطلاعات عملیات بود، سرانجام چهارم دی ماه سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ در شلمچه در اثر اصابت ترکش به شقیقه‌اش به شهادت رسید و پیکر مطهرش در گلزار شهدای شیراز خاک‌سپاری شد.

گزارش خبری

گزارش خبرنگار اعزامی صبح صادق به مناطق زلزله‌زده سرپل ذهاب

سپاه تهران حدود ۶۰ واحد مسکونی را به زلزله‌زدگان تحویل داد

□ **علیرضا حسینی/** سپاه از اولین نهادهایی بود که پس از وقوع زلزله ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۶ در کرمانشاه، خدمت‌رسانی را به مردم زلزله‌زده این منطقه شروع کرد و این اقدام را تا پایان روند امداد و اسکان ادامه خواهد داد. قرارگاه مهندسی حاج‌احمد متوسلیان از جمله مجموعه‌های خودجوش از پاسداران و بسیجیان است که در این منطقه و در روستاها فعالیت دارد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار اعزامی صبح صادق را با یکی از مسئولان این قرارگاه در روستای کوئیک عزیز منطقه سرپل ذهاب می‌خوانید. طبرستانی جانشین حاج‌سعید قاسمی در قرارگاه مهندسی حاج‌احمد متوسلیان است.

*** قرارگاه حاج‌احمد متوسلیان تاکنون چند واحد مسکونی در روستای کوئیک عزیز ساخته است؟**

قرارگاه حاج‌احمد متوسلیان از دو گروه تشکیل شده است که محوریت یکی به فرماندهی سردار اسداللهی فرمانده لشکر عملیاتی ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) است و محوریت دیگری با سردار حاج‌سعید قاسمی است که در روستای کوئیک عزیز ما با حاج‌سعید کار می‌کنیم. در این روستا ساخت حدود ۲۰ واحد مسکونی به اتمام رسیده است. در مجموع، تاکنون در منطقه حدود ۶۰ واحد به همت قرارگاه جهادی احمد متوسلیان به سرپرستی سردار قاسمی و سردار اسداللهی به اتمام رسیده است. علاوه بر ساخت منزل مسکونی بیش از ۷۰ چشمه حمام و دستشویی ساخته شده و بیش از چند صد کانکس نیز تحویل زلزله‌زده‌ها شده است که همه اینها به همت پاسداران و بسیجیان سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ بوده است. مهم در اینجا سرعت و دقت ساخت بوده که تقریباً در منطقه بی‌نظیر است. هزینه‌ها هم از طرف خود مجموعه بسیجیان و پاسداران جمع‌آوری شده است.

*** برنامه‌های آینده قرارگاه حاج‌احمد متوسلیان چیست؟**

ما در حوزه اشتغال ورود پیدا کرده‌ایم و در حال تدارک برای راه‌اندازی ۲۰ واحد بازارچه و نانوایی هستیم. همچنین برنامه دیگر این قرارگاه ورود به شهر سرپل ذهاب برای ساخت منزل مسکونی برای نیازمندان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی است. در شهر سرپل ذهاب وضعیت خیلی بد است، اما وضعیت روستاها با ورود برادران سپاه خیلی بهتر است.

*** در میان زلزله‌زدگان روستاهای سرپل ذهاب نحوه انتخاب خانواده‌هایی که برای‌شان واحدهای مسکونی ساخته شده چگونه است؟**

نحوه انتخاب افراد نیازمند بر اساس نظر شورای روستا و دهیار و ماموستای منطقه بوده است.

*** در حال حاضر مهم‌ترین مشکلات این روستا چیست؟**

افزایش هزینه مصالح پس از نوروز باعث شده پیمانکاران بنیاد مسکن کیفیت کار خود را پایین بیاورند. همچنین کمبود وسایل سرمایشی، چادر و کانکس‌های مناسب و مهم‌تر از همه مشکل زباله و فاضلاب وجود دارد.

*** در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید؟**

با توجه به وضعیت موجود پیشنهاد می‌دهم که هیئت دولت به همراه استانداران یک جلسه هیئت دولت را در سرپل ذهاب تشکیل دهند و با حضورشان واقعیات را از نزدیک مشاهده کنند و یک شبانه‌روز را در کانکس و چادر سپری کنند تا میزان سختی زندگی مردم اینجا را لمس کنند تا بتوانند تصمیمات درست بگیرند.

تریبون

جمع‌بندی تریبون سوم

ایران در مقابل خروج آمریکا از برجام باید چه عکس‌العملی داشته باشد؟

در حالی که آمریکا که به زعم مذاکره‌کنندگان ایرانی و غیر ایرانی یکی از مهم‌ترین طرف‌های مذاکرات هسته‌ای منتج به برجام بود، این کشور با تصمیم رئیس‌جمهور احمق آمریکا از برجام به صورت یک طرفه خارج شد و در مقابل، طرف اروپایی برجام هنوز واکنش دقیقی بروز نداده است. رهبر معظم انقلاب نیز تصمیم بر خروج یا ادامه برجام با اروپایی‌ها را بر عهده مسئولان مربوطه نهاده و صد البته به طور تلویحی به پایان برجام به دلیل بدعهدی دیگر طرف‌ها توصیه داشته‌اند. در ادامه جمع‌بندی نظرات شما همراهان گرامی را درباره عکس‌العمل ایران در مقابل این اقدام بیان می‌کنیم. متأسفانه، در این ایام سامانه پیامکی هفته‌نامه دچار مشکل بوده و همین موضوع سبب شده است عمده نظرات همراهان گرامی به دست ما نرسد.

خروج از برجام و شروع فعالیت‌های هسته‌ای صنعتی/ بسیاری از مخاطبان معتقدند، ایران باید از برجام خارج شده و با اقدام تقابل فعالیت‌های هسته‌ای صنعتی خود را قوی‌تر از گذشته با کیفیت و کمیت بیشتر شروع کند. «مهدی اقبالی» با همین نظر معتقد است، در اقتصاد هم باید بر توان داخلی و بازارهای همسایه تکیه کنیم. «حسین پورشاهرودی» از مشهد مقدس معتقد است برجام بدون یک طرف معنا ندارد و نظر به خروج از آن داده است. «پاک» از تبریز، «سعیده بنام» از جزیره خارگ و «علی شعبان» از بروجرد همگی بر خروج از برجام رأی داده‌اند. «یوسف صبحانی‌نسب» از بوشهر آتش زدن برجام را مطرح کرده و «رحیمیان» از شهرکرد در کنار خروج از برجام، خروج از پیمان ان‌پی‌تی را هم پیشنهاد داده است.

به اروپا اعتماد نکنیم/ اروپا هم مانند آمریکا قابل اعتماد نیست. این سخن «زهرا کریم‌زاده» و «جابر بینائیان» از سمنان است.

ادامه برجام با اروپا/ اما «آیت رستمی» از جوانرود در نظری متفاوت از دیگران ادامه برجام با اروپا را بیان کرده است.

دیگر نظرات/ «علیرضا میرزایی» از تهران به اقدام متقابل رأی داده و گفته است، بیش از این از نظام هزینه نکنیم. «محسن نورعلی‌پور» از هرسین هم معتقد است حالا وقت تکیه بر توان داخلی و حمایت همه‌جانبه از نخبگان متعهد و رونق اقتصاد درون‌گرا است. «ابراهیم ملکی» از ملایر هم راه را مقاومت می‌داند، نه انتظار برای عکس‌العمل.

«خیرالنسا قربانی» از املش معتقد است هر عکس‌العملی از ما باید برای آمریکا درس عبرتی باشد. «فؤاد جمیل‌پور» از کرج توجه به منویات رهبری و اعتماد نکردن به اروپایی‌ها را مهم دانسته است. «محمد کریم‌زاده» از اصفهان می‌گوید باید از این میدان بی‌عملی در برجام دل کند و شجاعانه فعالیت‌های هسته‌ای را رونق داد. «علیرضا صبحانی‌نسب» از بوشهر هم در کنار چنین نظری، تقویت توان موشکی را خواستار شده است. «یزدانی» از نکا تکیه به توان داخلی و نیز پیگیری حقوقی و شکایت از آمریکا را پیشنهاد داده است. «محمد زارعی‌برآبادی» از خواف نیز به بخشی از اقدامات مقابله‌ای اشاره کرده که از جمله تحریم کالای آمریکایی و در کنار آن تقویت توان داخلی است. «مجید زاده‌رحیم» از شهر سه قلعه توجه به توان داخلی را مهم دانسته و «محمدرضا زاهد» از بیرجند اقدام متقابل همراه با عدم نرمش را خواستار شده است. «یزدانی» از میاندرود اجرای قانون اقدام متقابل و عمل به دستورات رهبری از سوی مسئولان دولتی را بیان کرده است.

برندگان تریبون سوم

«ابراهیم ملکی» از ملایر / «یزدانی» از میاندرود / «زهرا کریم‌زاده»

پرسش تریبون چهارم

چرا جامعه اسلامی به انس با قرآن نیاز دارد؟

پیامک صبح صادق ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

صبح صادق

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
۵ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۸
۱۲ صفحه

Mon. 21 MAY 2018 www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

صبحانه

بهار واقعی

تا از خودت شروع نکنی
بهار را تجربه نخواهی کرد
حتی اگر صدها بهـــار در بیرون از تو بیاید
و برود
و همه به هم و از جمله به تو،
آن را هزاران بار شادباش گویند
بهار واقعی
باید در درون تو متولد شود
بهار را تجربه نخواهی کرد
مگر آنکه رخت آگاهی‌ات نو شود
تا آگاهی‌ات رشد نکند
و جوانه‌های فهم در تو نشکفد،
درخت ذهنت بارور نمی‌شود
و آرامش میهمان منزلت نمی‌شود

صادقانه

حسنات بر باد رفته

پیامبراعظم(ص) فرمودند:
گروهی روز قیامت وارد صحرای محشر می‌شـــوند؛ در حالی که حسنات و کارهای نیکی به بزرگی کوه‌هـــا دارند، اما خداوند حسنات ایشـــان را همچون ذرات غبار در هوا می‌پراکند، سپس فرمان می‌دهد آنها را به آتش دوزخ اندازند. سلمان عرض کرد: یا رسول‌الله! آنها را برای ما توصیف نما.
فرمـــود: آنها کســـانی هســـتند که روزه می‌گرفتند، نماز می‌خواندند و شـــب زنـــده‌داری می‌کردند؛ امـــا هنگامی که به حرامی دســـت می‌یافتند، بـــر آن هجوم می‌بردند.

مستدرک‌الوسائل

تلخند

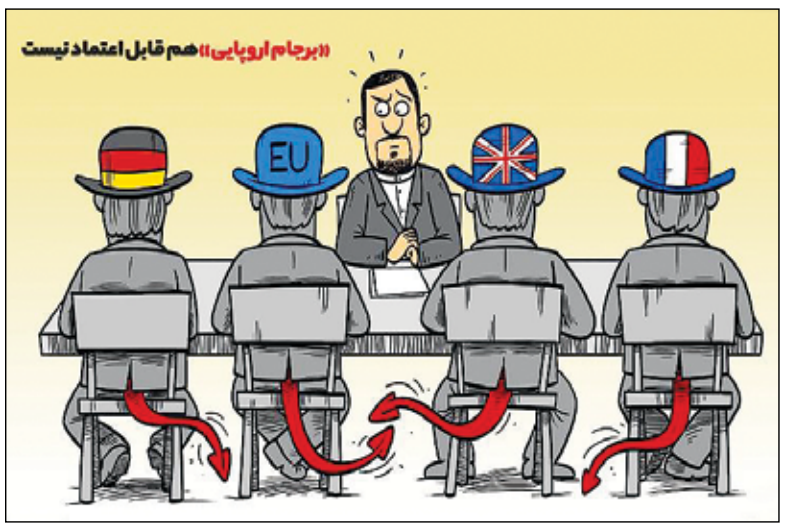

یادداشت

جشنواره سریال‌های رمضانی

□ **حسین کارگر /** از اواسط دهه ۷۰ رفته رفته یک مناســـک رسانه‌ای جدید در کشـــورمان به وجود آمد. از آن دوران، دنبال کردن ســـریال‌های مناســـبتی تلویزیون برای ماه مبارک رمضـــان در لحظات پـــس از افطار، به یـــک عادت فرهنگـــی جمعی در ایران تبدیل شـــد؛ به ایـــن معنا که تعقیب کردن این سریال‌ها بخشی از برنامه‌های روزمـــره مردم در این ایام می‌شـــود. حتی آن دسته از مردم که در طول ســـال و در روزها و شب‌های معمولـــی، علاقه چندانـــی به دنبال کردن سریال‌های تلویزیونی ندارند، با شروع ماه مبارک رمضان، به پیگیری این‌گونه برنامه‌ها علاقه‌مند می‌شوند. یکـــی از دلایل چنین گرایشـــی نزد مـــردم، همزمـــان بـــودن پخش این ســـریال‌ها با لحظات خـــاص پس از افطار اســـت که همه اعضای خانواده گرد هم می‌آیند و فضایی پر از نشاط و معنویت در خانه‌ها حاکم می‌شـــود. دلیـــل دیگر، خاطـــرات خوش به جا مانـــده از این‌گونه سریال‌هاســـت که ســـبب می‌شود بســـیاری از مردم در شـــب‌های رمضان، خود بـــه خود به سمت تماشای سریال‌های تلویزیونی جذب شوند؛ به همین دلیل، موقعیت زمانی ماه مبارک رمضان و به ویژه حد فاصل افطار تا نیمه شب، یک فرصت مناســـب رســـانه‌ای و فرهنگی برای صداوسیماست؛ به ویژه اینکه در این زمان، حال و هوای فردی و اجتماعی مردم هم به گونه‌ای است که آمادگی بیشتری برای پذیرش مضامین متعالی دارند. همچنان که بار مسئولیت رسانه ملی برای تأمین نیازهای مخاطب در ایـــن مقطع زمانی افزایـــش می‌یابد. به ویژه اینکـــه این برنامه‌ها دقیقاً در تأثیرگذارتریـــن ســـاعت‌های زندگی هموطنان‌مـــان، یعنی لحظات پس از افطار به آنها عرضه می‌شوند.
بنابراین، ســـریال‌های تلویزیون در این مقطع از زمان می‌توانند نقش مکمل عبادت‌های مردم را ایفا کنند؛ اما متأســـفانه طی چند ســـال اخیر ســـریال‌های ماه رمضان سیما از نظر تأثیرگذاری مثبت بر تعالی مخاطب، رو بـــه افول بوده‌انـــد. این برنامه‌های مناسبتی، پس از دوران اوج دهه ۸۰، از اواخر آن دهه با افت کیفیت، ساختار و محتوا مواجه شـــدند؛ به گونه‌ای که سریال‌های شش، هفت سال گذشته ســـیما در ماه رمضـــان را نمی‌توان با آثاری چـــون «صاحبدلان»، «او یک فرشته بود»، «اغما» و «میوه ممنوعه» و حتـــی مجموعه‌هـــای طنزآمیز آن دوران مقایسه کرد.
سریال‌های ماه رمضان سال ۹۷ تازه شروع شـــده‌اند. باید منتظر ماند و دید که آیا این ســـریال‌ها می‌توانند خاطـــرات برنامه‌های یک دهه قبل را زنده کرده و بار دیگر مناسک رسانه‌ای تماشای سریال‌های رمضانی در بین مردم را احیا کنند؟

حسن ختام

یادها...

گاهـــی چنـــان وقف ایـــن و آن می‌شوی
که یـــادت می‌رود خـــودت هم هستی
و گاهـــی چنان تلاش می‌کنی و خشت بر خشت خیال می‌گذاری
که گویی آمده‌ای برای همیشـــه بمانی
تو گاهی در شلوغی همین برو و بیاها گم می‌شوی
آن‌قـــدر گـــم، که چشـــم آب نمی‌خورد دوباره پیاده شوی
گاهی آن‌قدر همپـــای عقربه‌ها می‌دَوی که از خودت جا می‌مانی...
رو راست باش!
آخرین باری که با خودت خلوت کرده‌ای یادت هست؟
چند وقت است که پای حرف‌های دلت ننشسته‌ای؟
چند وقت اســـت که به وجدانت سر نزده‌ای؟
تو حق داری!
دنیا و حواشـــی‌اش تـــو را چنان تسخیر کرده‌اند
که همه چیـــز را پاک فراموش کرده‌ای
حتی فراموش کرده‌ای که عزیزی در راه است
او که وجود نازنینش سامان این سرزمین است
بیا و از قید تعلقات رها شو
بـــاور کن صلاح تـــو و همه اهل زمین در همین است...

حرف تو حرف

علی برکتِ‌الله

بـــه گزارش همه خبرگزاری‌های داخلـــی و خارجی، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهـــور آمریکا چند روز پیش تصمیم خـــود را درباره «برنامه جامع اقدام مشـــترک» (برجام) یا توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ اعلام کرد. او در یک اقدام پیش‌بینی شـــده از جانب سیاستمداران کشورمان، بالاخره آن روی عهدشکنانه و غیرقابل اعتماد بودن خود را به جهانیان نمایاند و موجب شـــد یکی از مسئولان وقت دولت در اظهار نظری شجاعانه بگوید: «دیدید گفتم این آمریکا بدعهده و نمی‌شـــه بهش اعتماد کرد؟! البته ناگفته نمونه که ما در باب توافق برجام، این قدم‌های ســـخت و طاقت‌فرســـا، آن هم زیر آفتاب گرم و ســـوزان کشورهای غربی، از جمله فرانسه را برداشتیم تا شما مردم شـــریف ایران متوجه بشـــید این آمریکا همون آمریکاییه که در دوره دکتر مصدق و رژیم گذشته علیه این ملت اقدامات خصمانه داشته تا جایی که حتی حمایتش از صدام و ســـرنگونی هواپیمای مسافربری و اقداماتی را که علیه مردم افغانستان، یمن و عراق و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و دیگر مناطق داشته، به صراحت اعلام کرده است.»
به گزارش خبرگزاری ما و حاضران در میدان «نقش برجام»، جهانیان نیز با انداختن حلقه گل دوستی بر گردن تیم مذاکره‌کننده ما، ضمن دعوت ایشان به ادامه راه، با تشویق تیم ایرانی، بر این تیزهوشی و پیش‌بینی صورت گرفته احســـنت گفتند و بالاتفاق در صف موافقان برجام و پشـــت سر تیم مذاکره‌کننده، در حالی که ایشان را با لبخند و شاخه گل به سمت ادامه راه برجام هُل می‌دادند، بر این مهم اقرار کردند که تیم مذاکره‌کننده ما اونقدر آقاســـت که چنانچه همه طرف‌های مذاکره از برجام خارج شوند، این تیم، حتی به تنهایی و در سرما و گرمای روزگار، پابرجا بر سر عهد خود ایستاده و مواد توافق را بند به بند و موبه‌مو به صورت داوطلبانه اجرا می‌کند.
همچنین به نقل از شاهدان عینی، طرف‌های مذاکره‌کننده ۱+۵ که با یک حساب سرانگشتی مساوی است با ۵، در دفاع از مواضع انسان‌دوستانه و مسئولانه تیم مذاکره‌کننده ما و پاسخ به خروج غیر مسئولانه دولت آمریکا از برجام، در یک اقدام شجاعانه و غیر منتظره، با پرتاب کردن خودکارهای خود بر روی زمین، یکصدا گفتند: «اااا!».
به گزارش خبرنگار ما، مسئول حفظ برجام در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران حاضر که نخواست نام خود را فاش کند، در حالی که نگاه خود را با حالت اسلوموشن از خبرنگار برمی‌گرداند، بدون بیان حتی یک کلمه و صرفاً با نگاه معنادارِ توأم با زبان بدن اظهار نظر فرمود: «ترامپ تصور کرده که با خروج از برجام، ما درجا می‌زنیم و برجام را ترک می‌کنیم، غافل از اینکه، برجام حق ماست، علاوه بر آن، هنوز طفلی نورسته است با عمری به طول حدود دو ســـال و اندی و نامردیست که این طفل را با این طول عمر کوتاه، بی‌دفاع در بزرگراه جهان تنها بگذاریم تا زیر دست و پای رهگذران له شود. تازه، ما با این همه مسئولیت و پست و مقام، اینقدرها بیکار نبودیم که قلب رآکتورمون رو اول با سختی از بدن صنعت هسته‌ای کشورمون دربیاوریم و جایش را سیمان پرملاط پرکنیم با قیمت کیسه‌ای چقدر تومان، اون هم از بـــازار آزاد، بعدش هم تو این قحطی کارگر بیکار، بریم دنبال کارگر بگردیم که این همه سیمان رو از گودال خارج کنن. حالا به فرض هم کارگر بیکار پیدا کردیم که اصلاً پیدا نمی‌شه، اونوقت چاله رو هم خالی کردیم، قطعات قلب رآکتور رو از کجا پیدا کنیم تا بزاریم سرجاش؟ بنابراین دنیا بداند اگر شـــده حتی پـــس از خروج همه اعضای توافـــق ۱+۵ از برجام، خودمون به تنهایی و با امید می‌ایســـتیم تا تدبیری بیندیشـــیم و ببینیم چطور و با چه راه‌هایی می‌توانیم این توافق خوب رو که به قول وزارت خارجه آلمان موجب امن‌تر شدن دنیا نسبت به قبل از برجام شده و حتی اروپا به همین خاطر، برای حفظ آن «سخت تلاش خواهد کرد» را حفظ کنیم، توافقی که سبب می‌شه جهان از ما خیالش راحت بشه و شب‌ها دیگه از ترس ما خواب‌های بد نبینه. به امید دنیایی بدون خونریزی زیر آسمانی آبی در کنار همپیمانان مؤدب غربی. علی بَرَکَتِ الله

بی شناسنامه

کتیبه سبز

امروز فلسطین

جامعه جهانی امروز دیدنی است
عدل و عدالتش به فلسطین شنیدنی است
کودک‌کشی عدالت غرب است در جهان
با گرگ‌های وحشی و خونخوار، همزبان
در غزه آب نیست بنوشند کودکان
مظلوم و بی‌پناه، سپارند تشنه جان
باید نوشت باز لغت‌نامه‌ای دگر
چون قاعده عوض شده، با دست فتنه‌گر
معیارها دوگانه شده در مرام غرب
خون می‌چکد، فریب مخور از پیام غرب
هر روزه می‌زنند، طلبکار می‌شوند
هر روز بگذرد، همه مکار می‌شوند
حمله دفاع[1] نام گذارند، غربیان
باشد هجوم[2] دیوصفتان، بلکه ارمغان
شرم و حیا، به باد فنا رفته این زمان
واضح‌ترین مسئله گردیده چیستان
منظور من ز غرب عموسام آشناست
بس که دریده، خورده، بگویید اژدهاست

عبدالمجید فرائی

۱ـ رژیم اشغالگر قدس با برنامه قبلی و با اجازه آمریکا، به فلسطینیان حمله می‌کند، «ترامپ» و دولتمردان آمریکا می‌گویند، از خود دفاع می‌کند.
۲ـ هجوم و تجاوز به افغانســـتان و عراق را نجات و دفاع از مردم آن دو کشور قلمداد می‌کنند.

هادی محمدیان، کارگردان «فیلشاه» در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

اوج‌گیری انیمیشن ایران با بال تکنیک و هنر

□ **مهدی امیدی /** بهار امســـال را می‌توان فصل برداشت محصول تلاش‌های گروهی از جوانان ایرانی در عرصه انیمیشن هم دانست. امروز جوانانی با نگاهی کاملاً اسلامی و انقلابی، طلایه‌داران هنر-صنعتی که تا پیش از این در انحصار شـــرکت‌های غربی و شرقی بود، شده‌اند. چند سال پیش وقتی «شاهزاده روم» به نمایش درآمد، همه از پیشرفت انیمیشن در ایران سخن می‌گفتند، اما پس از آن، آثار دیگری از جمله «فهرســـت مقدس» به منصه ظهور رسید که از نظر تکنیکی، انیمیشن ایران را چند قدم جلو برد. «فیلشاه» را می‌توان اوج‌گیری انیمیشـــن ایرانی دانســـت. این اثر به کارگردانی هادی محمدیان تولید شده است. او پیش از این، سریال‌های انیمیشن «دره زنجفیل» و «بینا و دینا» و انیمیشن‌های کوتاه «مردی که خودش را کشت» و «پرواز تا بی‌نهایت» را ساخته بود. محمدیان پیش از این یکی از برندگان جشنواره فیلم عمار معرفی شده بود. پس از تشکیل گروه هنر پویا، «شاهزاده روم» را در این گروه تولید کرد و امروز با «فیلشاه» پرچمدار عرصه انیمیشن شده است. محمدیان ۳۶ سال سن دارد. با این حال، معتقد است که هنوز به نقطه آرمانی نرسیده و هدفش بسیار فراتر از جایگاه کنونی است. به بهانه موفقیت «فیلشاه» در اکران عمومی، با هادی محمدیان گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌آید.

***«فیلشاه» را می‌توان اوج‌گیری هنر-صنعت انیمیشن در ایران دانست. بفرمایید چطور توانستید در این مقطع سنی، به چنین توفیقی دست پیدا کنید؟**

البته معتقدم که هنوز با نقطه ایده‌آل فاصله دارم. اگر توفیقی هم حاصل شده، لطف خدا بوده اســـت. اما یک نکته مهم این است که من خودم عاشق کارم هستم؛ عاشق انیمیشنم و زندگی‌ام را وقف این کار کرده‌ام و کاملاً هدفمند پیش می‌روم.

***چرا عاشق انیمیشن هستید؟**

من از ابتدا، هم به سینما و به ویژه به طراحی صحنه خیلی علاقه‌مند بـــودم و هم به طراحی و نقاشی. اما وقتی تحصیلاتم را در رشته گرافیک ادامه دادم در این مسیر قرار گرفتم. واقعیت این است که وقتی یک فریم انیمیشن بسازید، دیگر نمی‌توانید آن را با سینمای رئال عوض کنید. به خصوص اینکه مخاطب شما بســـیار ویژه است. وقتی وارد دنیای زلال و پاک کودکان می‌شـــوید، روح و ذهن شما هم صیقل پیدا می‌کند و به واســـطه شفافیت روح آنها شما هم زلال می‌شوید. به طور کلی کار کردن برای بچه‌ها خیلی لذت‌بخش‌تر است.

***به طور معمول آثار شما در دایره هنر مذهبی قرار می‌گیرد، اما هیچ یک از آنها دچار شعارزدگی نشده و محتوای دینی کاملاً در فرم این آثار جلوه یافته است، از نگاه شما رمز این اتفاق مثبت چیست؟**

برای من شـــخصاً این‌گونه نبـــوده که برای دغدغه‌هایم انیمیشـــن بسازم. این آفت وجود دارد که خیلی‌ها چون دوســـت دارند به فرهنگ و هنر کمک کنند، وارد یک حوزه‌ای می‌شـــوند، اما اصلاً توجـــه نمی‌کنند کـــه اول باید علایق و ســـلایق خودشان را پیدا کنند و توانایی‌های خود را کشف کننـــد. همان‌طور که گفتم من از بچگی طراحی و نقاشـــی و انیمیشن را دوست داشتم. کسی که در مســـیر علاقه و استعدادش کار هنری می‌کند، اگر دغدغه‌های دینی و اعتقادات مذهبی، درونش رسوب کرده باشد، همان‌طور که بر مبنای این باورها زندگی می‌کند، همان‌طور نیز فیلم می‌سازد.

***بـــرای انتقال پیام و محتوا به مخاطب چطور؟ در این زمینه، چه نکاتی باید رعایت شود؟**

انیمیشـــن، رسانه‌ای بســـیار قدرتمند برای انتقال اندیشه و پیام است، اما فرایند انتقال فکر به مخاطب با این رسانه وقتی با موفقیت انجام می‌شود کـــه در قدم اول مؤلفه‌های سرگرم‌ســـازی رعایت شـــود؛ یعنی فیلمساز ابتدا باید با مخاطب خودش ارتباط برقرار کند و بعد حرف خود را با او در میان بگذارد. در کشور ما متأسفانه اغلب برعکس اتفاق می‌افتد؛ یعنی ابزار هنری را با شعار و بیانیه اشتباه می‌گیریم که این سبب می‌شود محتوای دینی در فرم اثر جلوه پیدا نکند.

***درباره تجربه‌های تکنیکی «فیلشاه» توضیح بدهیـــد، چطور این توانایی را عملی کردید؟**

انیمیشن یک شاخه از سینماست که فناوری در آن به شدت دخیل است؛ یعنی کسی که در این رشته کار می‌کند افزون بر اینکه باید درگیر روایت و قصه باشـــد، با تکنیک هم درگیر است. تکنیک ســـاخت «فیلشاه» کاملاً بومی و ایرانی است. هیچ کس تجربه و صنعت خود را به یک کشـــور جهان سومی نمی‌فروشـــد. چون خیلی تأثیرگذار است. ما در «شـــاهزاده روم» این زیربنای فناورانه را به وجود آوردیم.

***یکی از ویژگی‌های آثار شما، کار گروهی است؛ یعنی این آثار در مجموعه‌ای با عنوان «هنر پویا» ساخته می‌شوند، بفرمایید اهمیت کار گروهی در تولید این آثار چه بوده است؟**

بـــه یقین اگـــر «فیلشـــاه» به ایـــن نتیجه موفقیت‌آمیز رسیده، حاصل کار گروهی است. در این پروژه حدود ۲۲۰ نفر با تخصص‌های گوناگون دخیل بودند. ما گروه «هنر پویا» به طور هدفمند در حال فعالیت هستیم. هدف ما این است که سالی یک انیمیشن ســـینمایی تولید کنیم. اولین قدم این است که بچه‌های ایرانی بتوانند انیمیشن‌هایی که محصول کشـــور خودشان است را تماشا کنند و آثاری که دارای قهرمانان و داســـتانی برآمده از فرهنگ ایرانی و اسلامی باشد در دسترس فرزندان این کشـــور قرار بگیرد؛ آثاری کـــه با آنها بتوانند نقشـــی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا کنند و الگوهایی در زندگی آنها باشند. این هدف جمعی ما در هنر پویا است.

***نکته مهم این است که شما و گروه‌تان، منتســـب به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی هستید، امروز موفقیت انیمیشن ایران به نام شما ثبت می‌شود، اما چرا مسئولان فرهنگی به این مسئله کمتر توجه می‌کنند؟**

متأسفانه جوانان در این‌گونه عرصه‌ها کمتر جدی گرفته می‌شوند. این معضل در عرصه علمی کمتر شده است. به همین دلیل هم شاهد شکوفایی و رشد علمی چشـــمگیری در کشورمان هستیم. اما ایـــن اتفاق در عرصه فرهنگ و ســـینما کمتر دیده می‌شـــود. شاید یکی از دلایل این بوده که ما مسحور آثار غربی هستیم و فکر می‌کنیم خودمان هیچ‌گاه نمی‌توانیم کار خوبی تولید کنیم. اما این اشتباه بزرگی است. همان‌طور که در عرصه علمی توانستیم به موفقیت‌های بزرگی برسیم، در عرصه فرهنگ هم می‌توانیم، منتها باید به جوان‌ها اعتماد و از آنها حمایت شود.

***کار آینده شـــما درباره چه موضوعی خواهد بود؟**

در حـــال کار روی یک داســـتان با موضوعی امروزی و در ایران هستیم. این انیمیشن موضوعات مختلفی ازجمله محیط زیست خواهد داشت.

اخبار فرهنگی

شعر مرگ برجام خوانده شد

ویژه‌برنامـــه «مـــرگ برجام ســـراب» با حضور چهره‌های شعر و موسیقی انقلاب با موضوع برجام در لانه جاسوسی سابق آمریکا برگزار شد.
در این همایش، شاعرانی چون علی‌محمد مؤدب، میلاد عرفان‌پور، عباس احمدی و ملیحه رجایی شعر خواندند و در بخش موسیقی نیز حمیدرضا استادیان قطعه «جعبه سیاه» و ساسان نوذری قطعه بوشهری «جاشوی بی‌پروا» را علیه آمریکا خواندند و محمدرضا شهبازی نیز استندآپ کمدی اجرا کرد. در ادامه این برنامه از طریق ارتباط اینترنتی، ابراهیم احمد ابواشعر از فعالان رسانه‌ای فلسطینی در نوار غزه که برخی بستگانش را در جنایات اخیر رژیم جعلی صهیونیستی از دست داده است، صحبت کرد.

سکوت در کن برای جایزه!

سینماگران ایرانی حاضر در جشنواره کن در مقابل جنایات رژیم غاصب صهیونیستی سکوت کردند. امسال هم جشـــنواره فیلم کن میزبان تعـــداد قابل توجهی از فیلمســـازان و بازیگران ایرانی، از جمله اصغر فرهادی و گلشیفته فراهانی بود. با توجه به اینکه برگزاری این دوره از جشنواره کن با کشتار گسترده فلسطینی‌ها همزمان شد، حوادث این روزهای فلسطین در جشنواره کن هم بازتاب پیدا کرد؛ اما در کمال شگفتی، اعتراض به جنایات رژیم کودک‌کش صهیونیستی نه از سوی هنرمندان ایرانی، بلکه از سوی منال عیسی، بازیگر لبنانی-فرانسوی به نمایش درآمد. بسیاری معتقدند، علت سکوت سینماگران ایرانی حاضر در جشنواره کن در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی این است که در صورت اعتراض ممکن است از جوایز این جشنواره باز بمانند.

خداحافظی با اخبارگوی خاطره‌ساز

قاسم افشار، گوینده به یادماندنی اخبار صداوسیما از میان ما رفت و خاطرات خود را به جا گذاشت.
صدای مرحوم افشـــار با بســـیاری از حوادث دوران دفاع مقدس در هم آمیخته است. وی از سال‌های اول انقلاب، گویندگی در بخش‌هـــای خبری رادیو و تلویزیون را برعهده داشت و در بحبوحه سال‌های دفاع مقدس با صدایی حماسی بارها اخبار مربوط به پیروزی‌های رزمندگان اسلام را به اطلاع هموطنان رسانده بود.
قاســـم افشـــار روز چهارشـــنبه ۲۶ اردیبهشـــت ۹۷ در ۶۷ ســـالگی و بر اثر ســـکته قلبی از دنیا رفت. پیکر وی پس از تشـــییع، طبق وصیت خود وی در بهشت زهرا(س) و در جـــوار آرامگاه دخترش به خاک سپرده شد.

برپایی نمایشگاه پایان یک داعش

آیین افتتاحیه نمایشگاه «پایان یک داعش» به مناسبت روز نکبت متشکل از ۶۵ اثر برگزیده از سراسر جهان در نگارخانه ابوالفضل عالی حوزه هنری برگزار شد.
در این نمایشگاه، ۸۷۰ شرکت‌کننده از ۶۴ کشور جهان، بیش از دو هزار و صد اثر را به دبیرخانه ارسال کردند. این آثار شامل هزار و ۷۸ کارتون، ۴۱۵ کاریکاتور چهره و ۶۳۵ پوستر بود.
ایران با ۳۲۹ شرکت‌کننده، چین با ۲۱۲ هنرمند و ترکیه با ۴۵ شرکت‌کننده بیشـــترین ســـهم را در ایـــن رویـــداد دارند.
گفتنی است، نمایشـــگاه پایان یک داعش تـــا روز ۱۲ خرداد همـــه روزه (به جـــز ایـــام تعطیـــل) از ســـاعت ۹ تا ۱۸ برپاست.

سبک زندگی بزرگان دین در یک برنامه تلویزیونی

ســـبک زندگی و ســـیره خانوادگی شـــخصیت‌هایی، چون امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی، شـــهید بهشتی، شهید مطهری و... در قالب یک برنامه تلویزیونی به نمایش درمی‌آید.
مرکز مستند ســـوره آثار کوتاهی را با موضوع ســـبک زندگی علما تولید کرده اســـت که در ایام ماه مبارک رمضان روی آنتن خواهد رفت.
در ایـــن مجموعه ۲۰ قســـمتی که «قصه‌های زندگی» نام دارد، داستان‌های کوتاهـــی از زندگی علمای قدیم و معاصر روایت شده اســـت که از این شخصیت‌ها می‌تـــوان بـــه علامـــه طباطبایـــی، امام خمینی(ره)، آیـــت‌الله مجتهدی تهرانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شیخ عباس قمی، شیخ کبیر و... اشاره کرد.

نمایش فیلم ضد داعش در کره و ژاپن

فیلم «به وقت شـــام» به کارگردانی ابراهیـــم حاتمی‌کیـــا در ابتـــدای راه اکـــران بین‌المللـــی، اواخر تابســـتان در کشـــورهای کره جنوبی و ژاپن به نمایش در خواهد آمد.
این فیلم ســـینمایی را که به ســـه زبان بین‌المللی ســـاخته شـــده اســـت، چندین کشـــور خریـــداری کرده‌اند و در کره جنوبی و ژاپن بـــه روی پرده خواهد رفت.
«به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی محمد خزاعی با گذشـــت نزدیک به دو مـــاه از اکران در ســـینماهای تهران و شهرستان همچنان با اســـتقبال مردم همراه است و توانسته است در آستانه فروش ۱۳ میلیارد تومانی قرار گیرد.